

قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۰/۵/۸ با اصلاحات و الحاقات بعدی

کتاب اول - کلیات

باب اول - مواد عمومی

ماده ۱ - قانون مجازات اسلامی راجع است به تعیین انواع جرائم و مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی که درباره مجرم اعمال می شود.

ماده ۲ - هر فعل یا ترک فعلی که در قانون () برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می شود().

ماده ۳ - قوانین جزائی درباره کلیه کسانی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی() و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می گردد () مگر آنکه به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد().

ماده ۴ - هرگاه قسمتی از جرم در ایران و اقع و نتیجه آن در خارج از قلمرو حاکمیت ایران حاصل شود و یا قسمتی از جرم در ایران و یا در خارج و نتیجه آن در ایران حاصل شود در حکم جرم و اقع شده در ایران است().

ماده ۵ (مصوب ۱۳۷۰/۹/۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام) - هر ایرانی یا بیگانه ای که در خارج از قلمرو حاکمیت دو لت ایران مرتکب یکی از جرائم ذیل شود و در ایران یافت شود و یا به ایران مسترد() گردد طبق قانون مجازات جمهوری اسلامی ایران مجازات می شود().

1 - اقدام علیه حکومت جمهوری اسلامی ایران و امنیت داخلی و خارجی و تمامیت ارضی یا استقلال کشور جمهوری اسلامی ایران().

2 - جعل فرمان یا دست خط یا مهر یا امضاء مقام رهبری و یا استفاده از آن.

3 - جعل نوشته رسمی رئیس جمهور یا رئیس مجلس شورای اسلامی و یا شورای نگهبان و یا رئیس مجلس خبرگان یا رئیس قوه قضائیه یا معاو نان رئیس جمهور یا رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور یا هر یک از و زیران یا استفاده از آنها.

4 - جعل اسکناس رایج ایران() یا اسناد بانکی ایران مانند براتهای قبول شده از طرف بانکها یا چکهای صادر شده از طرف بانکها و یا اسناد تعهدآور ر بانکها و همچنین جعل اسناد خزانه و او راقی قرضه صادره و یا تضمین شده از طرف دو لت یا شبیه سازی و هرگونه تقلب در مورد مسکوکات رایج داخله.

ماده ۶ - هر جرمی که اتباع بیگانه که در خدمت جمهوری اسلامی ایران هستند و یا مستخدمان دو لت به مناسبت شغل و و وظیفه خود در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مرتکب می شوند و همچنین هر جرمی که مأ موران سیاسی و کنسولی و فرهنگی دو لت ایران که از مَصونیت سیاسی استفاده می کنند مرتکب گردند، طبق قوانین جزائی جمهوری اسلامی ایران مجازات می شوند().

ماده ۷ - علاوه بر موارد مذکور در ماده (۵) و (۶) هر ایرانی که در خارج ایران مرتکب جرمی() شود و در ایران یافت شود طبق قوانین جزائی جمهوری اسلامی ایران مجازات خواهد شد().

ماده ۸ - در مورد جرائمی که به موجب قانون خاص یا عهود بین المللی مرتکب در هر کشوری که به دست آید محاکمه می شود اگر در ایران دستگیر شد طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات خواهد شد. ماده ۹ - مجرم باید مالی را که در اثر ارتکاب جرم تحصیل کرده است اگر موجود باشد عیناً و اگر موجود نباشد، مثل یا قیمت آن را به صاحبش رد کند و از عهده خسارات و ارده نیز برآید.

ماده ۱۰ - بازپرس یا دادستان (۵) در صورت صدور قرار منع تعقیب یا موقوف شدن تعقیب (۱) باید تکلیف اشیاء و اموال کشف شده را که دلیل یا وسیله جرم (۲) بوده و یا از جرم تحصیل شده (۳) یا حین ارتکاب استعمال و یا برای استعمال اختصاص داده شده است تعیین کند تا مسترد (۴) یا ضبط یا معدوم شود. در مورد ضبط، دادگاه تکلیف اموال و اشیاء را تعیین خواهد کرد. همچنین بازپرس و یا دادستان مکلف است مادام که پرونده نزد او جریان دارد به تقاضای ذی نفع با رعایت شرایط زیر دستور رد اموال و اشیای مذکور در فوق را صادر نماید:

1 - وجود تمام یا قسمتی از آن اشیاء و اموال در بازپرسی یا دادرسی لازم نباشد.

2 - اشیاء و اموال بلامعارض باشد.

3 - در شمار اشیاء و اموالی نباشد که باید ضبط یا معدوم گردد.

در کلیه امور جزائی دادگاه نیز باید ضمن صدور حکم یا قرار یا پس از آن، اعم از اینکه مبنی بر محکومیت یا برائت یا موقوف شدن (تعقیب متهم باشد، نسبت به اشیاء و اموالی که وسیله جرم بوده یا در اثر جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب استعمال و یا برای استعمال اختصاص داده شده حکم مخصوص صادر و تعیین نماید که آنها باید مسترد (۴) یا ضبط (۴) یا معدوم شود.

تبصره ۱ - متضرر (۴) از قرار بازپرس یا دادستان یا قرار یا حکم دادگاه می تواند از تصمیم آنان راجع به اشیاء و اموال مذکور در این ماده شکایت خود را طبق مقررات در دادگاههای جزائی تعقیب و درخواست تجدید نظر نماید. هرچند قرار یا حکم دادگاه نسبت به امر جزائی قابل شکایت نباشد.

تبصره ۲ - مالی که نگهداری آن مستلزم هزینه نامتناسب برای دولت بوده یا موجب خرابی یا کسر فاجحش قیمت آن گردد و حفظ مال هم برای دادرسی لازم نباشد و همچنین اموال ضایع شدنی و سریع الفساد حسب مورد به دستور دادستان یا دادگاه به قیمت روز فروخته شده و وجه حاصل تا تعیین تکلیف نهایی در صندوق دادگستری به عنوان امانت نگهداری خواهد شد.

ماده ۱۱ - در مقررات و نظامات دولتی، مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی باید به موجب قانونی باشد که قبل از وقوع جرم مقرر شده باشد و هیچ فعل یا ترک فعل را نمی توان به عنوان جرم به موجب قانون متأخر مجازات نمود لیکن اگر بعد از وقوع جرم قانونی وضع شود که مبنی بر تخفیف یا عدم مجازات بوده و یا از جهات دیگر مساعدتر به حال مرتکب باشد نسبت به جرائم سابق بر وضع آن قانون تا صدور حکم قطعی (۴) مؤثر خواهد بود. در صورتی که به موجب قانون سابق حکم قطعی لازم الاجراء صادر شده باشد به ترتیب زیر عمل خواهد شد.

1 - اگر عملی که در گذشته جرم بوده به موجب قانون لاحق جرم شناخته نشود در این صورت حکم قطعی اجراء نخواهد شد و اگر در جریان اجراء باشد موقوف الاجراء خواهد ماند و در این دو مورد و همچنین در موردی که حکم قبلاً اجراء شده باشد هیچ گونه اثر کیفری بر آن مترتب نخواهد بود. این مقررات در مورد قوانینی که برای مدت معین و موارد خاصی وضع گردیده است اعمال نمی گردد.

2- اگر مجازات جرمی به موجب قانون لاحق تخفیف یابد محکوم علیه می تواند تقاضای تخفیف مجازات تعیین شده را بنماید و در این صورت دادگاه صادرکننده حکم و یا دادگاه جانشین با لحاظ قانون لاحق مجازات قبلی را تخفیف خواهد داد().

3- اگر مجازات جرمی به موجب قانون لاحق به اقدام تأمینی و تربیتی تبدیل گردد فقط همین اقدامات مورد حکم قرار خواهد گرفت .

باب دو م - مجازاتها و اقدامات تأمینی و تربیتی

فصل اول - مجازاتها و اقدامات تأمینی و تربیتی

ماده ۱۲ - مجازاتهای مقرر در این قانون پنج قسم است :

1 - حد و د

2 - قصاص

3 - دیات()

4 - تعزیرات

5 - مجازاتهای بازدارنده.

ماده ۱۳ - حدّ، به مجازاتی گفته می شود که نوع و میزان و کیفیت آن در شرع تعیین شده است.

ماده ۱۴ - قصاص، کیفری است که جانی به آن محکوم می شود و باید با جنایت او برابر باشد.

ماده ۱۵ - دیه، مالی است که از طرف شارع برای جنایت تعیین شده است().

ماده ۱۶ - تعزیر، تأدیب و یا عقوبتی است که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و به نظر حاکم و اگذار شده است() از قبیل حبس و جزای نقدی() و شلاق که میزان شلاق بایستی از مقدار حدّ () کمتر باشد().

ماده ۱۷ - مجازات بازدارنده، تأدیب یا عقوبتی است که از طرف حکومت() به منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین می گردد از قبیل حبس، جزای نقدی، تعطیل محل کسب، لغو پروانه و محرومیت از حقوق اجتماعی() و اقامت در نقطه یا نقاط معین و منع از اقامت در نقطه یا نقاط معین و مانند آن().

ماده ۱۸ - مدت کلیه حبسها از روزی شروع می شود که محکوم علیه به موجب حکم قطعی قابل اجراء، محبوس شده باشد.

تبصره - چنانچه محکوم علیه قبل از صدور حکم به علت اتهام یا اتهاماتی که در پرونده امر مطرح بوده بازداشت شده باشد دادگاه پس از تعیین تعزیر، () از مقدار تعزیر تعیین شده یا مجازات بازدارنده به میزان بازداشت قبلی و ی کسر می کند().

ماده ۱۹ - دادگاه می تواند کسی را که به علت ارتکاب جرم عمدی() به تعزیر یا مجازات بازدارنده محکوم کرده است به عنوان متمیم حکم تعزیری () یا بازدارنده مدتی از حقوق اجتماعی محروم() و نیز از اقامت در نقطه یا نقاط معین ممنوع یا به اقامت در محل معین مجبور نماید().

تبصره (اصلاحی ۱۳۷۸/۱۰/۲۷) - نقاط اقامت اجباری محکومین با توجه به نوع جرائم آنان توسط دادگاهها تعیین می شود().

آیین نامه اجرائی مربوط توسط وزارت دادگستری با هماهنگی و زارت کشور تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه می رسد().

ماده ۲۰ - محرومیت از بعضی یا همه حقوق اجتماعی و اقامت اجباری (در نقطه معین یا ممنوعیت از اقامت در محل معین باید متناسب با جرم و خصوصیات مجرم در مدت باشد). در صورتی که محکوم به تبعید (یا اقامت اجباری در نقطه ای یا ممنوعیت از اقامت در نقطه معین در اثنای اجرای حکم، محل را ترک کند و یا به نقطه ممنوعه بازگردد، دادگاه می تواند با پیشنهاد دادرسی مجری حکم، مجازات مذکور را تبدیل به جزای نقدی و یا زندان نماید).

ماده ۲۱ - ترتیب اجرای احکام جزائی و کیفیت زندانها به نحوی است که قانون آیین دادرسی کیفری (و سایر قوانین و مقررات تعیین می نماید).

فصل دوم - تخفیف مجازات (۱)

(ماده ۲۲ - دادگاه (۲) می تواند (۳) در صورت احراز جهات مخففه، مجازات تعزیری و یا بازدارنده را تخفیف دهد (۱) و یا تبدیل (۵) به مجازات از نوع دیگری نماید که مناسبتر به حال متهم باشد، جهات مخففه عبارتند از (۱):

۱ - گذشت شاکی یا مدعی خصوصی.

۲ - اظهارات و راهنماییهای متهم که در شناختن شرکاء و معاوان جرم و یا کشف اشیائی که از جرم تحصیل شده است مؤثر باشد.

۳ - اوضاع و احوال خاصی که متهم تحت تأثیر آنها مرتکب جرم شده است از قبیل، رفتار و گفتار تحریک آمیز مجنی علیه یا وجود انگیزه (شرافتمندانه در ارتکاب جرم).

۴ - اعلام متهم قبل از تعقیب و یا اقرار او در مرحله تحقیق که مؤثر در کشف جرم باشد.

۵ - وضع خاص متهم و یا سابقه او.

۶ - اقدام یا کوشش متهم به منظور تخفیف اثرات جرم و جبران زیان ناشی از آن (۱).

تبصره ۱ - دادگاه مکلف است جهات تخفیف مجازات را در حکم صریحاً قید کند.

تبصره ۲ - در مورد تعدد جرم نیز دادگاه می تواند جهات مخففه را رعایت کند.

تبصره ۳ - چنانچه نظیر جهات مخففه مذکور در این ماده در مواد خاصی پیش بینی شده باشد دادگاه نمی تواند به موجب همان جهات دو باره مجازات را تخفیف دهد.

ماده ۲۳ - در جرائمی که با گذشت متضرر از جرم تعقیب یا رسیدگی یا اجرای حکم موقوف می گردد گذشت باید منجز باشد و به گذشت مشروط (و معلق ترتیب اثر داده نخواهد شد همچنین عدول از گذشت مسموع نخواهد بود (هرگاه متضررین از جرم متعدد باشند تعقیب جزائی با شکایت هر یک از آنان شروع می شود و لی موقوفی تعقیب، رسیدگی و مجازات موکول به گذشت تمام کسانی که شکایت کرده اند است.

تبصره - حق گذشت به وراثت قانونی متضرر از جرم منتقل و در صورت گذشت همگی وراثت تعقیب، رسیدگی و اجرای مجازات موقوف می گردد (۱).

ماده ۲۴ - عفو یا تخفیف مجازات محکومان، در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه با مقام رهبری است (۱).

فصل سوم - تعلیق اجرای مجازات (۱)

(ماده ۲۵ - در کلیه محکومیتهای تعزیری و بازدارنده (۲) حاکم (۳) می تواند (۴) اجرای تمام یا قسمتی (۱) از مجازات را با رعایت شرایط زیر از دو تا پنج سال معلق (۲) نماید.

الف - محکوم علیه (سابقه محکومیت قطعی به مجازاتهای زیر نداشته باشد.

1 - محکومیت قطعی به حد.

2 - محکومیت قطعی به قطع یا نقص عضو.

3 - محکومیت قطعی به مجازات حبس به بیش از یک سال در جرائم عمدی.

4 - محکومیت قطعی به جزای نقدی به مبلغ بیش از دو میلیون ریال ().

5 - سابقه محکومیت قطعی دو بار یا بیشتر به علت جرم های عمدی با هر میزان مجازات ().

ب - دادگاه با ملاحظه و وضع اجتماعی و سوابق زندگی محکوم علیه و او ضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را مناسب نداند.

تبصره - در محکومیت های غیر تعزیری و بازدارنده تعلیق جائز نیست مگر در مواردی که شرعاً و قانوناً تعیین شده باشد.

ماده ۲۶ - در مواردی که جزای نقدی با دیگر تعزیرات همراه باشد جزای نقدی قابل تعلیق نیست ().

ماده ۲۷ - قرار تعلیق اجرای مجازات ضمن حکم محکومیت صادر خواهد شد (و مجرمی که اجرای حکم مجازات حبس او تماماً معلق شده اگر بازداشت باشد به دستور دادگاه فوراً آزاد می گردد.

ماده ۲۸ - دادگاه جهات و موجبات تعلیق و دستورهایی که باید محکوم علیه در مدت تعلیق از آن تبعیت نماید در حکم خود تصریح و مدت تعلیق را نیز بر حسب نوع جرم و حالات شخصی مجرم و با رعایت مدت مذکور در ماده ۲۵ تعیین می نماید.

ماده ۲۹ - دادگاه با توجه به او ضاع و احوال محکوم علیه و محتویات پرونده می تواند اجرای دستور یا دستورهای ذیل () را در مدت تعلیق از محکوم علیه بخواهد و محکوم علیه مکلف به اجرای دستور دادگاه می باشد.

1 - مراجعه به بیمارستان یا درمانگاه برای درمان بیماری یا اعتیاد (خود.

2 - خودداری از اشتغال به کار یا حرفه معین.

3 - اشتغال به تحصیل در یک مؤسسه فرهنگی.

4 - خودداری از تجاهر به ارتکاب محرمات و ترک و اجبات یا معاشرت با اشخاصی که دادگاه معاشرت با آنها را برای محکوم علیه مضر تشخیص می دهد.

5 - خودداری از رفت و آمد به محل های معین.

6 - معرفی خود در مدتهای معین به شخص یا مقامی که دادستان تعیین می کند.

تبصره - اگر مجرمی که مجازات او معلق شده است در مدت تعلیق بدون عذر موجه از دستور دادگاه موضوع این ماده تبعیت ننماید بر حسب درخواست دادستان پس از ثبوت مورد در دادگاه صادر کننده حکم تعلیق، برای بار اول به مدت تعلیق مجازات او یک سال تا دو سال افزوده می شود و برای بار دوم حکم تعلیق لغو و مجازات معلق به موقع اجرا گذاشته خواهد شد ().

ماده ۳۰ - اجرای احکام جزائی زیر قابل تعلیق نیست ().

1 - مجازات کسانی که به و ارد کردن و یا ساختن و یا فروش مواد مخدر اقدام و یا به نحوی از انحاء با مرتکبین اعمال مذکور معاونت می نمایند ().

2 - مجازات کسانی که به جرم اختلاس یا ارتشاء (یا کلاهبرداری یا جعل و یا استفاده از سند مجعول یا خیانت در امانت یا سرقتی که موجب حدّ نیست یا آدم ربایی محکوم می شوند.)

3 - مجازات کسانی که به نحوی از انحاء با انجام اعمال مُستوجب حد، معاونت می نمایند.

ماده ۳۱ - تعلیق اجرای مجازاتی که با حقوق الناس همراه است تا تیری در حقوق الناس نخواهد داشت و حکم مجازات در این موارد با پرداخت خسارت به مدعی خصوصی اجراء خواهد شد.)

ماده ۳۲ - هرگاه محکوم علیه از تاریخ صدور ر قرار تعلیق (اجرای مجازات در مدتی که از طرف دادگاه مقرر شده مرتکب جرائم مُستوجب محکومیت مذکور در ماده (۲۵) نشود محکومیت تعلیقی بی اثر محسوب و از سِجِل کیفری او محو می شود.)

برای کلیه محکومین به مجازاتهای مُعَلَّق باید بلافاصله پس از قطعیت حکم از طرف دادسرای (مربوط برگ سِجِل کیفری تنظیم و به مراجع صلاحیتدار ارسال شود و در هر مورد که در مدت تعلیق تغییری داده شود یا حکم تعلیق مجازات الغاء گردد باید مراتب فوراً برای ثبت در سِجِل کیفری محکوم علیه به مراجع صلاحیتدار مربوط اعلام شود.

تبصره - در مواردی که به موجب قوانین استخدامی، حکمی موجب انفصال (است شامل احکام تعلیقی نخواهد بود مگر آنکه در قوانین و یا حکم دادگاه قید شده باشد.

ماده ۳۳ - اگر کسی که اجرای حکم مجازات او مُعَلَّق شده در مدتی که از طرف دادگاه مقرر شده مرتکب جرم جدیدی (که مُستوجب محکومیت مذکور در ماده (۲۵) است بشود به محض قطعی شدن، دادگاهی که حکم تعلیق مجازات سابق را صادر کرده است یا دادگاه جانشین باید الغاء (آن را اعلام دارد تا حکم مُعَلَّق نیز درباره محکوم علیه اجراء گردد.)

ماده ۳۴ - هرگاه بعد از صدور قرار تعلیق معلوم شود که محکوم علیه دارای سابقه محکومیت به جرائم مُستوجب محکومیت مذکور در ماده (۲۵) بوده و دادگاه بدون توجه به آن اجرای مجازات را مُعَلَّق کرده است دادستان به استناد سابقه محکومیت از دادگاه تقاضای لغو تعلیق مجازات را خواهد نمود و دادگاه پس از احراز وجود سابقه قرار تعلیق را الغاء خواهد کرد.

ماده ۳۵ - دادگاه هنگام صدور قرار تعلیق آثار عدم تبعیت از دستورهای صادره را صریحاً قید و اعلام می کند که اگر در مدت تعلیق مرتکب یکی از جرائم مُستوجب محکومیت مذکور در ماده (۲۵) شود علاوه بر مجازات جرم اخیر مجازات مُعَلَّق نیز درباره او اجراء خواهد شد.

ماده ۳۶ - مقررات مربوط به تعلیق مجازات درباره کسانی که به جرائم عمدی متعدد (محکوم می شوند قابل اجراء نیست و همچنین اگر درباره یک نفر احکام قطعی متعددی در مورد جرائم عمدی صادر شده باشد که در بین آنها محکومیت مُعَلَّق نیز وجود داشته باشد دادستان مجری حکم موظف است فسخ قرار یا قرارهای تعلیق را از دادگاه صادرکننده بخواهد. دادگاه نسبت به فسخ قرار یا قرارهای مزبور اقدام خواهد نمود.)

ماده ۳۷ - هرگاه محکوم به حبس که در حال تحمل کیفر است قبل از اتمام مدت حبس مُبتلا به جنون شود با استعلام از پزشک قانونی در صورت تأیید جنون، محکوم علیه به بیمارستان روانی منتقل می شود و مدت اقامت او در بیمارستان جزء مدت محکومیت او محسوب خواهد شد. در صورت عدم دسترسی به بیمارستان روانی به تشخیص دادستان در محل مناسبی نگهداری می شود.)

فصل چهارم - آزادی مشروط زندانیان (۱)

(ماده ۳۸ (اصلاحی ۱۳۷۷/۲/۲۷) - هرکس برای بار اول (۲) به علت ارتکات جرمی به مجازات حبس (م) محکوم شده باشد و نصف مجازات (۲) را گذرانده باشد دادگاه صادرکننده دادنامه محکومیت قطعی (م) می تواند در صورت وجود شرایط (زیر حکم به آزادی مشروط صادر نماید):

۱ - هرگاه در مدت اجرای مجازات مستمراً حسن اخلاق نشان داده باشد.

۲ - هرگاه از او ضاع و احوال محکوم پیش بینی شود که پس از آزادی دیگر مرتکب جرمی نخواهد شد.

۳ - هرگاه تا آنجا که استطاعت دارد ضرر و زیانی (م) که مورد حکم دادگاه یا مورد موافقت مدعی خصوصی (م) واقع شده بپردازد (۳) یا قرار پرداخت آن را بدهد و در مجازات حبس توأم با جزای نقدی مبلغ مزبور را بپردازد یا با موافقت رئیس حوزه قضائی ترتیبی برای پرداخت داده شده باشد.

تبصره ۱ - مراتب مذکور در بندهای (۱) و (۲) باید مورد تأیید رئیس زندان محل گذران محکومیت و قاضی ناظر زندان یا رئیس حوزه قضائی محل قرار گیرد و مراتب مذکور در بند (۳) باید به تأیید قاضی مجری حکم برسد. (۴)

تبصره ۲ - در صورت انحلال دادگاه صادرکننده حکم، صدور حکم آزادی مشروط از اختیارات دادگاه جانشین است.

تبصره ۳ - دادگاه ترتیبات و شرایطی را که فرد محکوم باید در مدت آزادی مشروط رعایت کند از قبیل سکونت در محل معین یا خودداری از سکونت در محل معین یا خودداری از اشتغال به شغل خاص یا معرفی نوبه ای خود به مراکز تعیین شده و امثال آن در متن حکم قید می کند که در صورت تخلف و ی از شرایط مذکور یا ارتکاب جرم مجدد بقیه محکومیت و ی به حکم دادگاه صادرکننده حکم به مرحله اجراء درمی آید. (م) ماده ۳۹ - صدور حکم آزادی مشروط منوط به پیشنهاد سازمان زندانها (م) و تأیید دادستان یا دادیار ناظر خواهد بود. (م)

ماده ۴۰ - مدت آزادی مشروط بنا به تشخیص دادگاه کمتر از یک سال و زیادتر از پنج سال نخواهد بود. (م) باب سوم - جرائم

فصل اول - شروع به جرم (۳)

(ماده ۴۱ - هرکس قصد ارتکاب جرمی کند و شروع به اجرای آن نماید لکن جرم منظور واقع نشود چنانچه اقدامات انجام گرفته (م) جرم باشد محکوم به مجازات همان جرم می شود.

تبصره ۱ - مجرد قصد ارتکاب جرم و عملیات و اقداماتی که فقط مقدمه جرم بوده و ارتباط مستقیم با وقوع جرم نداشته باشد شروع به جرم نبوده و از این حیث قابل مجازات نیست.

تبصره ۲ - کسی که شروع به جرمی کرده است، به میل خود آن را ترک کند و اقدام انجام شده جرم باشد از موجبات تخفیف مجازات برخوردار خواهد شد. (م)

فصل دوم - شرکاء و معاونین جرم

ماده ۴۲ - هرکس عالماً و عامداً با شخص یا اشخاص دیگر در یکی از جرائم قابل تعزیر یا مجازاتهای بازدارنده مشارکت نماید و جرم مستند به عمل همه آنها باشد خواه عمل هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنها مساوی باشد خواه متفاوت، شریک در جرم (م) محسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم خواهد بود. (م) در مورد جرائم غیر عمدی (خطای) که ناشی از خطای دو نفر یا بیشتر باشد مجازات هر یک از آنان نیز مجازات فاعل مستقل خواهد بود. (م)

تبصره - اگر تأثیر مداخله و مباشرت شریکی در حصول جرم ضعیف باشد دادگاه مجازات او را به تناسب تأثیر عمل او تخفیف می دهد.)

ماده ۴۳ - اشخاص زیر معاون جرم محسوب و با توجه به شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و تأدیب از و عذ و تهدید و درجات تعزیر، تعزیر می شوند.)

1 - هرکس دیگری را تحریک یا ترغیب یا تهدید یا تطمیع به ارتکاب جرم نماید و یا به و سیله دسیسه و فریب و نیرنگ موجب وقوع جرم شود.

2 - هرکس با علم و عمد وسائل ارتکاب جرم را تهیه کند و یا طریق ارتکاب آن را با علم به قصد مرتکب ارائه دهد.

3 - هرکس عالماً، عامداً و وقوع جرم را تسهیل کند.

تبصره ۱ - برای تحقق معاونت در جرم و جود و حدت قصد و تقدم و یا اقتران زمانی بین عمل معاون و مباشر جرم شرط است.

تبصره ۲ - در صورتی که برای معاونت جرمی مجازات خاص در قانون یا شرع و جود داشته باشد همان مجازات اجراء خواهد شد.

ماده ۴۴ - در صورتی که فاعل جرم به جهتی از جهات قانونی قابل تعقیب و مجازات نباشد و یا تعقیب و یا اجرای حکم مجازات او به جهتی از جهات قانونی موقوف گردد، تأثیری در حق معاون جرم نخواهد داشت.)

ماده ۴۵ - سردستگی دو یا چند نفر در ارتکاب جرم اعم از اینکه عمل آنان شرکت در جرم یا معاونت در جرم باشد از علل مشدده مجازات است .

فصل سوم - تعدد جرم (۲)

(ماده ۴۶) - در جرائم قابل تعزیر هرگاه فعل و احد دارای عناوین متعدده جرم باشد مجازات جرمی داده می شود که مجازات آن اشد است.)

ماده ۴۷) - در مورد تعدد جرم هرگاه جرائم ارتكابی مختلف (۲) باشد باید برای هر یک از جرائم مجازات جداگانه تعیین شود) و اگر مختلف نباشد (۲) فقط یک مجازات تعیین می گردد (۱) و در این قسمت تعدد جرم می تواند از علل مشدده کیفر باشد و اگر مجموع جرائم ارتكابی در قانون عنوان جرم خاصی داشته باشد

مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم می گردد.)

تبصره - حکم تعدد جرم در حدود و قصاص و دیات همان است که در أبواب مربوطه ذکر شده است .

فصل چهارم - تکرار جرم)

ماده ۴۸ - هرکس به موجب حکم دادگاه (به مجازات تعزیری و یا بازدارنده محکوم شود، چنانچه بعد از اجرای حکم) مجدداً مرتکب جرم قابل تعزیر گردد دادگاه می تواند در صورت لزوم مجازات تعزیری یا بازدارنده را تشدید نماید.)

تبصره - هرگاه حین صدور حکم محکومیت‌های سابق مجرم معلوم نباشد) و بعداً معلوم شود دادستان مراتب را به دادگاه صادرکننده حکم اعلام می کند. در این صورت اگر دادگاه محکومیت های سابق را مُحَرَز دانست می تواند طبق مقررات این ماده اقدام نماید.

ماده ۴۸ مکرر (الحاقی ۱۳۸۷/۲/۱۷) - کسانی که به دلیل ارتکاب جرم عمدی حداقل دو بار سابقه محکومیت مؤثر داشته باشند در صورت ارتکاب جرم عمدی دیگر، دادگاه رسیدگی کننده ضمن صدور حکم می تواند به

تناسب سوابق و خصوصیات روحی و اخلاقی و شخصیت محکومان و علل و وقوع جرم، آنان را برای مدتی که از دو سال متجاوز نباشد به اجرای یک یا چند دستور از دستورات موضوع ماده (۲۹) این قانون ملزم نماید . تبصره ۱- دادگاه می تواند اجرای دستورات مورد حکم را حسب مورد به سازمان بهزیستی یا سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی و یا نیروی انتظامی محول نماید .

تبصره ۲- در صورتی که محکوم علیه بدون عذر موجه از اجرای دستور دادگاه تخلف نماید در نوبت اول تا شش ماه به مدت اجرای دستور افزوده خواهد شد و در صورت تکرار تخلف، باقیمانده مدت به حبس تبدیل می شود .

تبصره ۳- دستور دادگاه از حیث قابلیت اعتراض تابع حکم اصلی است (.)

باب چهارم - حدود مسؤو لیت جزائی(۳)

(ماده ۴۹ - اطفال در صورت ارتکاب جرم مبرری از مسؤو لیت کیفری هستند و تربیت آنان با نظر دادگاه به عهده سرپرست اطفال و عندالاقضاء کانون اصلاح و تربیت اطفال می باشد.)
تبصره ۱ - منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد.)
تبصره ۲ - هرگاه برای تربیت اطفال بزهکار تنبیه بدنی آنان ضرورت پیدا کند تنبیه بایستی به میزان مصلحت باشد.

ماده ۵۰ - چنانچه غیربالغ (مرتکب قتل و جرح و ضرب شود عاقله) ضامن است لکن در مورد اِتلاف مال اشخاص خود طفل ضامن است و اداء آن از مال طفل به عهده و لی طفل می باشد.

ماده ۵۱ - جنون در حال ارتکاب جرم به هر درجه که باشد رافع مسؤو لیت کیفری است.)

تبصره ۱ - در صورتی که تأدیب مرتکب مؤثر باشد به حکم دادگاه تأدیب می شود.)

تبصره ۲ - در جنون ادواری شرط رفع مسؤو لیت کیفری جنون در حین ارتکاب جرم است.

ماده ۵۲ - هرگاه مرتکب جرم در حین ارتکاب مجنون بوده و یا پس از حدوث جرم مُبتلا به جنون شود (چنانچه جنون و حالت خطرناک مجنون با جلب نظر متخصص ثابت باشد به دستور دادستان تا رفع حالت مذکور در محل مناسبی نگهداری خواهد شد و آزادی او به دستور دادستان امکان پذیر است. شخص نگهداری شده و یا کسانش می توانند به دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل جرم را دارد مراجعه و به این دستور اعتراض کنند. در این صورت دادگاه در جلسه اداری با حضور معترض و دادستان و یا نماینده او موضوع را با جلب نظر متخصص خارج از نوبت رسیدگی کرده و حکم مقتضی در مورد آزادی شخص نگهداری شده یا تأیید دستور دادستان صادر می کند. این رأی قطعی است و لی شخص نگهداری شده یا کسانش هرگاه علائم بهبودی را مشاهده کردند حق اعتراض به دستور دادستان را دارند.)

ماده ۵۳ - اگر کسی بر اثر شرب خمر، مسلوب الاراده شده لکن ثابت شود که شرب خمر به منظور ارتکاب جرم بوده است مجرم علاوه بر مجازات استعمال شرب خمر (به مجازات جرمی که مرتکب شده است نیز محکوم خواهد شد.

ماده ۵۴ - در جرائم موضوع مجازاتهای تعزیری یا بازدارنده هرگاه کسی بر اثر اجبار یا اکراه که عادتاً قابل تحمل نباشد مرتکب جرمی گردد مجازات نخواهد شد. در این مورد اجبار کننده به مجازات فاعل جرم با توجه به شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تأدیب از و عطف و توبیخ و تهدید و درجات تعزیر محکوم می گردد.

ماده ۵۵ - هرکس هنگام بروز خطر شدید از قبیل آتش سوزی، سیل و طوفان به منظور حفظ جان یا مال خود یا دیگری مرتکب جرمی شود مجازات نخواهد شد مشروط بر اینکه خطر را عمداً ایجاد نکرده و عمل ارتكابی نیز با خطر موجود متناسب بوده و برای رفع آن ضرورت داشته باشد.

تبصره - ديه و ضمان مالی از حکم این ماده مستثنی است.

ماده ۵۶ - اعمالی که برای آنها مجازات مقرر شده است در موارد زیر جرم محسوب نمی شود.

1 - در صورتی که ارتكاب عمل به امر آمر قانونی بوده و خلاف شرع هم نباشد.

2 - در صورتی که ارتكاب عمل برای اجرای قانون اهم لازم باشد.

ماده ۵۷ - هرگاه به امر غیر قانونی یکی از مقامات رسمی (جرمی واقع شود آمر و مأ مور به مجازات مقرر در قانون محکوم می شوند و لی مأ موری که امر آمر را به علت اشتباه قابل قبول و به تصور اینکه قانونی است اجراء کرده باشد، فقط به پرداخت ديه یا ضمان مالی محکوم خواهد شد.

ماده ۵۸ - هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در مورد ضرر مادی در صورت تقصیر مَقْصَر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به و سیله دولت (جبران می شود، و در موارد ضرر معنوی چنانچه تقصیر یا اشتباه قاضی موجب هتک حیثیت از کسی گردد باید نسبت به اعاده حیثیت (او اقدام شود).

ماده ۵۹ - اعمال زیر جرم محسوب نمی شود.

1 - اقدامات و الدین و او لیاء قانونی (و سرپرستان صِغار و محجورین که به منظور تأدیب یا حفاظت آنها انجام شود مشروط به اینکه اقدامات مذکور در حدّ متعارف، تأدیب و محافظت باشد).

2 - هر نوع عمل جراحی یا طبی مشروع که با رضایت شخص یا او لیاء یا سرپرستان یا نمایندگان قانونی (آنها و رعایت موازین فنی و علمی و نظامات دولتی انجام شود. در موارد فوری اخذ رضایت ضروری نخواهد بود).

3 - حوادث ناشی از عملیات و رزشی مشروط بر اینکه سبب آن حوادث نقض مقررات مربوط به آن و رزش نباشد و این مقررات هم با موازین شرعی مخالفت نداشته باشد.

ماده ۶۰ - چنانچه طبیب قبل از شروع درمان یا اعمال جراحی از مریض یا ولی او براءت حاصل نموده باشد ضامن خسارت جانی، یا مالی یا نقص عضو نیست و در موارد فوری که اجازه گرفتن ممکن نباشد طبیب ضامن نمی باشد.

ماده ۶۱ - هرکس در مقام دفاع از نفس یا عرض یا ناموس و یا مال خود یا دیگری و یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز فعلی و یا خطر قریب الوقوع عملی انجام دهد که جرم باشد در صورت اجتماع شرایط زیر قابل تعقیب و مجازات نخواهد بود).

1 - دفاع با تجاوز و خطر متناسب باشد.

2 - عمل ارتكابی بیش از حدّ لازم نباشد.

3 - توسل به قوای دولتی بدون فوت و قت عملاً ممکن نباشد و یا مداخله قوای مذکور در رفع تجاوز و خطر مؤثر واقع نشود.

تبصره - وقتی دفاع از نفس و یا ناموس و یا عرض و یا مال و یا آزادی تن دیگری جائز است که او ناتوان از دفاع بوده و نیاز به کمک داشته باشد.

ماده ۶۲ - مقاومت در برابر قوای تأمینی و انتظامی در مواقعی که مشغول انجام و وظیفه خود باشند، دفاع محسوب نمی شود و لی هرگاه قوای مزبور از حدود و وظیفه خود خارج شوند و حسب ادله و قرائن موجود خوف آن باشد که عملیات آنان موجب قتل یا جرح یا تعرض یا تعرض به عارض یا ناموس گردد، در این صورت دفاع جائز است. ماده ۶۲ مکرر (الحاقی ۱۳۷۷/۲/۲۷) - محکومیت قطعی کیفری در جرائم عمدی به شرح ذیل، محکوم علیه را از حقوق اجتماعی محروم می نماید و پس از انقضاء مدت تعیین شده و اجرای حکم رفع اثر می گردد():

1 - محکومان به قطع عضو در جرائم مشمول حد، پنج سال پس از اجرای حکم().

2 - محکومان به شلاق در جرائم مشمول حد، یک سال پس از اجرای حکم().

3 - محکومان به حبس تعزیری بیش از سه سال، دو سال پس از اجرای حکم().

تبصره ۱ - حقوق اجتماعی عبارتست از حقوقی که قانونگذار برای اتباع کشور جمهوری اسلامی ایران و سایر افراد مقیم در قلمرو حاکمیت آن منظور نموده و سلب آن به موجب قانون یا حکم دادگاه صالح می باشد از قبیل():

الف - حق انتخاب شدن در مجالس شورای اسلامی و خبرگان و عضویت در شورای نگهبان و انتخاب شدن به ریاست جمهوری.

ب - عضویت در کلیه انجمنها و شوراها و جمعیتهایی که اعضاء آن به موجب قانون انتخاب می شوند.

ج - عضویت در هیأت های منصفه و امناء.

د - اشتغال به مشاغل آموزشی و روزنامه نگاری.

ه - استخدام در وزارتخانه ها، سازمانهای دولتی، شرکتهای، مؤسسات و ابسته به دولت، شهرداریها، مؤسسات مأمور به خدمات عمومی، ادارات مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان و نهادهای انقلابی.

و - و کالت دادگستری و تصدی دفاتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفتریاری.

ز - انتخاب شدن به سمت داوری و کارشناسی در مراجع رسمی.

ح - استفاده از نشان و مدالهای دولتی و عناوین افتخاری.

تبصره ۲ - چنانچه اجرای مجازات اعدام به جهتی از جهات متوقف شود در این صورت آثار تبعی آن پس از انقضاء هفت سال از تاریخ توقف اجرای حکم رفع می شود.

تبصره ۳ - در مورد جرائم قابل گذشت در صورتی که پس از صدور حکم قطعی با گذشت شاکی یا مدعی خصوصی اجرای مجازات موقوف شود اثر محکومیت کیفری زائل می گردد.

تبصره ۴ - عفو مجرم موجب زوال آثار مجازات نمی شود مگر این که تصریح شده باشد.

تبصره ۵ - در مواردی که عفو مجازات آثار کیفری را نیز شامل می شود، همچنین در آزادی مشروط، آثار محکومیت پس از گذشت مدت مقرر از زمان آزادی محکوم علیه رفع می گردد.

کتاب دوم - حدود

باب اول - حدّ زنا

فصل اول - تعریف و موجبات حدّ زنا

ماده ۶۳ - زنا عبارت است از جماع مرد با زنی که بر او ذاتاً حرام است گرچه در ذبّر باشد، در غیر موارد و طی به شبهه.

ماده ۶۴ - زنا در صورتی موجب حدّ می شود که زانی یا زانیه بالغ و عاقل و مختار(بوده) و به حکم و موضوع آن نیز آگاه باشد().

ماده ۶۵ - هرگاه زن یا مردی حرام بودن جماع با دیگری را بداند و طرف مقابل از این امر آگاه نباشد و گمان کند ارتکاب این عمل برای او جائز است فقط طرفی که آگاه بوده است محکوم به زنا می شود.

ماده ۶۶ - هرگاه مرد یا زنی که با هم جماع نموده اند ادعای اشتباه و ناآگاهی کند در صورتی که احتمال صدق مدعی داده شود، ادعای مذکور بدون شاهد و سوگند پذیرفته می شود و حدّ ساقط می گردد.

ماده ۶۷ - هرگاه زانی یا زانیه ادعا کند که به زنا اِکراه شده است، ادعای او در صورتی که یقین بر خلاف آن نباشد قبول می شود.

فصل دوم - راههای ثبوت زنا در دادگاه(۱)

(ماده ۶۸ - هرگاه مرد یا زنی در چهار بار نزد حاکم(۲) اقرار به زنا کند محکوم به حدّ زنا خواهد شد و اگر کمتر از چهاربار اقرار نماید تعزیر می شود.(۳))

ماده ۶۹ - اقرار در صورتی نافذ است که اقرارکننده دارای او صاف بلوغ عقل اختیار - قصد باشد.

ماده ۷۰ - اقرار باید صریح یا به طوری ظاهر باشد که احتمال عقلایی خلاف در آن داده نشود.

ماده ۷۱ - هرگاه کسی اقرار به زنا کند و بعد انکار نماید در صورتی که اقرار به زنایی باشد که موجب قتل یا رجم است با انکار بعدی حدّ رجم و قتل ساقط می شود، در غیر این صورت با انکار بعد از اقرار حدّ ساقط نمی شود().

ماده ۷۲ - هرگاه کسی به زنایی که موجب حدّ است اقرار کند و بعد توبه نماید، قاضی می تواند تقاضای عفو او را از ولیّ امر(بنماید و یا حدّ را بر او جاری نماید.(۳))

ماده ۷۳ - زنی که همسر ندارد به صرف باردار شدن مورد حدّ قرار نمی گیرد، مگر آنکه زنا یا یکی از راههای مذکور در این قانون ثابت شود.

ماده ۷۴ - زنا چه موجب حدّ جلد باشد و چه موجب حدّ رجم، با شهادت چهار مرد عادل یا سه مرد عادل و دو زن عادل ثابت می شود.

ماده ۷۵ - در صورتی که زنا فقط موجب حدّ جلد باشد به شهادت دو مرد عادل همراه با چهار زن عادل نیز ثابت می شود.

ماده ۷۶ - شهادت زنان به تنهایی یا به انضمام شهادت یک مرد عادل زنا را ثابت نمی کند بلکه در مورد شهود مذکور حدّ قذف طبق احکام قذف جاری می شود.

ماده ۷۷ - شهادت شهود باید روشن و بدون ابهام و مستند به مشاهده باشد و شهادت حدسی معتبر نیست.

ماده ۷۸ - هرگاه شهود خصوصیات مورد شهادت را بیان کنند این خصوصیات باید از لحاظ زمان و مکان و مانند آنها اختلاف نداشته باشند. در صورت اختلاف بین شهود علاوه بر اینکه زنا ثابت نمی شود شهود نیز به حدّ قذف محکوم می گردند.

ماده ۷۹ - شهود باید بدون فاصله زمانی یکی پس از دیگری شهادت دهند، اگر بعضی از شهود شهادت بدهند و بعضی دیگر بلافاصله برای ادای شهادت حضور پیدا نکنند، یا شهادت ندهند زنا ثابت نمی شود در این صورت شهادت دهنده مورد حدّ قذف قرار می گیرد.

ماده ۸۰ - حدّ زنا جز در موارد مذکور در مواد آتی باید فوراً جاری گردد.

ماده ۸۱ - هرگاه زن یا مرد زانی قبل از اقامه شهادت توبه نماید، حدّ از او ساقط می شود و اگر بعد از اقامه شهادت توبه کند حدّ ساقط نمی شود .

فصل سوم - اقسام حدّ زنا

ماده ۸۲ - حدّ زنا در موارد زیر قتل است و فرقی بین جوان و غیرجوان و محصن و غیرمحصن نیست.
الف - زنا با محارم نسبی().

ب - زنا با زن پدر که موجب قتل زانی است.

ج - زنا با غیرمسلمان با زن مسلمان که موجب قتل زانی است.

د - زنا با عُنْف و اِکراه که موجب قتل زانی اِکراه کننده است.

ماده ۸۳ - حدّ زنا در موارد زیر رَجْم است.

الف - زنا با مرد محصن، یعنی مردی که دارای همسر دائمی است و با او درحالی که عاقل بوده جماع کرده و هر وقت نیز بخواهد می تواند با او جماع کند.

ب - زنا با زن محصنه با مرد بالغ، زن محصنه زنی است که دارای شوهر دائمی است و شوهر درحالی که زن عاقل بوده با او جماع کرده است و امکان جماع با شوهر را نیز داشته باشد.

تبصره - زنا با زن محصنه با نابالغ موجب حدّ تازیانه است.

ماده ۸۴ - بر پیرمرد یا پیرزن زانی که دارای شرایط اِحسان باشند، قبل از رجم، حدّ جلد جاری می شود().

ماده ۸۵ - طلاق رجعی قبل از سپری شدن ایّام عدّه، مرد یا زن را از اِحسان خارج نمی کند و لی طلاق بائن آنها را از اِحسان خارج می نماید.

ماده ۸۶ - زنا با مرد یا زنی که هر یک همسر دائمی دارد و لی به واسطه مسافرت یا حبس و مانند آنها از عذرهای موجه به همسر خود دسترسی ندارد، موجب رجم نیست().

ماده ۸۷ - مرد متأهلی که قبل از دُخول مرتکب زنا شود به حدّ جلد و تراشیدن سر و تبعید() به مدت یک سال محکوم خواهد شد.

ماده ۸۸ - حدّ زنا با زن یا مردی که واجد شرایط اِحسان() نباشند صد تازیانه است.

ماده ۸۹ - تکرار زنا قبل از اجرای حدّ در صورتی که مجازاتها از یک نوع باشد موجب تکرار حد نمی شود و لی اگر مجازاتها از یک نوع نباشد مانند آنکه بعضی از آنها موجب جلد بوده و بعضی دیگر موجب رجم باشد، قبل از رجم زانی حدّ جلد بر او جاری می شود.

ماده ۹۰ - هرگاه زن یا مردی چند بار زنا کند و بعد از هر بار حدّ بر او جاری شود در مرتبه چهارم کشته می شود.

ماده ۹۱ - در ایّام بارداری و نفاس زن حدّ قتل یا رجم بر او جاری نمی شود، همچنین بعد از وضع حمل در صورتی که نوزاد کفیل نداشته باشد و بیم تلف شدن نوزاد برود حدّ جاری نمی شود، و لی اگر برای نوزاد کفیل پیدا شود حدّ جاری می گردد().

ماده ۹۲ - هرگاه در اجرای حدّ جلد بر زن باردار یا شیرده احتمال بیم ضرر برای حمل یا نوزاد شیرخوار باشد اجرای حدّ تا رفع بیم ضرر به تأخیر می افتد.

ماده ۹۳ - هرگاه مریض یا زن مُستحاضه محکوم به قتل یا رجم شده باشند حدّ بر آنها جاری می شود و لی اگر محکوم به جلد باشند اجرای حدّ تا رفع بیماری و استحاضه به تأخیر می افتد().

تبصره - حیض مانع اجرای حدّ نیست.

ماده ۹۴ - هرگاه امید به بهبودی مریض نباشد یا حاکم شرع مصلحت بداند که در حال مرض حدّ جاری شود یک دسته تازیانه یا تَرکه که مشتمل بر صد و احد باشد، فقط یک بار به او زده می شود هر چند همه آنها به بدن محکوم نرسند.

ماده ۹۵ - هرگاه محکوم به حدّ دیوانه یا مُرْتَد شود حدّ از او ساقط نمی شود(۱).

ماده ۹۶ - حدّ جلد را نباید در هوای بسیار سرد یا بسیار گرم جاری نمود.

ماده ۹۷ - حدّ را نمی شود در سرزمین دشمنان اسلام جاری کرد .

فصل چهارم - کیفیت اجرای حدّ

ماده ۹۸ - هرگاه شخصی محکوم به چند حدّ شود اجرای آنها باید به ترتیبی باشد که هیچکدام از آنها زمینه دیگری را از بین نبرد، بنابر این اگر کسی به جلد و رجم محکوم شود او ل باید حدّ جلد و بعد حدّ رجم را جاری ساخت.

ماده ۹۹ - هرگاه زنای شخصی که دارای شرایط احسان است با اقرار او ثابت شده باشد هنگام رجم، او ل حاکم شرع سنگ می زند بعداً دیگران، و اگر زنای او به شهادت شهود ثابت شده باشد او ل شهود سنگ می زنند بعداً حاکم و سپس دیگران(۲).

تبصره - عدم حضور یا اقدام حاکم و شهود برای زدن او لین سنگ مانع اجرای حدّ نیست و در هر صورت حدّ باید اجراء شود.

ماده ۱۰۰ - حدّ جلد مرد زانی باید ایستاده و در حالی اجراء گردد که پوشاکی جز سائِرِ عورت نداشته باشد. تازیانه به شدت به تمام بدن و ی غیر از سر و صورت و عورت زده می شود. تازیانه را به زن زانی(۳) در حالی می زنند که زن نشسته و لباسهای او به بدنش بسته باشد.

ماده ۱۰۱ - مناسب است که حاکم شرع مردم را از زمان اجرای حدّ آگاه سازد و لازم است عده ای از مؤمنین که از سه نفر کمتر نباشند در حال اجرای حدّ حضور یابند(۴).

ماده ۱۰۲ - مرد را هنگام رجم تا نزدیکی کمر و زن را تا نزدیکی سینه در گودال دفن می کنند آنگاه رجم می نمایند.

ماده ۱۰۳ - هرگاه کسی که محکوم به رجم است از گودالی که در آن قرار گرفته فرار کند در صورتی که زنای او به شهادت ثابت شده باشد برای اجرای حدّ برگردانده می شود اما اگر به خود او ثابت شده باشد برگردانده نمی شود(۵).

تبصره - اگر کسی که محکوم به جلد باشد فرار کند در هر حال برای اجرای حدّ جلد برگردانده می شود.

ماده ۱۰۴ - بزرگی سنگ در رجم نباید به حدی باشد که با اصابت یک یا دو عدد شخص کشته شود. همچنین کوچکی آن نباید به اندازه ای باشد که نام سنگ بر آن صدق نکند.

ماده ۱۰۵ - حاکم شرع می تواند در حق الله(۶) و حق الناس(۷) به علم خود(۸)(۹) عمل کند و حدّ الهی را جاری نماید و لازم است مستند علم را ذکر کند، اجرای حدّ در حق الله متوقف به درخواست کسی نیست و لی در حق الناس اجرای حدّ موقوف به درخواست صاحب حقّ می باشد.

ماده ۱۰۶ - زنا در زمانهای متبرکه چون اعیاد مذهبی و رمضان و جمعه و مکانهای شریف چون مساجد علاوه بر حدّ موجب تعزیر(۱۰)(۱۱) است.

ماده ۱۰۷ - حضور شهود هنگام اجرای حدّ رجم لازم است و لی با غیبت آنان حدّ ساقط نمی شود اما با فرار آنها حدّ ساقط می شود .

باب دو م - حدّ لواط

فصل اول - تعریف و موجبات حدّ لواط

ماده ۱۰۸ - لواط، و طی انسان مذکر است چه به صورت دُخول باشد یا تَفخیزد. (۱)

ماده ۱۰۹ - فاعل و مفعول لواط هر دو محکوم به حدّ خواهند شد.

ماده ۱۱۰ - حدّ لواط در صورت دُخول قتل است و کیفیت نوع آن در اختیار حاکم شرع است.

ماده ۱۱۱ - لواط در صورتی موجب قتل می شود که فاعل و مفعول بالغ و عاقل و مختار باشند. (۱)

ماده ۱۱۲ - هرگاه مرد بالغ و عاقل با نابالغی لواط کند فاعل کشته می شود و مفعول اگر مُکره نباشد تا (۷۴) ضربه شلاق تعزیر می شود. (۱)

ماده ۱۱۳ - هرگاه نابالغی نابالغ دیگر را و طی کند تا (۷۴) ضربه شلاق تعزیر می شوند مگر آنکه یکی از آنها اِکراه شده باشد. (۱)

فصل دو م - راههای ثبوت لواط در دادگاه (۱)

ماده ۱۱۴ - حدّ لواط با چهار بار اقرار نزد حاکم شرع نسبت به اقرار کننده ثابت می شود. (۱)

ماده ۱۱۵ - اقرار کمتر از چهار بار موجب حدّ نیست و اقرار کننده تعزیر می شود.

ماده ۱۱۶ - اقرار در صورتی نافذ است که اقرار کننده بالغ، عاقل، مختار و دارای قصد باشد.

ماده ۱۱۷ - حدّ لواط با شهادت چهار مرد عادل که آن را مشاهده کرده باشند ثابت می شود.

ماده ۱۱۸ - با شهادت کمتر از چهار مرد عادل لواط ثابت نمی شود و شهود به حدّ قذف محکوم می شوند.

ماده ۱۱۹ - شهادت زنان به تنهایی یا به ضمیمه مرد، لواط را ثابت نمی کند.

ماده ۱۲۰ - حاکم شرع می تواند طبق علم خود که از طرق متعارف حاصل شود، حکم کند.

ماده ۱۲۱ - حدّ تَفخیز و نظائر آن بین دو مرد بدو ن دُخول برای هر یک صد تازیانه است.

تبصره - در صورتی که فاعل غیر مسلمان و مفعول مسلمان باشد حدّ فاعل قتل است.

ماده ۱۲۲ - اگر تَفخیز و نظائر آن سه بار تکرار و بعد از هر بار حدّ جاری شود در مرتبه چهارم حدّ آن قتل است.

ماده ۱۲۳ - هرگاه دو مرد که با هم خویشاوندی نسبی نداشته باشند بدو ن ضرورت در زیر یک پوشش به طور برهنه قرار گیرند هر دو تا ۹۹ ضربه شلاق تعزیر می شوند.

ماده ۱۲۴ - هرگاه کسی دیگری را از روی شهوت ببوسد تا ۶۰ ضربه شلاق تعزیر می شود. (۱)

ماده ۱۲۵ - کسی که مرتکب لواط یا تَفخیز و نظائر آن شده باشد اگر قبل از شهادت شهود توبه کند حدّ از او ساقط می شود و اگر بعد از شهادت توبه نماید حدّ از او ساقط نمی شود.

ماده ۱۲۶ - اگر لواط و تَفخیز و نظائر آن با اقرار شخص ثابت شده باشد و پس از اقرار توبه کند قاضی می تواند از و لی امر تقاضای عفو نماید .

باب سوم - مساحقه

ماده ۱۲۷ - مساحقه، همجنس بازی زنان است با اندام تناسلی.

ماده ۱۲۸ - راههای ثبوت مساحقه در دادگاه همان راههای ثبوت لواط است.

ماده ۱۲۹ - حدّ مُساحقه برای هر یک از طرفین صد تازیانه است.()

ماده ۱۳۰ - حدّ مُساحقه درباره کسی ثابت می شود که بالغ، عاقل، مختار و دارای قصد باشد.

تبصره - در حدّ مُساحقه فرقی بین فاعل و مفعول و همچنین فرقی بین مسلمان و غیر مسلمان نیست.

ماده ۱۳۱ - هرگاه مُساحقه سه بار تکرار شود و بعد از هر بار حدّ جاری گردد در مرتبه چهارم حد آن قتل است.

ماده ۱۳۲ - اگر مُساحقه کننده قبل از شهادت شهود توبه کند حدّ ساقط می شود اما توبه بعد از شهادت موجب سقوط حدّ نیست.

ماده ۱۳۳ - اگر مُساحقه با اقرار شخص ثابت شود و وی پس از اقرار توبه کند قاضی می تواند از وی امر تقاضای عفو نماید.

ماده ۱۳۴ - هرگاه دو زن که با هم خویشاوندی نسبی نداشته باشند بدون ضرورت برهنه زیر یک پوشش قرار گیرند به کمترین صد تازیانه تعزیر می شوند. در صورت تکرار این عمل و تکرار تعزیر در مرتبه سوم به هر یک صد تازیانه زده می شود.

باب چهارم - قوادی

ماده ۱۳۵ - قوادی عبارت است از جمع و مرتبط کردن دو نفر یا بیشتر برای زنا یا لواط.()

ماده ۱۳۶ - قوادی با دو بار اقرار ثابت می شود به شرط آنکه اقرار کننده بالغ و عاقل و مختار و دارای قصد باشد.

ماده ۱۳۷ - قوادی با شهادت دو مرد عادل ثابت می شود.

ماده ۱۳۸ - حدّ قوادی برای مرد هفتاد و پنج تازیانه و تبعید از محل به مدت ۳ ماه تا یک سال است و برای زن فقط هفتاد و پنج تازیانه است.

باب پنجم - قذف

ماده ۱۳۹ - قذف نسبت دادن زنا یا لواط است به شخص دیگری.()

ماده ۱۴۰ - حدّ قذف برای قذف کننده مرد یا زن هشتاد تازیانه است.

تبصره ۱ - اجرای حدّ قذف منوط به مطالبه مقذوف است.()

تبصره ۲ - هرگاه کسی امری غیر از زنا یا لواط، مانند مُساحقه و سایر کارهای حرام را به شخصی نسبت دهد به شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم خواهد شد.()

ماده ۱۴۱ - قذف باید روشن و بدون ابهام بوده و نسبت دهنده به معنای لفظ آگاه باشد، گرچه شنونده معنای آن را نداند.

ماده ۱۴۲ - هرگاه کسی به فرزند مشروع خود بگوید تو فرزند من نیستی محکوم به حدّ قذف می شود همچنین اگر کسی به فرزند مشروع دیگری بگوید تو فرزند او نیستی محکوم به حدّ قذف خواهد شد.

تبصره - در موارد ماده فوق هرگاه قرینه ای در بین باشد که منظور قذف نیست حدّ ثابت نمی شود.

ماده ۱۴۳ - هرگاه کسی به شخصی بگوید که تو با فلان زن زنا کرده ای یا با فلان مرد لواط نموده ای نسبت به مخاطب قذف خواهد بود و گوینده محکوم به حدّ قذف می شود.

ماده ۱۴۴ - هرگاه کسی به قصد نسبت دادن زنا به شخصی مثلاً چنین گوید (زن قحبه) یا خواهر قحبه یا مادر قحبه نسبت به کسی که زنا را به او نسبت داده است محکوم به حدّ قذف می شود و نسبت به مخاطب که به و اسطه این دشنام اذیت شده است تا (۷۴) ضربه شلاق تعزیر می شود.

ماده ۱۴۵ - هر دشنامی که باعث اذیت شنونده شود و دلالت بر قذف نکند مانند اینکه کسی به زنش بگوید تو باکره نبودی موجب محکومیت گوینده به شلاق تا (۷۴) ضربه می شود.

ماده ۱۴۶ - قذف در مواردی موجب حدّ می شود که قذف کننده بالغ و عاقل و مختار و دارای قصد باشد و قذف شونده نیز بالغ و عاقل و مسلمان و عقیف باشد، در صورتی که قذف کننده و یا قذف شونده فاقد یکی از او صاف فوق باشند حدّ ثابت نمی شود.

ماده ۱۴۷ - هرگاه نابالغ ممیز کسی را قذف کند به نظر حاکم تأدیب می شود و هرگاه یک فرد بالغ و عاقل شخص نابالغ یا غیرمسلمان را قذف کند تا (۷۴) ضربه شلاق تعزیر می شود.

ماده ۱۴۸ - اگر قذف شونده به آنچه به او نسبت داده شده است تظاهر نماید قذف کننده حدّ و تعزیر ندارد.

ماده ۱۴۹ - هرگاه خویشاوندان یکدیگر را قذف کنند محکوم به حدّ می شوند.

تبصره - اگر پدر یا جدّ پدری فرزندش را قذف کند تعزیر می شود.

ماده ۱۵۰ - هرگاه مردی همسر متوفی خود را قذف کند و آن زن جز فرزند همان مرد و ارثی نداشته باشد حدّ ثابت نمی شود. اما اگر آن زن و ارثی غیر از فرزند همان مرد داشته باشد، حدّ ثابت می شود.

ماده ۱۵۱ - هرگاه شخصی چند نفر را به طور جداگانه قذف کند در برابر قذف هر یک جداگانه حدّ برای او جاری می شود خواه همگی با هم مطالبه حدّ کنند، خواه به طور جداگانه.

ماده ۱۵۲ - هرگاه شخصی چند نفر را به یک لفظ قذف نماید اگر هر کدام از آنها جداگانه خواهان حدّ شوند برای قذف هر یک از آنها حدّ جداگانه ای جاری می گردد و لی اگر با هم خواهان حدّ شوند فقط یک حدّ ثابت می شود.

ماده ۱۵۳ - قذف با دو بار اقرار یا با شهادت دو مرد عادل اثبات می شود.

ماده ۱۵۴ - اقرار در صورتی نافذ است که اقرار کننده بالغ و عاقل و مختار و دارای قصد باشد.

ماده ۱۵۵ - تازیانه بر روی لباس متعارف و به طور متوسط زده می شود.

ماده ۱۵۶ - تازیانه را نباید به سر و صورت و عورت قذف کننده زد.

ماده ۱۵۷ - هرگاه کسی چندبار اشخاص را قذف کند و بعد از هر بار حدّ بر او جاری شود در مرتبه چهارم کشته می شود.

ماده ۱۵۸ - هرگاه قذف کننده بعد از اجرای حدّ بگوید آنچه گفتم حقّ بود تا (۷۴) شلاق تعزیر می شود.

ماده ۱۵۹ - هرگاه یک نفر را چند بار به یک سبب مانند زنا قذف کند فقط یک حدّ ثابت می شود.

ماده ۱۶۰ - هرگاه یک نفر را به چند سبب مانند زنا و لواط قذف کند چند حدّ ثابت می شود.

ماده ۱۶۱ - حدّ قذف در موارد زیر ساقط می شود:

- 1 - هرگاه قذف شونده، قذف کننده را تصدیق نماید.
- 2 - هرگاه شهود با نصاب معتبر آن به چیزی که مورد قذف است شهادت دهند.
- 3 - هرگاه قذف شونده یا همه و رثه او قذف کننده را عفو() نمایند.
- 4 - هرگاه مردی زنش را پس از قذف لعان() کند.

ماده ۱۶۲ - هرگاه دو نفر یکدیگر را قذف کنند خواه قذف آنها همانند و خواه مختلف باشد حد ساقط و هر یک تا (۷۴) ضربه شلاق تعزیر می شوند.

ماده ۱۶۳ - حد قذف اگر اجراء یا عفو نشود به وراثت منتقل می گردد.

ماده ۱۶۴ - حق مطالبه حد قذف به همه و ارثان به جز زن و شوهر منتقل می شود و هر یک از ورثه می توانند آن را مطالبه کنند هر چند دیگران عفو کرده باشند .

باب ششم - حد مسکر

فصل اول - موجبات حد مسکر

ماده ۱۶۵ - خوردن مسکر موجب حد است. اعم از اینکه کم باشد یا زیاد، مست کند یا نکند، خالص یا مخلوط باشد به حدی که آن را از مسکر بودن خارج نکند().

تبصره ۱- آب جو در حکم شراب است، گرچه مست کننده نباشد و خوردن آن موجب حد است().

تبصره ۲ - خوردن آب انگوری که خود به جوش آمده یا به و سیله آتش یا آفتاب و مانند آن جوشانیده شده است حرام است اما موجب حد نمی باشد .

فصل دوم - شرایط حد مسکر

ماده ۱۶۶ - حد مسکر بر کسی ثابت می شود که بالغ و عاقل و مختار و آگاه به مسکر بودن و حرام بودن آن باشد.

تبصره ۱ - در صورتی که شراب خورده مدعی جهل به حکم یا موضوع باشد و صحت دعوی و ی محتمل باشد محکوم به حد نخواهد شد.

تبصره ۲ - هرگاه کسی بداند که خوردن شراب حرام است و آن را بخورد محکوم به حد خواهد شد گرچه نداند خوردن آن موجب حد می شود.

ماده ۱۶۷ - هرگاه کسی مضطر شود که برای نجات از مرگ یا جهت درمان بیماری سخت به مقدار ضرورت شراب بخورد محکوم به حد نخواهد شد.

ماده ۱۶۸ - هرگاه کسی دو بار اقرار کند که شراب خورده است محکوم به حد می شود.

ماده ۱۶۹ - اقرار در صورتی نافذ است که اقرار کننده بالغ - عاقل، مختار و دارای قصد باشد.

ماده ۱۷۰ - در صورتی که طریق اثبات شرب خمر شهادت باشد، فقط با شهادت دو مرد عادل ثابت می شود.

ماده ۱۷۱ - هرگاه یکی از دو مرد عادل شهادت دهد که شخصی شراب خورده و دیگری شهادت دهد که او شراب قی کرده است حد ثابت می شود.

ماده ۱۷۲ - در شهادت به شرب مسکر لازم است از لحاظ زمان یا مکان و مانند آن اختلافی نباشد و لی در صورتی که یکی به شرب اصل مسکر و دیگری به شرب نوعی خاص از آن شهادت دهد حد ثابت می شود.

ماده ۱۷۳ - اقرار یا شهادت در صورتی موجب حد می شود که احتمال عقلایی بر معذور بودن خورنده مسکر در بین نباشد.

ماده ۱۷۴ - حد شرب مسکر برای مرد و یا زن، هشتاد تازیانه است().

تبصره - غیر مسلمان فقط در صورت تظاهر به شرب مسکر به هشتاد تازیانه محکوم می شود.

ماده ۱۷۵ - هرکس به ساختن، تهیه، خرید، فروش، حمل و عرضه مشروبات الکلی مبادرت کند به ۶ ماه تا ۲ سال حبس محکوم می شود و یا در اثر ترغیب یا تطمیع و نیرنگ، وسائل استفاده از آن را فراهم نماید در حکم معاون در شرب مُسکِرَات محسوب می گردد و به تازیانه تا (۷۴) ضربه محکوم می شود().

فصل سوم - کیفیت اجرای حدّ

ماده ۱۷۶ - مرد را در حالی که ایستاده باشد و پوشاکی غیر از سائِر عورت نداشته باشد و زن را در حالی که نشسته و لباسهایش به بدن او بسته باشد تازیانه می زنند.

تبصره - تازیانه را نباید به سر و صورت و عورت محکوم زد.

ماده ۱۷۷ - حدّ و قتی جاری می شود که محکوم از حالت مستی بیرون آمده باشد.

ماده ۱۷۸ - هرگاه کسی چند بار مُسکِر بخورد و حدّ بر او جاری نشود برای همه آنها یک حدّ کافی است.

ماده ۱۷۹ - هرگاه کسی چند بار شرب مُسکِر بنماید و بعد از هر بار حدّ بر او جاری شود در مرتبه سوم کشته می شود.

ماده ۱۸۰ - هرگاه محکوم به حدّ دیوانه یا مُرتد شود حدّ از او ساقط نمی شود().

فصل چهارم - شرایط سقوط حدّ مُسکِر یا عفو از آن

ماده ۱۸۱ - هرگاه کسی که شراب خورده قبل از اقامه شهادت توبه نماید حدّ از او ساقط می شود و لی توبه بعد از اقامه شهادت موجب سقوط حدّ نیست.

ماده ۱۸۲ - هرگاه کسی بعد از اقرار به خوردن مُسکِر توبه کند قاضی می تواند از وی امر(تقاضای عفو نماید یا حدّ را بر او جاری کند .

باب هفتم - مُحاربه و اِفساد فی الارض()

فصل اول - تعاریف

ماده ۱۸۳ - هرکس که برای ایجاد رُعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه(ببرد مُحارِب و مُفسِد فی الارض می باشد().

تبصره ۱ - کسی که به روی مردم سلاح بکشد و لی در اثر ناتوانی موجب هراس هیچ فردی نشود مُحارِب نیست.

تبصره ۲ - اگر کسی سلاح خود را با انگیزه عداوت شخصی به سوی یک یا چند نفر مخصوص بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد مُحارِب محسوب نمی شود.

تبصره ۳ - میان سلاح سرد و سلاح گرم فرقی نیست.

ماده ۱۸۴ - هر فرد یا گروهی که برای مبارزه با محاربان و از بین بردن فساد در زمین دست به اسلحه برند مُحارِب نیستند.

ماده ۱۸۵ - سارق مُسلّح و قُطاع الطریق هرگاه با اسلحه(امنیت مردم یا جاده را بر هم بزند و رُعب و وحشت ایجاد کند مُحارِب است().

ماده ۱۸۶ - هر گروه یا جمعیت متشکل که در برابر حکومت اسلامی قیام مُسلّحانه کند مادام که مرکزیت آن باقی است تمام اعضاء و هواداران آن، که موضع آن گروه یا جمعیت یا سازمان را می دانند و به نحوی در پیشبرد اهداف آن فعالیت و تلاش مؤثر دارند محارِبند اگر چه در شاخه نظامی شرکت نداشته باشند.

تبصره - جبهه متحدی که از گروهها و اشخاص مختلف تشکیل شود، در حکم یک واحد است.

ماده ۱۸۷ - هر فرد یا گروه که طرح براندازی حکومت اسلامی را بریزد و برای این منظور اسلحه و مواد منفجره تهیه کند و نیز کسانی که با آگاهی و اختیار امکانات مالی مؤثر و یا وسائل و اسباب کار و سلاح در اختیار آنها بگذارند مُحارب و مُفسد فی الارض می باشند.

ماده ۱۸۸ - هرکس در طرح براندازی حکومت اسلامی خود را نامزد یکی از پستهای حساس حکومت کودتا نماید و نامزدی او در تحقق کودتا به نحوی مؤثر باشد، «محارب» و «مُفسد فی الارض» است.

فصل دو م - راههای ثبوت مُحاربه و افساد فی الارض ()

ماده ۱۸۹ - مُحاربه و افساد فی الارض از راههای زیر ثابت می شود:

الف - با یک بار اقرار به شرط آنکه اقرار کننده بالغ و عاقل و اقرار او با قصد و اختیار باشد.

ب - با شهادت فقط دو مرد عادل.

تبصره ۱ - شهادت مردمی که مورد تهاجم محاربان قرار گرفته اند به نفع همدیگر پذیرفته نیست.

تبصره ۲ - هرگاه عده ای مورد تهاجم محاربان قرار گرفته باشند شهادت اشخاصی که بگویند به ما آسیبی نرسیده نسبت به دیگران پذیرفته است.

تبصره ۳ - شهادت اشخاصی که مورد تهاجم قرار گرفته اند اگر به منظور اثبات مُحارب بودن مهاجمین باشد و شکایت شخصی نباشد، پذیرفته است .

فصل سوم - حدّ مُحاربه و افساد فی الارض

ماده ۱۹۰ - حدّ مُحاربه و افساد فی الارض یکی از چهار چیز است.

۱ - قتل ۲- آو یختن به دار ۳- او ل قطع دست راست و سپس پای چپ ۴- نفی بَلَد ().

ماده ۱۹۱ - انتخاب هر یک از این امور چهار گانه به اختیار قاضی است خواه مُحارب کسی را کشته و مجروح کرده یا مال او را گرفته باشد و خواه هیچیک از این کارها را انجام نداده باشد.

ماده ۱۹۲ - حدّ مُحاربه و افساد فی الارض با عفو صاحب حق ساقط نمی شود.

ماده ۱۹۳ - مُحاربی که تبعید می شود باید تحت مراقبت قرار گیرد و با دیگران معاشرت و مراوده نداشته باشد ().

ماده ۱۹۴ - مدت تبعید در هر حال کمتر از یک سال نیست اگر چه بعد از دستگیری توبه نماید و در صورتی که توبه ننماید همچنان در تبعید باقی خواهد ماند ().

ماده ۱۹۵ - مصلوب کردن مُفسد و مُحارب به صورت زیر انجام می گردد:

الف - نحوه بستن موجب مرگ او نگردد.

ب - بیش از سه روز بر صلیب نماند و لی اگر در اثناء سه روز بمیرد می توان او را پایین آورد.

ج - اگر بعد از سه روز زنده بماند نباید او را کشت.

ماده ۱۹۶ - بریدن دست راست و پای چپ مُفسد و مُحارب به همان گونه ای است که در «حدّ سرقت» عمل می شود.

باب هشتم - حدّ سرقت

فصل اول - تعریف و شرایط

ماده ۱۹۷ - سرقت عبارت است از ربودن مال () دیگری () به طور پنهانی () () () ()

ماده ۱۹۸ - سرقت در صورتی موجب حدّ می شود که دارای کلیه شرایط و خصوصیات زیر باشد:

- 1 - سارق به حد بلوغ شرعی رسیده باشد.
 - 2 - سارق در حال سرقت عاقل باشد.
 - 3 - سارق با تهدید و اجبار و ادار به سرقت نشده باشد.
 - 4 - سارق قاصد باشد.
 - 5 - سارق بداند و ملتفت باشد که مال غیر است.
 - 6 - سارق بداند و ملتفت باشد که ربودن آن حرام است.
 - 7 - صاحب مال، مال را در حِرز قرار داده باشد.
 - 8 - سارق به تنهایی یا با کمک دیگری هتک حِرز کرده باشد.
 - 9 - به اندازه نصاب یعنی ۴/۵ نخود طلای مسکوک که به صورت پول معامله می شود یا ارزش آن به آن مقدار باشد در هر بار سرقت شود.
 - 10 - سارق مُضطر نباشد.
 - 11 - سارق پدر صاحب مال نباشد.
 - 12 - سرقت در سال قحطی صورت نگرفته باشد.
 - 13 - حِرز و محل نگهداری مال، از سارق غصب نشده باشد.
 - 14 - سارق مال را به عنوان دزدی برداشته باشد.
 - 15 - مال مسروق در حِرز متناسب نگهداری شده باشد.
 - 16 - مال مسروق از اموال دو لتی و وقف و مانند آن که مالک شخصی ندارد نباشد.
- تبصره ۱ - حِرز عبارت است از محل نگهداری مال به منظور حفظ از دستبرد().
- تبصره ۲ - بیرون آوردن مال از حِرز توسط دیوانه یا طفل غیر ممیز و حیوانات و امثال آن در حکم مباشرت است.
- تبصره ۳ - هرگاه سارق قبل از بیرون آوردن مال از حِرز دستگیر شود حد بر او جاری نمی شود.
- تبصره ۴ - هرگاه سارق پس از سرقت، مال را تحت ید مالک قرار داده باشد موجب نمی شود().
- فصل دوم - راههای ثبوت سرقت
- ماده ۱۹۹ - سرقتی که موجب حد است با یکی از راههای زیر ثابت می شود:
- 1 - شهادت دو مرد عادل().
 - 2 - دو مرتبه اقرار سارق نزد قاضی، به شرط آنکه اقرار کننده بالغ و عاقل و قاصد و مختار باشد.
 - 3 - علم قاضی.
- تبصره - اگر سارق یک مرتبه نزد قاضی اقرار به سرقت کند، باید مال را به صاحبش بدهد اما حد بر او جاری نمی شود.
- فصل سوم - شرایط اجرای حد
- ماده ۲۰۰ - در صورتی حد سرقت جاری می شود که شرایط زیر موجود باشد:
- 1 - صاحب مال از سارق نزد قاضی شکایت کند().
 - 2 - صاحب مال پیش از شکایت سارق را نبخشیده باشد.
 - 3 - صاحب مال پیش از شکایت مال را به سارق نبخشیده باشد.

4 - مال مسروق قبل از ثبوت جرم نزد قاضی، از راه خرید و مانند آن به ملک سارق در نیاید.

5 - سارق قبل از ثبوت جرم از این گناه توبه نکرده باشد.

تبصره - حدّ سرقت بعد از ثبوت جرم با توبه ساقط نمی شود و عفو سارق جایز نیست().

فصل چهارم - حدّ سرقت

ماده ۲۰۱ - حدّ سرقت به شرح زیر است:

الف - در مرتبه اول، قطع چهار انگشت دست راست سارق از انتهای آن به طوری که انگشت شست و کف دست او باقی بماند().

ب - در مرتبه دوم، قطع پای چپ سارق از پایین برآمدگی به نحوی که نصف قدم و مقداری از محل مسح او باقی بماند.

ج - در مرتبه سوم، حبس ابد.

د - در مرتبه چهارم، اعدام، و لو سرقت در زندان باشد.

تبصره ۱ - سرقتهای متعدّد تا هنگامی که حدّ جاری نشده حکم یک بار سرقت را دارد.

تبصره ۲ - معاون در سرقت موضوع ماده (۱۹۸) این قانون به یک سال تا سه سال حبس محکوم می شود.

ماده ۲۰۲ - هرگاه انگشتان دست سارق بریده شود و پس از اجرای این حدّ، سرقت دیگری از او ثابت گردد که سارق قبل از اجرای حدّ مرتکب شده است پای چپ او بریده می شود.

ماده ۲۰۳ - سرقتی که فاقد شرایط اجرای حدّ باشد و موجب إخلال در نظم یا خوف شده یا بیم تجرّی مرتکب یا دیگران باشد اگر چه شاکی نداشته یا گذشت نموده باشد موجب حبس تعزیری از یک تا پنج سال خواهد بود().

تبصره - معاونت در سرقت موجب حبس از شش ماه تا سه سال می باشد().

کتاب سوم قصاص()

باب اول - قصاص نفس

فصل اول - قتل عمد(۲)

(ماده ۲۰۴ - قتل نفس بر سه نوع است، عمد، شبه عمد،(۳) خطا(۴)).

ماده ۲۰۵ - قتل عمد برابر مواد این فصل موجب قصاص() است و اولیاء دم() می توانند با اذن و لیّ آمر قاتل را با رعایت شرایط مذکور در فصول آتیه قصاص نمایند و و لیّ امر می تواند این امر را به رئیس قوه قضائیه یا دیگری تفویض نماید.

ماده ۲۰۶ - قتل در موارد زیر قتل عمدی است():

الف - مواردی که قاتل با انجام کاری قصد کشتن شخص معین یا فرد یا افرادی غیرمعین از یک جمع را دارد خواه آن کار نوعاً کشنده باشد خواه نباشد و لیّ در عمل سبب قتل شود.

ب - مواردی که قاتل عمداً کاری را انجام دهد که نوعاً کشنده باشد هر چند قصد کشتن شخص را نداشته باشد.

ج - مواردی که قاتل قصد کشتن را ندارد و کاری را که انجام می دهد نوعاً کشنده نیست و لیّ نسبت به طرف بر اثر بیماری و یا پیری یا ناتوانی یا کودکی و امثال آنها نوعاً کشنده باشد و قاتل نیز به آن آگاه باشد().

ماده ۲۰۷ - هرگاه مسلمانی کشته () شود قاتل قصاص می شود و معاو ن در قتل عمد به سه سال تا ۱۵ سال حبس محکوم می شود.

ماده ۲۰۸ - هرکس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته یا شاکی داشته و لی از قصاص گذشت کرده باشد () و اقدام و ی موجب اخلال در نظم جامعه یا خوف شده و یا بیم تجری () مرتکب یا دیگران گردد موجب حبس تعزیری از ۳ تا ۱۰ سال خواهد بود. () (۲)

تبصره - در این مورد معاو ن ت در قتل عمد موجب حبس از یک تا پنج سال می باشد.

ماده ۲۰۹ - هرگاه مرد مسلمانی عمداً زن مسلمانی را بکشد محکوم به قصاص است لیکن باید و لی زن قبل از قصاص قاتل نصف دیه مرد را به او بپردازد. () (۳)

ماده ۲۱۰ - هرگاه کافر ذمی عمداً کافر ذمی دیگر را بکشد قصاص می شود اگر چه پیرو دو دین مختلف باشند و اگر مقتول زن ذمی باشد باید و لی او قبل از قصاص نصف دیه مرد ذمی را به قاتل بپردازد.

فصل دو م - اِکراه در قتل

ماده ۲۱۱ - اِکراه در قتل و یا دستور به قتل دیگری مجوز قتل نیست، بنابر این اگر کسی را و ادار به قتل دیگری کنند یا دستور به قتل رساندن دیگری را بدهند مرتکب، قصاص می شود و اِکراه کننده و آمر ()، به حبس ابد () محکوم می گردند.

تبصره ۱ - اگر اِکراه شونده طفل غیر ممیز یا مجنون باشد فقط اِکراه کننده محکوم به قصاص است.

تبصره ۲ - اگر اِکراه شونده طفل ممیز باشد نباید قصاص شود بلکه باید عاقله او دیه را بپردازد و اِکراه کننده نیز به حبس ابد محکوم است .

فصل سوم - شرکت در قتل

ماده ۲۱۲ - هرگاه دو یا چند مرد مسلمان مشترکاً مرد مسلمانی را بکشند و لی دم می تواند با اذن و لی امر همه آنها را قصاص کند و در صورتی که قاتل دو نفر باشند باید به هر کدام از آنها نصف دیه و اگر سه نفر باشند باید به هر کدام از آنها دو ثلث دیه و اگر چهار نفر باشند باید به هر کدام از آنها سه ربع دیه را بپردازد و به همین نسبت در افراد بیشتر.

تبصره ۱- و لی دم می تواند برخی از شرکای در قتل را با پرداخت دیه مذکور در این ماده قصاص نماید و از بقیه شرکا نسبت به سهم، دیه اخذ نماید.

تبصره ۲ - در صورتی که قاتلان و مقتول همگی از کفار ذمی باشند همین حکم جاری است.

ماده ۲۱۳ - در هر مورد که باید مقداری از دیه را به قاتل بدهند و قصاص کنند باید پرداخت دیه قبل از قصاص باشد.

ماده ۲۱۴ - هرگاه دو یا چند نفر جراحی بر کسی و ارد سازند که موجب قتل او شود چه در یک زمان و چه در زمانهای متفاوت چنانچه قتل مستند به جنایت همگی باشد همه آنها قاتل محسوب می شوند و کیفر آنان باید طبق مواد دیگر این قانون با رعایت شرایط تعیین شود.

ماده ۲۱۵ - شرکت در قتل، زمانی تحقق پیدا می کند که کسی در اثر ضرب و جرح عده ای () کشته شود و مرگ او مستند به عمل همه آنها باشد خواه عمل هر یک به تنهایی برای قتل کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنها مساوی باشد خواه متفاوت.

ماده ۲۱۶ - هرگاه کسی جراحی به شخصی و ارد کند و بعد از آن دیگری او را به قتل برساند قاتل همان دو می است اگر چه جراحی سابق به تنهایی موجب مرگ می گردید و او لی فقط محکوم به قصاص طرف یا دیه جراحی است که و ارد کرده مگر مواردی که در قصاص جراحی خطر مرگ باشد که در این صورت فقط محکوم به دیه می باشد.

ماده ۲۱۷ - هرگاه جراحی که نفر اول و ارد کرده مجروح را در حکم مُرده قرار داده و تنها آخرین رَمَق حیات در او باقی بماند و در این حال دیگری کاری را انجام دهد که به حیات او پایان بخشد او لی قصاص می شود و دو می تنها دیه جنایت بر مُرده را می پردازد.

ماده ۲۱۸ - هرگاه ایراد جرح هم موجب نقص عضو شود و هم موجب قتل چنانچه با یک ضربت باشد قصاص قتل کافی است و نسبت به نقص عضو قصاص یا دیه نیست .

فصل چهارم - شرایط قصاص

ماده ۲۱۹ - کسی که محکوم به قصاص است باید با اذن و لی دم او را کشت . پس اگر کسی بدون اذن و لی دم او را بکشد مرتکب قتلی شده که موجب قصاص است.

ماده ۲۲۰ - پدر یا جد پدری که فرزند خود را بکشد قصاص نمی شود و به پرداخت دیه قتل به و رثه مقتول و تعزیر محکوم خواهد شد.

ماده ۲۲۱ - هرگاه دیوانه یا نابالغی عمداً کسی را بکشد خطا محسوب و قصاص نمی شود بلکه باید عاقله آنها دیه قتل خطا را به و رثه مقتول بدهند.

تبصره - در جرائم قتل نفس یا نقص عضو اگر جرم ارتكابی عمدی باشد و مرتکب صغیر یا مجنون باشد و پس از بلوغ یا افاقه مرتکب، مجنی علیه در اثر سرایت فوت شود مُستوجب قصاص نمی باشد.

ماده ۲۲۲ - هرگاه عاقل دیوانه ای را بکشد قصاص نمی شود بلکه باید دیه قتل را به و رثه مقتول بدهد و در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم جامعه یا خوف شده و یا بیم تجری مرتکب و یا دیگران گردد موجب حبس تعزیری از ۳ تا ۱۰ سال خواهد بود.

ماده ۲۲۳ - هرگاه بالغ، نابالغی را بکشد قصاص می شود.

ماده ۲۲۴ - قتل در حال مستی موجب قصاص است مگر اینکه ثابت شود که در اثر مستی به کلی مسلوب الاختیار بوده و قصد از او سلب شده است و قبلاً برای چنین عملی خود را مست نکرده باشد و در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم جامعه و یا خوف شده و یا بیم تجری مرتکب و یا دیگران گردد موجب حبس تعزیری از ۳ تا ۱۰ سال خواهد بود.

ماده ۲۲۵ - هرگاه کسی در حال خواب یا بیهوشی شخصی را بکشد قصاص نمی شود فقط به دیه قتل به و رثه مقتول محکوم خواهد شد.

ماده ۲۲۶ - قتل نفس در صورتی موجب قصاص است که مقتول شرعاً مستحق کشتن نباشد و اگر مستحق قتل باشد قاتل باید استحقاق قتل او را طبق موازین در دادگاه اثبات کند .

فصل پنجم - شرایط دعوی قتل

ماده ۲۲۷ - مدعی باید حین اقامه دعوی عاقل و بالغ باشد و چنانچه دعوی مستلزم امر مالی گردد رشد نیز شرط است اما نسبت به مدعی علیه هیچ یک از موارد مذکور شرط نمی باشد.

ماده ۲۲۸ - مدعی باید نسبت به مورد دعوی جازم باشد و با احتمال و ظنّ نمی توان علیه کسی اقامه دعوی کرد لکن با وجود اماره و آثار جرم دعوی بدون جزم نیز مسموع است.

ماده ۲۲۹ - مدعی علیه باید معلوم و مشخص یا محصور در میان عده ای معین باشد.

ماده ۲۳۰ - مورد دعوی باید معلوم باشد و مدعی قتل باید نوع آن را از لحاظ عمد یا غیر عمد بیان کند و اگر اصل قتل ثابت شود و نوع آن اثبات نشود باید با صلح میان قاتل و او لیاء مقتول و عاقله، دعوی را خاتمه داد.

فصل ششم - راههای ثبوت قتل

ماده ۲۳۱ - راههای ثبوت قتل در دادگاه عبارتند از :

۱ - اقرار ۲ - شهادت ۳ - قسامه ۴ - علم قاضی.

مبحث اول - اقرار

ماده ۲۳۲ - با اقرار به قتل عمد گرچه یک مرتبه هم باشد قتل عمد ثابت می شود.

ماده ۲۳۳ - اقرار در صورتی نافذ است که اقرار کننده دارای او صاف زیر باشد.

۱ - عقل ۲ - بلوغ ۳ - اختیار ۴ - قصد.

بنابر این اقرار دیوانه و مست و کودک و مجبور و اشخاصی که قصد ندارند مانند ساهی و هازل و نائم و بیهوش نافذ نیست.

ماده ۲۳۴ - اقرار به قتل عمد از کسی که به سبب سفاقت یا افلاس محجور باشد نافذ و موجب قصاص است.

ماده ۲۳۵ - اگر کسی به قتل عمدی شخصی اقرار نماید و دیگری به قتل عمدی یا خطایی همان مقتول اقرار کند، و لیّ دم در مراجعه به هر یک از این دو نفر مخیر است که برابر اقرارش عمل نماید و نمی تواند مجازات هر دو را مطالبه کند.

ماده ۲۳۶ - اگر کسی به قتل عمدی شخصی اقرار کند و پس از آن دیگری به قتل عمدی همان مقتول اقرار نماید در صورتی که او لیّ از اقرارش برگردد قصاص یا دیه از هر دو ساقط است و دیه از بیت المال پرداخت می شود و این درحالی است که قاضی احتمال عقلایی ندهد که قضیه توطئه آمیز است.

تبصره - در صورتی که قتل عمدی بر حسب شهادت شهود یا قسامه یا علم قاضی قابل اثبات باشد قاتل به تقاضای و لیّ دم قصاص می شود.

مبحث دو م - شهادت

ماده ۲۳۷ - الف - قتل عمد با شهادت دو مرد عادل ثابت می شود.

ب - قتل شبه عمد یا خطا با شهادت دو مرد عادل یا یک مرد عادل و دو زن عادل یا یک مرد عادل و قسام مدعی ثابت می شود.

ماده ۲۳۸ - هرگاه یکی از دو شاهد عادل گواهی دهد که متهم اقرار به قتل عمدی نمود و دیگری گواهی دهد که متهم اقرار به قتل کرد و به قید عمد گواهی ندهد اصل قتل ثابت می شود و متهم مکلف است نوع قتل را بیان کند اگر اقرار به عمد نمود قصاص می شود و چنانچه منکر قتل عمد باشد و قسام یاد کند قصاص از او ساقط است.

مبحث سوم - قسامه (۱)

(ماده ۲۳۹ - هرگاه بر اثر قرائن و اماراتی، و یا از هر طریق دیگری از قبیل شهادت یک شاهد یا حضور شخصی همراه با آثار جرم در محل قتل یا وجود مقتول در محل تردد یا اقامت اشخاص معین و یا شهادت طفل ممیز

مورد اعتماد و یا امثال آن حاکم به ارتکاب قتل از جانب متهم ظنّ پیدا کند مورد از موارد لوث محسوب می شود.)

(الحاقی ۱۳۸۰/۱۰/۲۳) - و در صورت نبودن بینه از برای مدعی، قتل یا جرح یا نوع آنها به و سیله قسامه و به نحو مذکور در مواد بعدی ثابت می شود.

ماده ۲۴۰ - هرگاه و لیّ دمّ، مدعی قتل عمد شود و یکی از دو شاهد عادل به قتل عمد و دیگری به اصل قتل شهادت دهد و متهم قتل عمد را انکار کند در صورتی که موجب ظنّ برای قاضی باشد این قتل از باب لوث محسوب می شود و مدعی باید قتل عمد را با اقامه قسامه ثابت کند.

ماده ۲۴۱ - هرگاه یکی از دو مرد عادل شهادت به قتل به و سیله متهم دهد و دیگری به اقرار متهم به قتل شهادت دهد قتل ثابت نمی شود و چنانچه موجب ظنّ برای قاضی باشد، مورد از موارد لوث خواهد بود.

ماده ۲۴۲ - در صورتی که قراین و نشانه های ظنّی معارض یکدیگر باشند مورد از موارد لوث محسوب نمی گردد.

ماده ۲۴۳ - مدعی ممکن است مرد یا زن باشد، و در هر حال باید از وراثت فعلی مقتول محسوب شود.

ماده ۲۴۴ (اصلاحی ۱۳۸۰/۱۰/۲۳) - اگر مدعی علیه حضور خود را هنگام قتل در محل و اقعه منکر باشد و قرائنی که موجب ظنّ به و قوع قتل توسط وی گردد و وجود نداشته باشد لوث محسوب نمی شود. مگر اینکه مدعی بینه ای برحضور او هنگام قتل در محل و اقعه اقامه کند و موجب ظنّ به و قوع قتل توسط او گردد در این صورت لوث ثابت می شود و مدعی باید اقامه قسامه کند و در صورت امتناع از اقامه قسامه می تواند از مدعی علیه مطالبه قسامه کند در این صورت مدعی علیه باید به منظور برائت خود به ترتیب مذکور در ماده (۲۴۷) عمل نماید. در این حالت اگر مدعی علیه از اقامه قسامه ابا نماید محکوم به پرداخت دیه می شود.)

تبصره (الحاقی ۱۳۸۰/۱۰/۲۳) - در موارد قسامه، چنانچه برائت مدعی علیه ثابت شود و قاتل مشخص نباشد، دیه مقتول از بیت المال (پرداخت می شود).

ماده ۲۴۵ (اصلاحی ۱۳۸۰/۱۰/۲۳) - در صورت نبودن قرائن موجب ظنّ به انتساب قتل، صرف حضور مدعی علیه هنگام قتل در محل و اقعه از مصادیق لوث محسوب نمی شود و مدعی علیه با ادای یک سوگند تبرئه می گردد.

ماده ۲۴۶ (اصلاحی ۱۳۸۰/۱۰/۲۳) - هرگاه مدعی علیه برای تبرئه خود بینه اقامه کند لوث محقق نمی شود و تبرئه می گردد.

ماده ۲۴۷ - هرگاه مدعی اقامه قسامه نکند می تواند از مدعی علیه مطالبه قسامه نماید در این صورت مدعی علیه باید برای برائت خود به ترتیب مذکور در ماده ۲۴۸ به قسامه عمل نماید و چنانچه ابا کند محکوم به پرداخت دیه می شود.

ماده ۲۴۸ (اصلاحی ۱۳۸۰/۱۰/۲۳) - در موارد لوث، قتل عمد با قسّم پنجاه نفر مرد ثابت می شود و قسّم خورندگان باید از خویشان و بستگان نسبی مدعی باشند.)

تبصره ۱ - مدعی و مدعی علیه می توانند حسب مورد یکی از قسّم خورندگان باشند.

تبصره ۲ (اصلاحی ۱۳۸۰/۱۰/۲۳) - چنانچه تعداد قسّم خورندگان مدعی علیه کمتر از پنجاه نفر باشد، هر یک از قسّم خورندگان مرد می توانند بیش از یک قسّم بخورند به نحوی که پنجاه قسّم کامل شود.)

تبصره ۳ (اصلاحی ۱۳۸۰/۱۰/۲۳) - چنانچه مدعی علیه نتواند کسی از خویشان و بستگان نسبی خود را برای ادای قَسَم حاضر کند، می تواند خودش پنجاه قَسَم بخورد و تبرئه شود.

ماده ۲۴۹ (اصلاحی ۱۳۸۰/۱۰/۲۳) - قاضی باید برای قبول تکرار قَسَم مطمئن شود که مدعی علیه پنجاه نفر خویشان و بستگان نسبی ندارد و یا خویشان و بستگان نسبی او پنجاه نفر یا بیشتر هستند و لی حاضر به قَسَم خوردن نمی باشند همچنین قاضی باید خویشاوندی نسبی قَسَم خوردگان را با مدعی علیه احراز نماید.

ماده ۲۵۰ - هر یک از قَسَم خوردندگان باید قاتل و مقتول را بدون ابهام معین و انفرادی یا اشتراکی و یا معاونت قاتل یا قاتلان را صریحاً ذکر و نوع قتل را بیان کنند.

تبصره - در صورتی که قاضی احتمال بدهد که قَسَم خورنده یا قَسَم خوردگان در تشخیص نوع قتل که عمد یا شبه عمد یا خطا است دچار اشتباه می باشند باید در مورد نوع قتل از آنها تحقیق نماید.

ماده ۲۵۱ - قَسَم خوردندگان باید علم به ارتکاب قتل داشته باشند و از روی جرم قَسَم بخورند و قَسَم از روی ظن کفایت نمی کند.

تبصره - در صورتی که قاضی احراز نماید که تمام یا بعضی از قَسَم خوردگان از روی ظن قَسَم می خورند قسمهای مذکور اعتبار ندارد.

ماده ۲۵۲ (اصلاحی ۱۳۸۰/۱۰/۲۳) - در موارد لوث، چنانچه مدعی متعدّد باشد، قَسَم پنجاه نفر کفایت می کند و لی در صورت تعدّد مدعی علیه، هر یک از آنان می بایست برای برائت خود اجرای قسامه کند و با نداشتن عدد قسامه طبق تبصره (۳) ماده (۲۴۸) هر یک از مدعی علیه پنجاه قَسَم خورده و تبرئه می شوند.

ماده ۲۵۳ (اصلاحی ۱۳۸۰/۱۰/۲۳) - نصاب قسامه در قتل شبه عمد و خطای محض بیست و پنج نفر می باشد و نحوه انجام آن مطابق ماده (۲۴۸) و تبصره های آن است.

ماده ۲۵۴ (اصلاحی ۱۳۸۰/۱۰/۲۳) - در جراحات، قِصاص با قسامه ثابت نمی شود و فقط موجب پرداخت دیه می گردد و نصاب قسامه در جراحات به شرح زیر است:

الف - در جراحاتی که موجب دیه کامل است، مجروح با پنج نفر دیگر قَسَم می خورند.

ب - در جراحاتی که موجب سه چهارم دیه کامل است، مجروح با چهار نفر دیگر قَسَم می خورند.

ج - در جراحاتی که موجب دو سوم دیه کامل است، مجروح با سه نفر دیگر قَسَم می خورند.

د - در جراحاتی که موجب یک دوم دیه کامل است، مجروح با دو نفر دیگر قَسَم می خورند.

ه - در جراحاتی که موجب یک سوم دیه کامل است، مجروح با یک نفر دیگر قَسَم می خورند.

و - در جراحاتی که موجب یک ششم دیه کامل است، مجروح به تنهایی قَسَم می خورد.

تبصره ۱ (الحاقی ۱۳۸۰/۱۰/۲۳) - در مورد هر یک از بندهای فوق الذکر در صورت نبودن نفرات لازم مجنی علیه می تواند به همان عدد قَسَم را تکرار کند.

تبصره ۲ (الحاقی ۱۳۸۰/۱۰/۲۳) - در مورد هر یک از بندهای یاد شده در فوق، چنانچه مقدار دیه بیش از کسر مقرر در آن بند و کمتر از کسر مقرر در بند قبلی بوده باشد، در مقدار قَسَم، نصاب بیشتر لازم است. مثلاً اگر دیه جراحت به مقدار یک چهارم و یا یک پنجم دیه کامل باشد، برای اثبات آن، نصاب یک سوم یعنی دو قَسَم لازم است.

ماده ۲۵۵ - هرگاه شخصی در اثر ازدحام (۱) کشته شود و یا جسد مقتولی در شارع عام پیدا شود و قرائن ظنی برای قاضی بر نسبت قتل او به شخص یا جماعتی نباشد حاکم شرع باید دیه او را از بیت المال

بدهد(۲) و اگر شواهد ظنی نزد حاکم اقامه شود که آن قتل به شخص یا اشخاص منسوب است مورد از موارد لوث خواهد بود.

ماده ۲۵۶ - هرگاه کسی را در محلی کشته بیابند و و لیّ مقتول مدعی شود که شخص معینی از ساکنان آن محل و ی را به قتل رسانده است مورد از موارد لوث می باشد. در این صورت چنانچه حضور مدعی علیه هنگام قتل در محل و اقعۀ ثابت شود دعوای و لیّ با قسامه پذیرفته می شود.
تبصره - چنانچه مدعی علیه حضور خود را هنگام قتل در محل و اقعۀ انکار نماید ادعای او با سوگند پذیرفته می شود.

فصل هفتم - کیفیت استیفاء قصاص ()

ماده ۲۵۷ - قتل عمد موجب قصاص است لکن با رضایت و لیّ دم و قاتل () به مقدار دیه کامله یا به کمتر یا زیادتر از آن تبدیل می شود.

ماده ۲۵۸ - هرگاه مردی زنی را به قتل رساند و لیّ دم حق قصاص قاتل را با پرداخت نصف دیه دارد و در صورت رضایت قاتل می تواند به مقدار دیه یا کمتر یا بیشتر از آن مصالحه نماید.

ماده ۲۵۹ - هرگاه کسی که مرتکب قتل موجب قصاص شده است بمیرد قصاص و دیه ساقط می شود().

ماده ۲۶۰ - هرگاه کسی که مرتکب قتل عمد شده است فرار () کند و تا هنگام مردن به او دسترسی نباشد پس از مرگ قصاص تبدیل به دیه می شود که باید از مال قاتل پرداخت گردد و چنانچه مالی نداشته باشد از اموال نزدیکترین خویشان او به نحو «أَلَقْرَبُ فَالْأَقْرَبُ» پرداخت می شود و چنانچه نزدیکانی نداشته باشد یا آنها تمکن نداشته باشند دیه از بیت المال پرداخت می گردد.

ماده ۲۶۱ - او لیاء دم که قصاص و عفو در اختیار آنهاست همان ورثه () مقتولند، () مگر شوهر یا زن که در قصاص و عفو و اجراء اختیاری ندارند().

ماده ۲۶۲ - زن حامله () که محکوم به قصاص است نباید قبل از وضع حمل قصاص شود و پس از وضع حمل چنانچه قصاص موجب هلاکت طفل باشد باید به تأخیر افتد تا خطر مرگ از طفل برطرف گردد.

ماده ۲۶۳ - قصاص با آلت کند و غیربرترنده که موجب آزار مجرم باشد ممنوع است و مثله او نیز جرم است.

ماده ۲۶۴ - در صورتی که و لیّ دم متعدّد باشد موافقت همه آنها در قصاص لازم است چنانچه همگی خواهان قصاص قاتل باشند قاتل قصاص می شود و اگر بعضی از آنها خواهان قصاص و دیگران خواهان دیه، خواهان قصاص می توانند قاتل را قصاص کنند لکن باید سهم دیه سایر او لیاء دم را که خواهان دیه هستند بپردازند و اگر بعضی از او لیاء دم به طور رایگان عفو کنند دیگران می توانند بعد از پرداخت سهم عفوکنندگان به قاتل، او را قصاص نمایند().

ماده ۲۶۵ - و لیّ دم بعد از ثبوت قصاص با اذن و لیّ امر می تواند شخصاً قاتل را قصاص کند() و یا و کیل بگیرد().

ماده ۲۶۶ - اگر مجنی علیه و لیّ نداشته باشد و یا شناخته نشود و یا به او دسترسی نباشد و لیّ دم او و لیّ امر مسلمین است و رئیس قوه قضائیه با استیذان از و لیّ امر و تفویض اختیار به دادستانهای مربوطه نسبت به تعقیب مجرم و تقاضای قصاص یا دیه حسب مورد اقدام می نماید().

ماده ۲۶۷ - هرگاه شخص یا اشخاصی محکوم به قصاص را رهایی دهند موظف به تحویل دادن و ی می باشند و هرگاه به تشخیص قاضی رسیدگی کننده در انجام و وظیفه کوتاهی نماید و حبس و ی مؤثر در الزام یا احضار باشد تا زمان معرفی محکوم به حبس می گردد.

تبصره - چنانچه قاتل قبل از تحویل بمیرد یا به نحو دیگری تحویل و ی مُتَعَدَّر شود فرد فراری دهنده ضامن دیه مقتول است.

ماده ۲۶۸ - چنانچه مجنی علیه قبل از مرگ، جانی را از قصاص نفس عفو نماید حق قصاص ساقط می شود و او لیاء دم نمی توانند پس از مرگ او مطالبه قصاص نمایند().

باب دوم - قصاص عضو()

فصل اول - تعاریف و موجبات قصاص عضو

ماده ۲۶۹ - قطع عضو و یا جرح آن اگر عمدی باشد موجب قصاص است و حسب مورد مجنی علیه می تواند با اذن و لی امر جانی را با شرایطی که ذکر خواهد شد قصاص نماید().

تبصره ۱ - مجازات معاون جرم موضوع این ماده سه ماه حبس تا یک سال است.

تبصره ۲- در مورد این جرم چنانچه شاکی نداشته و یا شاکی از شکایت خود گذشت کرده باشد یا موجب قصاص نگردیده و لیکن سبب إخلال در نظم جامعه یا خوف شده یا بیم تجری مرتکب یا دیگران باشد موجب حبس تعزیری از سه ماه تا دو سال خواهد بود و معاون جرم به حبس از دو ماه تا یک سال() محکوم می شود().

ماده ۲۷۰ - قطع عضو یا جرح آن سه نوع است: عمد، شبه عمد، خطا که احکام دو نوع اخیر در فصل دیات خواهد آمد.

ماده ۲۷۱ - قطع عضو یا جرح آن در موارد زیر عمدی است:

الف - و قتی که جانی با انجام کاری قصد قطع عضو یا جرح آن را دارد چه آن کار نوعاً موجب قطع یا جرح باشد یا نباشد.

ب - و قتی که جانی عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب قطع یا جرح عضو باشد هرچند قصد قطع یا جرح نداشته باشد.

ج - و قتی که جانی قصد قطع عضو یا جرح را ندارد و عمل او نوعاً موجب قطع یا جرح نمی باشد و لی نسبت به مجنی علیه بر اثر بیماری یا پیری یا ناتوانی یا کودکی و مانند اینها نوعاً موجب قطع یا جرح باشد و جانی به آن آگاهی داشته باشد .

فصل دوم - شرایط و کیفیت قصاص عضو

ماده ۲۷۲ - در قصاص عضو علاوه بر شرایط قصاص نفس شرایط زیر باید رعایت شود:

۱ - تساوی اعضاء در سالم بودن().

۲ - تساوی در اصلی بودن اعضاء.

۳ - تساوی در محل عضو مجروح یا مقطوع.

۴ - قصاص موجب تلف جانی یا عضو دیگر نباشد.

۵ - قصاص بیشتر از اندازه جنایت نشود.

ماده ۲۷۳ - در قِصاص عضو، زن و مرد برابرند و مرد مجرم به سبب نقص عضو یا جرمی () که به زن و ارد نماید به قِصاص عضو مانند آن محکوم می شود مگر اینکه دیه عضوی که ناقص شده ثلث () یا بیش از ثلث دیه کامل باشد که در آن صورت زن هنگامی می تواند قِصاص کند که نصف دیه آن عضو را به مرد بپردازد.

ماده ۲۷۴ - عضو سالم در برابر عضو ناسالم قِصاص نمی شود و فقط دیه آن عضو پرداخت می شود لکن عضو ناسالم در برابر عضو سالم قِصاص می شود.

ماده ۲۷۵ - در قِصاص عضو، تساوی محل معتبر است و باید در مقابل قطع عضو طرف راست عضو همان طرف و در مقابل طرف چپ عضو همان طرف جانی قِصاص شود.

تبصره - در صورتی که مجرم دست راست نداشته باشد دست چپ او و چنانچه دست چپ هم نداشته باشد پای او قطع خواهد شد.

ماده ۲۷۶ - جرحی که به عنوان قِصاص و ارد می کنند باید از حیث طول و عرض مساوی با جنایت باشد و در صورت امکان رعایت تساوی در عمق نیز لازم است.

تبصره - در جراحت موضحه و سِمحاق تساوی در عمق شرط نیست و مُمائِلت عرفی کافی است.

ماده ۲۷۷ - هرگاه در قِصاص جرح رعایت تساوی ممکن نباشد مانند بعضی از جراحتهای عمیق یا در موارد شکسته شدن استخوانها یا جابجا شدن آنها به طوری که قِصاص موجب تلف جانی یا زیاده از اندازه جنایت گردد باید دیه آن داده شود چه مقدار آن دیه شرعاً معین باشد یا با حکم حاکم شرع معین گردد.

ماده ۲۷۸ - قِصاص عضو را می شود فوراً اجرا نمود و لازم نیست صبر کنند تا وضع جرح روشن شود پس اگر قِصاص اجراء شود و جرح منجر به مرگ مجنی علیه گردد در صورتی که جنایت عمدی باشد جانی به قِصاص نفس محکوم می شود لکن قبل از اجرای قِصاص نفس باید دیه جرحی که قبلاً به عنوان قِصاص عضو بر جانی و ارد شده به او پرداخت شود.

ماده ۲۷۹ - برای رعایت تساوی قِصاص با جنایت باید حدود جراحت کاملاً اندازه گیری شود و هر چیزی که مانع از استیفاء قِصاص یا موجب ازدیاد آن باشد برطرف گردد.

ماده ۲۸۰ - اگر در اثر حرکت جانی قِصاص بیش از جنایت شود قِصاص کننده ضامن نیست و اگر بدون حرکت مجرم قِصاص بیش از جنایت شود در صورتی که این زیاده عمدی باشد قِصاص کننده نسبت به مقدار زائد قِصاص می شود و در صورتی که عمدی نباشد دیه یا آرش مقدار زائد به عهده قِصاص کننده می باشد.

ماده ۲۸۱ - اگر گرمی یا سردی هوا موجب سرایت زخم بشود باید قِصاص در هوای معتدل انجام گیرد.

ماده ۲۸۲ - ابزار قِصاص باید تیز و غیر مسموم و مناسب با اجرای قِصاص و قطع و مخصوص باشد و ایذاء جانی بیش از مقدار جنایت او ممنوع است.

ماده ۲۸۳ - هرگاه شخصی یک چشم کسی را کور کند یا درآورد قِصاص می شود گرچه جانی بیش از یک چشم نداشته باشد و چیزی به عنوان دیه به او داده نمی شود.

ماده ۲۸۴ - هرگاه شخصی که دارای دو چشم است چشم کسی را که فقط دارای یک چشم است درآورد مجنی علیه می تواند یک چشم جانی را قِصاص کند و نصف دیه کامل را هم دریافت نماید، یا از قِصاص یک چشم جانی منصرف شود و دیه کامل بگیرد مگر در صورتی که مجنی علیه یک چشم خود را قبلاً در اثر قِصاص یا جنایتی که استحقاق دیه آن را داشته است از دست داده باشد که در این مورد می تواند یک چشم جانی را قِصاص کند و یا با رضایت جانی نصف دیه کامل دریافت نماید.

ماده ۲۸۵ - هرگاه شخصی بدو ن آسیب به حدقه چشم دیگری بینایی آن را از بین ببرد فقط بینایی چشم جانی مورد قصاص قرار می گیرد و اگر بدو ن آسیب به حدقه چشم جانی قصاص ممکن نباشد جانی باید دیه آن را بپردازد.

ماده ۲۸۶ - چشم سالم در برابر چشمهایی که از لحاظ دیدن متعارف نیستند قصاص می شود.

ماده ۲۸۷ - هرگاه شخصی مقداری از گوش کسی را قطع کند و مجنی علیه قسمت جداشده را به گوش خود پیوند دهد قصاص ساقط نمی شود و اگر جانی بعد از آنکه مقداری از گوش او به عنوان قصاص بریده شد آن قسمت جداشده را به گوش خود پیوند دهد هیچ کس نمی تواند آن را دو باره برای حفظ اثر قصاص قطع کند.

ماده ۲۸۸ - قطع لاله گوش که موجب زوال شنوایی بشود دو جنایت محسوب می شود.

ماده ۲۸۹ - هرگاه شخصی بینی کسی را قطع کند مجنی علیه می تواند قصاص نماید گرچه بینی مجنی علیه دارای حس بویایی نباشد.

ماده ۲۹۰ - هرگاه شخصی زبان یا لب کسی را قطع نماید با رعایت تساوی مقدار و محل مورد قصاص قرار می گیرد.

تبصره - در صورتی که فرد گویا زبان فرد لال را قطع کند قصاص جائز نیست و تبدیل به دیه می شود.

ماده ۲۹۱ - هرگاه شخصی دندان کسی را بشکند یا بکند با رعایت شرایط قصاص عضو قصاص می شود.

تبصره - در صورتی که مجنی علیه قبل از قصاص دندان در آورده اگر دندان جدید معیوب باشد جانی به پرداخت آرش محکوم می گردد و اگر سالم باشد تا (۷۴) ضربه شلاق تعزیر می گردد.

ماده ۲۹۲ - اگر مجنی علیه طفل باشد باید به مدت متعارف صدور حکم به تأخیر افتد. در صورتی که کودک دندان جدید در آورده مجرم محکوم به آرش و گرنه محکوم به قصاص است.

ماده ۲۹۳ - اگر مورد جنایت عضو زائد باشد و جانی عضو زائد مشابه نداشته باشد محکوم به دیه است.

کتاب چهارم - دیات (۱)

باب اول - تعریف دیه و موارد آن

(ماده ۲۹۴ - دیه مالی است که به سبب جنایت بر نفس یا عضو به مجنی علیه یا به و لئ یا او لیاء دم او داده می شود.)

ماده ۲۹۵ - در موارد زیر دیه پرداخت می شود (:

الف - قتل یا جرح یا نقص عضو که به طور خطای محض و اقع می شود و آن در صورتی است که جانی نه قصد جنایت نسبت به مجنی علیه را داشته باشد و نه قصد فعل و اقع شده بر او را مانند آنکه تیری را به قصد شکاری رها کند و به شخصی برخورد نماید.

ب - قتل یا جرح یا نقص عضو که به طور خطای شبیه عمد و اقع می شود و آن در صورتی است که جانی قصد فعلی را که نوعاً سبب جنایت نمی شود داشته باشد و قصد جنایت را نسبت به مجنی علیه نداشته باشد مانند آنکه کسی را به قصد تأدیب به نحوی که نوعاً سبب جنایت نمی شود بزند و اتفاقاً موجب جنایت گردد یا طیبی مباشرتاً بیماری را به طور متعارف معالجه کند و اتفاقاً سبب جنایت بر او شود.

ج - مواردی از جنایت عمدی که قصاص در آنها جائز نیست.

تبصره ۱ - جنایتهای عمدی و شبه عمدی دیوانه و نابالغ به منزله خطای محض است.)

تبصره ۲ - در صورتی که شخصی کسی را به اعتقاد قصاص یا به اعتقاد مَهدو رالدَم بودن بکشد و این امر بر دادگاه ثابت شود و بعداً معلوم گردد که مجنی علیه مورد قصاص و یا مهدو رالدَم نبوده است قتل به منزله خطای شبیه عمد است. و اگر ادعای خود را در مورد مَهدو رالدَم بودن مقتول به اثبات برساند قصاص و دیه از او ساقط است.

تبصره ۳ - هرگاه بر اثر بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا عدم مهارت و عدم رعایت مقررات مربوط به امری، قتل یا ضرب یا جرح و اقع شود به نحوی که اگر آن مقررات رعایت می شد حادثه ای اتفاق نمی افتاد قتل و یا ضرب و یا جرح در حکم شبیه عمد خواهد بود.

ماده ۲۹۶ - در مواردی هم که کسی قصد تیراندازی به کسی یا شیئی یا حیوانی را داشته باشد و تیر او به انسان بی گناه دیگری اصابت کند عمل او خطای محض محسوب می شود .

باب دوم - مقدار دیه قتل نفس ()

ماده ۲۹۷ - دیه قتل مرد مسلمان () یکی از امور ششگانه ذیل است که قاتل در انتخاب هر یک از آنها مخیر می باشد () و تلفیق آنها جائز نیست.

۱ - یکصد شتر سالم و بدو ن عیب که خیلی لاغر نباشند.

۲ - دو یست گاو سالم و بدو ن عیب که خیلی لاغر نباشند.

۳ - یکهزار گوسفند سالم و بدو ن عیب که خیلی لاغر نباشند.

۴ - دو یست دست لباس سالم از حله های یمن.

۵ - یکهزار دینار مسکوک سالم و غیر مغشوش که هر دینار یک مثقال شرعی طلا به و زن ۱۸ نخود است.

۶ - ده هزار درهم مسکوک سالم و غیر مغشوش که هر درهم به و زن ۱۲/۶ نخود نقره می باشد () .

تبصره ۱ - قیمت هر یک از امور ششگانه در صورت تراضی طرفین () و یا تعدّر () همه آنها پرداخت می شود ().
تبصره ۲ () (الحاقی مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام) - بر اساس نظر حکومتی و لیّ امر، دیه اقلیتهای دینی شناخته شده در قانون اساسی () جمهوری اسلامی ایران به اندازه دیه مسلمان تعیین می گردد ().

ماده ۲۹۸ - دیه قتل عمد در مواردی که قصاص ممکن نباشد و یا ولیّ مقتول به دیه راضی شود () یکی از امور ششگانه فوق خواهد بود لکن در کلیه مواردی که شتر به عنوان دیه تعیین می شود لازم است که سن آن از پنج سال گذشته و داخل در سال ششم شده باشد.

ماده ۲۹۹ - دیه قتل در صورتی که صدمه و فوت هر دو در یکی از چهار ماه حرام (رجب، ذیقعد، ذیحجه، محرّم) و یا در حرم مکه معظمه و اقع شود علاوه بر یکی از موارد ششگانه مذکور در ماده ۲۹۷ به عنوان تشدید مجازات باید یک سوم هر نوعی که انتخاب کرده است اضافه شود و سایر امکنة و آزمنه هر چند متبرک باشند دارای این حکم نیستند ().

تبصره - به موجب « قانون حذف تبصره ماده ۲۹۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۵/۸ » مصوب ۱۳۷۲/۱/۳۱ این تبصره، حذف شده است ().

ماده ۳۰۰ - دیه قتل زن مسلمان خواه عمدی خواه غیر عمدی نصف دیه مرد مسلمان است ().

ماده ۳۰۱ - دیه زن و مرد یکسان است تا و قتی که مقدار دیه به ثلث دیه کامل برسد در آن صورت دیه زن نصف دیه مرد است. () و ()

باب سوم - مهلت پرداخت دیه (۱)

(ماده ۳۰۲ - مهلت پرداخت دیه در موارد مختلف از زمان و وقوع قتل به ترتیب زیر است):

الف - دیه قتل عمد باید در ظرف یک سال پرداخت شود.

ب - دیه قتل شبیه عمد در ظرف دو سال پرداخت می شود.

ج - دیه قتل خطای محض در ظرف سه سال پرداخت می شود.

تبصره ۱ - تأخیر از این مهلتها بدون تراضی طرفین جائز نیست.

تبصره ۲ - دیه قتل جنین و نیز دیه نقص عضو یا جرح به ترتیب فوق پرداخت می شود.

ماده ۳۰۳ - اگر قاتل در شبیه عمد در مدت معین قادر به پرداخت نباشد به او مهلت مناسب داده می شود.

باب چهارم - مسؤؤل پرداخت دیه

ماده ۳۰۴ - در قتل عمد و شبه عمد مسؤؤل پرداخت دیه خود قاتل است.

ماده ۳۰۵ - در قتل خطای محض در صورتی که قتل با بیینه یا قسامه یا علم قاضی ثابت شود پرداخت دیه به عهده عاقله است و اگر با اقرار قاتل یا نکول او از سوگند یا قسامه ثابت شد به عهده خود او است.

ماده ۳۰۶ - در خطای محض دیه قتل و همچنین دیه جراحت (موضحه) و دیه جنایتهای زیادتیر از آن حدّ به عهده عاقله می باشد و دیه جراحتهای کمتر از آن به عهده خود جانی است.

تبصره - جنایت عمد و شبه عمد نابالغ و دیوانه به منزله خطای محض و بر عهده عاقله می باشد.

ماده ۳۰۷ - عاقله عبارت است از بستگان ذکور نسبی پدر و مادری یا پدری به ترتیب طبقات ارث به طوری که همه کسانی که حین الفوت می توانند ارث ببرند به صورت مساوی عهده دار پرداخت دیه خواهند بود.

تبصره - کسی که با عقد ضمان جریره، دیه جنایت دیگری را به عهده گرفته است نیز عاقله محسوب می شود.

ماده ۳۰۸ - نابالغ و دیوانه و معسر جزء عاقله محسوب نمی شود و عهده دار دیه قتل خطایی نخواهد بود.

ماده ۳۰۹ - هرگاه قتل خطایی با گواهی شهود عادل ثابت شود عاقله عهده دار دیه خواهد بود و لی اگر با اقرار جانی ثابت شود خود جانی ضامن است.

ماده ۳۱۰ - هرگاه اصل قتل با شهادت شهود عادل ثابت شود و قاتل مدعی گردد که خطا انجام شده و عاقله منکر خطایی بودن آن باشد در صورتی که عاقله سوگند یاد کند قول عاقله مقدم بر قول جانی می باشد.

ماده ۳۱۱ - عاقله فقط عهده دار پرداخت خسارتهای حاصل از جنایتهای خطایی محض از قتل یا موضحه است و در موارد ذیل عاقله ضامن نمی باشد:

الف - جنایتهای خطایی که شخص بر خودش و ارد او رد.

ب - اِتلاف مالی که به طور خطای محض حاصل شود.

ماده ۳۱۲ - هرگاه جانی دارای عاقله نباشد یا عاقله او نتواند دیه را در مدت سه سال بپردازد دیه از بیت المال پرداخت می شود.

ماده ۳۱۳ - دیه عمد و شبه عمد بر جانی است لکن اگر فرار کند از مال او گرفته می شود و اگر مال نداشته باشد از بستگان نزدیک او با رعایت الاقرب فالاقرب گرفته می شود و اگر بستگانی نداشت یا تمکن نداشتند دیه از بیت المال داده می شود.

ماده ۳۱۴ - در موارد قتل خطایی محض دادگاه مکلف است در حین رسیدگی عاقله را دعوت کند تا از خود دفاع نماید و لی عدم دسترسی به عاقله یا عدم حضور آن پس از احضار موجب توقف رسیدگی نخواهد شد.

ماده ۳۱۵- اگر دو نفر (متهم به قتل) باشند و هر کدام ادعا کند که دیگری کشته است و علم اجمالی بر وقوع قتل توسط یکی از آن دو نفر باشد و حجت شرعی بر قاتل بودن یکی اقامه نشود و نوبت به دیه برسد با قید قرعه دیه از یکی از آن دو نفر گرفته می شود ().

باب پنجم - موجبات ضمان

ماده ۳۱۶- جنایت اعم از آنکه به مباشرت انجام شود یا به تسبیب (یا به اجتماع مباشر و سبب، موجب ضمان خواهد بود.

ماده ۳۱۷- مباشرت آن است که جنایت مستقیماً توسط خود جانی و اقع شده باشد.

ماده ۳۱۸- تسبیب در جنایت آن است که انسان سبب تلف شدن یا جنایت علیه دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود به طوری که اگر نبود جنایت حاصل نمی شد مانند آنکه چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند ().

ماده ۳۱۹- هرگاه طبیبی گرچه حاذق و متخصص باشد در معالجه هایی که شخصاً انجام می دهد یا دستور آن را صادر می کند هر چند با اذن مریض یا ولی او باشد باعث تلف جان یا نقص عضو یا خسارت مالی شود ضامن است ().

ماده ۳۲۰- هرگاه ختنه کننده در اثر بریدن بیش از مقدار لازم موجب جنایت یا خسارت شود ضامن است گرچه ماهر بوده باشد.

ماده ۳۲۱- هرگاه بیطار و دامپزشک گرچه متخصص باشد در معالجه حیوانی هر چند با اذن صاحب او باشد موجب خسارت شود ضامن است.

ماده ۳۲۲- هرگاه طبیب یا بیطار و مانند آن قبل از شروع به درمان از مریض یا ولی او یا از صاحب حیوان برائت حاصل نماید، عهده دار خسارت پدید آمده نخواهد بود.

ماده ۳۲۳- هرگاه کسی در حال خواب بر اثر حرکت و غلطیدن موجب تلف یا نقص عضو دیگری شود جنایت او به منزله خطای محض بوده و عاقله او عهده دار خواهد بود ().

ماده ۳۲۴- هرگاه کسی چیزی را همراه خود یا با وسیله نقلیه و مانند آن حمل کند و به شخص دیگری برخورد نموده موجب جنایت گردد در صورت عمد یا شبه عمد ضامن می باشد و در صورت خطای محض، عاقله او عهده دار می باشد.

ماده ۳۲۵- هرگاه کسی به روی شخصی سلاح بکشد یا سگی را به سوی او برانگیزد یا هرکار دیگری که موجب هراس او گردد انجام دهد مانند فریاد کشیدن یا انفجار صوتی که باعث وحشت می شود و بر اثر این ارباب آن شخص بمیرد اگر این عمل نوعاً کشنده باشد یا به قصد قتل انجام شود گرچه نوعاً کشنده نباشد، قتل عمد محسوب شده و موجب قصاص است و اگر این عمل نه نوعاً کشنده و نه با قصد قتل انجام بگیرد قتل شبه عمد محسوب شده و دیه آن بر عهده قاتل است.

ماده ۳۲۶- هرگاه کسی دیگری را بترساند و موجب فرار او گردد و آن شخص در حال فرار خود را از جای بلندی پرت کند یا به درون چاهی بیفتد و بمیرد در صورتی که آن ترساندن موجب زوال اراده و اختیار و مانع تصمیم او گردد ترساننده ضامن است.

ماده ۳۲۷- هرگاه کسی خود را از جای بلندی پرت کند و بر روی شخصی بیفتد و سبب جنایت گردد در صورتی که قصد انجام جنایت را داشته باشد قتل عمد بوده و قصاص دارد و در صورتی که قصد قتل نداشته و

لی قصد پرت شدن را داشته باشد و معمولاً با آن قتل انجام نمی شود قتل شبه عمده بوده دیه در مال او خواهد بود و همچنین است اگر با وجود قصد پرت شدن بی اختیار پرت شود و لی اگر در اثر لغزش یا علل قهری دیگر و بی اختیار به جایی پرت شود و موجب جنایت گردد خودش ضامن است نه عاقله اش.

ماده ۳۲۸ - هرگاه کسی به دیگری صدمه وارد کند و یا کسی را پرت کند و او بمیرد یا مجروح گردد در صورتی که نه قصد جنایت داشته باشد و نه کاری را که قصد نموده است نوعاً سبب جنایت باشد شبه عمده محسوب و عهده دار دیه آن خواهد بود.

ماده ۳۲۹ - هرگاه کسی دیگری را بر روی شخص ثالث پرت کند و آن شخص ثالث بمیرد یا مجروح گردد در صورتی که نه قصد جنایت داشته باشد و نه کاری را که قصد کرده است نوعاً سبب جنایت باشد شبه عمده محسوب و عهده دار دیه می باشد.

ماده ۳۳۰ - هرگاه کسی در ملک خود یا در مکان و راهی که توقف در آن مجاز است توقف کرده یا وسیله نقلیه خود را متوقف کرده باشد و دیگری به او برخورد نماید و مصدوم گردد آن شخص متوقف عهده دار هیچ گونه خسارتی نخواهد بود.

ماده ۳۳۱ - هرکس در محلهایی که توقف در آنجا جایز نیست متوقف شده یا شیئی و یا وسیله ای را در این قبیل محلها مستقر سازد و کسی اشتهاً و بدون قصد با شخص یا شیئی و یا وسیله مزبور برخورد کند و بمیرد شخص متوقف یا کسی که شیئی یا وسیله مزبور را در محل مستقر ساخته عهده دار پرداخت دیه خواهد بود و نیز اگر توقف شخص مزبور با استقرار شیئی و وسیله مورد نظر موجب لغزش راهگذر و آسیب کسی شود، مسؤول پرداخت دیه صدمه یا آسیب و ارده است مگر آنکه عابر با وسعت راه و محل عمداً قصد برخورد داشته باشد که در این صورت نه فقط خسارتی به او تعلق نمی گیرد بلکه عهده دار خسارت و ارده نیز می باشد.

ماده ۳۳۲ - هرگاه ثابت شود که مأمور نظامی یا انتظامی در اجرای دستور آمر قانونی (تیراندازی کرده و هیچ گونه تخلف از مقررات نکرده است ضامن دیه مقتول نخواهد بود و جز مواردی که مقتول و یا مصدوم مہدو رالدم نبوده دیه به عهده بیت المال خواهد بود).

ماده ۳۳۳ - در مواردی که عبور عابر پیاده ممنوع است اگر عبور نماید و راننده ای که با سرعت مجاز (و مطمئنانه در حال حرکت بوده و وسیله نقلیه نیز نقص فنی نداشته است و در عین حال قادر به کنترل نباشد و با عابر برخورد نموده منجر به فوت یا مصدوم شدن وی گردد راننده ضامن دیه و خسارت و ارده نیست ().

باب ششم - اشتراک در جنایت (۵)

(ماده ۳۳۴ - هرگاه دو نفر با یکدیگر برخورد کنند و در اثر برخورد کشته شوند هر دو سوار باشند یا پیاده یا یکی سواره و دیگری پیاده باشد در صورت شبه عمده نصف دیه هر کدام از مال دیگری پرداخت می شود و در صورت خطای محض نصف دیه هر کدام بر عاقله دیگری است.

ماده ۳۳۵ - هرگاه دو نفر با یکدیگر برخورد کنند و در اثر برخورد یکی از آنها کشته شود در صورت شبه عمده نصف دیه مقتول بر دیگری است و در صورت خطای محض نصف دیه مقتول بر عاقله دیگری است.

تبصره - هرگاه کسی اتفاقاً و بدون قصد به شخصی برخورد کند و موجب آسیب او شود خطای محض می باشد.

ماده ۳۳۶ - هرگاه در اثر برخورد دو سوار، و وسیله نقلیه آنها مانند اتومبیل خسارت ببیند در صورتی که تصادم و برخورد به هر دو نسبت داده شود و هر دو مقصّر باشند یا هیچ کدام مقصّر نباشند هر کدام نصف خسارت و

سیله نقلیه دیگری را ضامن خواهد بود خواه آن دو و سیله از یک نوع باشند یا نباشند و خواه میزان تقصیر آنها مساوی یا متفاوت باشد و اگر یکی از آنها مُقَصِّر باشد فقط مُقَصِّر ضامن است.)

تبصره - تقصیر اعم است از بی احتیاطی، بی مبالاتی، عدم مهارت، عدم رعایت نظامات دولتی.

ماده ۳۳۷ - هرگاه دو (و) سیله نقلیه در اثر برخورد با هم باعث کشته شدن سرنشینان گردند در صورت شبهه عمد راننده هر یک از دو و سیله نقلیه ضامن نصف دیه تمام سرنشینان خواهد بود (و) در صورت خطای محض عاقله هر کدام عهده دار نصف دیه تمام سرنشینان می باشد و اگر برخورد یکی از آن دو شبهه عمد و دیگری خطای محض باشد ضامن بر حسب مورد پرداخت خواهد شد.)

تبصره - در صورتی که برخورد دو و سیله نقلیه خارج از اختیار راننده ها باشد مانند آنکه در اثر ریزش کوه یا طوفان و دیگر عوامل قهری تصادم حاصل شود هیچ گونه ضمانتی در بین نیست.

ماده ۳۳۸ - هرگاه شخصی را که شبانه از منزلش خوانده و بیرون برده اند مفقود شود دعوت کننده ضامن دیه او است مگر اینکه ثابت کند که دیگری او را کشته است، و نیز اگر ثابت شود که به مرگ عادی یا علل قهری در گذشته چیزی بر عهده دعوت کننده نیست.

ماده ۳۳۹ - هرگاه کسی در معبر عام یا هر جای دیگری که تصرف در آن مجاز نباشد چاهی بکند یا سنگ یا چیز لغزنده ای بر سر راه عابران قرار دهد یا هر عملی که موجب آسیب یا خسارت عابران گردد انجام دهد عهده دار دیه یا خسارت خواهد بود و لی اگر این اعمال در ملک خود یا در جایی که تصرفش در آن مجاز است واقع شود عهده دار دیه یا خسارت نخواهد بود.)

باب هفتم - تسبیب در جنایت

ماده ۳۴۰ - هرگاه در ملک دیگری با اذن او یکی از کارهای مذکور در ماده (۳۳۹) را انجام دهد و موجب آسیب یا خسارت شخص ثالث شود عهده دار دیه یا خسارت نمی باشد.

ماده ۳۴۱ - هرگاه در معبر عام عملی به مصلحت عابران انجام شود که موجب وقوع جنایت یا خسارتی گردد مرتکب ضامن دیه و خسارت نخواهد بود.

ماده ۳۴۲ - هرگاه کسی یکی از کارهای مذکور ماده (۳۳۹) را در منزل خود انجام دهد و شخصی را که در اثر نایبایی یا تاریکی آگاه به آن نیست به منزل خود بخواند عهده دار دیه و خسارت خواهد بود و اگر آن شخص بدون اذن صاحب منزل یا با اذنی که قبل از انجام اعمال مذکور از صاحب منزل گرفته است وارد شود و صاحب منزل مطلع نباشد عهده دار هیچ گونه دیه یا خسارت نمی باشد.

ماده ۳۴۳ - هرگاه در اثر یکی از عوامل طبیعی مانند سیل و غیره یکی از چیزهای فوق حادث شود و موجب آسیب و خسارت گردد هیچ کس ضامن نیست گرچه تمکن برطرف کردن آنها را داشته باشد و اگر سیل یا مانند آن چیزی را به همراه آورد و کسی آن را به جایی مانند محل اول یا بدتر از آن قرار دهد عهده دار دیه و خسارتهای وارده خواهد بود و اگر آن را از وسط جاده بردارد و به گوشه ای برای مصلحت عابرین قرار دهد عهده دار چیزی نمی باشد.

ماده ۳۴۴ - هرگاه کسی در ملک دیگری عدواناً یکی از کارهای مذکور در ماده (۳۳۹) را انجام دهد و شخص ثالثی که عدواناً وارد آن ملک شده آسیب ببیند عامل عدوانی عهده دار دیه و خسارت می باشد.

ماده ۳۴۵ - هرگاه کسی کالایی را که به منظور خرید و فروش عرضه می شود یا وسیله نقلیه ای را در معبر عام قرار دهد و موجب خسارت گردد عهده دار آن خواهد بود مگر آنکه مصلحت ابران ایجاب کرده باشد که آنها را موقتاً در معبر قرار دهد.

ماده ۳۴۶ - هرگاه کسی چیز لغزنده ای را در معبر بریزد که موجب لغزش رهگذر گردد عهده دار دیده و خسارت خواهد بود مگر آنکه رهگذر بالغ عاقل یا ممیز عمداً با اینکه می تواند روی آن پا نگذارد به روی آنها پا بگذارد.

ماده ۳۴۷ - هرگاه کسی چیزی را بر روی دیوار خود قرار دهد و در اثر حوادث پیش بینی نشده به معبر عام بیفتد و موجب خسارت شود عهده دار نخواهد بود مگر آنکه آن را طوری گذاشته باشد که عادتاً ساقط می شود. ماده ۳۴۸ - هرگاه ناودان یا بالکن منزل و امثال آن که قرار دادن آن در شارع عام مجاز نبوده و در اثر سقوط موجب آسیب یا خسارت شود مالک آن منزل عهده دار خواهد بود و اگر نصب و قرار دادن آن مجاز بوده و اتفاقاً سقوط کند و موجب آسیب یا خسارت گردد مالک منزل عهده دار آن نخواهد بود.

ماده ۳۴۹ - هرگاه کسی در ملک خود یا ملک مباح دیگری دیواری را با پایه محکم بنا کرده لکن در اثر حادثه پیش بینی نشده مانند زلزله سقوط کند و موجب خسارت گردد صاحب آن عهده دار خسارت نمی باشد و همچنین اگر دیوار را به سمت ملک خود بنا نموده که اگر سقوط کند طبعاً در ملک او سقوط خواهد کرد لکن اتفاقاً به سمت دیگری سقوط کند و موجب آسیب یا خسارت شود صاحب آن عهده دار چیزی نخواهد بود.

ماده ۳۵۰ - هرگاه دیواری را در ملک خود به طور معتدل و بدون میل به یک طرف بنا نماید لکن تدریجاً میل به سقوط به سمت ملک دیگری شود اگر قبل از آنکه صاحب دیوار تمکن اصلاح آن را پیدا کند ساقط شود و موجب آسیب یا خسارت گردد چیزی بر عهده صاحب دیوار نیست و اگر بعد از تمکن از اصلاح با سهل انگاری سقوط کند و موجب خسارت شود مالک آن ضامن می باشد.

ماده ۳۵۱ - هرگاه کسی دیوار دیگری را منحرف و میل به سقوط نماید آنگاه دیوار ساقط شود و موجب آسیب یا خسارت گردد آن شخص عهده دار خسارت خواهد بود.

ماده ۳۵۲ - هرگاه کسی در ملک خود به مقدار نیاز یا زائد بر آن آتش روشن کند و بداند که به جایی سرایت نمی کند و عادتاً نیز سرایت نکند لکن اتفاقاً به جای دیگر سرایت کند و موجب تلف یا خسارت شود ضامن نخواهد بود.

ماده ۳۵۳ - هرگاه کسی در ملک خود آتش روشن کند که عادتاً به محل دیگر سرایت می نماید یا بداند به جای دیگر سرایت خواهد کرد و در اثر سرایت موجب تلف یا خسارت شود عهده دار آن خواهد بود گرچه به مقدار نیاز خودش روشن کرده باشد.

ماده ۳۵۴ - هرگاه کسی در ملک خود آتشی روشن کند و آتش به جایی سرایت نماید و سرایت به او استناد داشته باشد ضامن تلف و خسارتهای وارد می باشد گرچه به مقدار نیاز خود روشن کرده باشد.

ماده ۳۵۵ - هرگاه کسی در ملک دیگری بدون اذن صاحب آن یا در معبر عام بدون رعایت مصلحت رهگذر آتشی را روشن کند که موجب تلف یا خسارت گردد ضامن خواهد بود گرچه او قصد اِتلاف یا اِضرار را نداشته باشد.

تبصره - در کلیه مواردی که روشن کننده آتش عهده دار تلف و آسیب اشخاص می باشد باید راهی برای فرار و نجات آسیب دیدگان نباشد و گرنه روشن کننده آتش عهده دار نخواهد بود.

ماده ۳۵۶ - هرگاه کسی آتشی را روشن کند و دیگری مال شخصی را در آن بیاندازد و بسوزاند عهده دار تلف یا خسارت خواهد بود و روشن کننده آتش ضامن نیست.

ماده ۳۵۷ - صاحب هر حیوانی که خطر حمله و آسیب رساندن آن را می داند باید آن را حفظ نماید و اگر در اثر اِهمال و سهل انگاری موجب تلف یا خسارت گردد صاحب حیوان عهده دار می باشد و اگر از حال حیوان که خطر حمله و زیان رساندن به دیگران در آن هست آگاه نباشد یا آنکه آگاه باشد ولی توانایی حفظ آن را نداشته باشد و در نگهداری او کوتاهی نکند عهده دار خسارتش نیست.)

ماده ۳۵۸ - هرگاه حیوانی به کسی حمله کند و آن شخص به عنوان دفاع از خود به مقدار لازم او را دفع نماید و همین دفاع موجب مردن یا آسیب دیدن آن حیوان شود شخص دفاع کننده ضامن نمی باشد و همچنین اگر آن حیوان را از هجوم به نفس یا مال محترم به عنوان دفاع به مقدار لازم بازدارد و همین کار موجب تلف یا آسیب او شود عهده دار نخواهد بود.

تبصره - هرگاه در غیر مورد دفاع یا در مورد دفاع بیش از مقدار لازم به آن آسیب وارد شود شخص آسیب رساننده ضامن می باشد.)

ماده ۳۵۹ - هرگاه با سهل انگاری و کوتاهی مالک حیوانی به حیوان دیگر حمله کند و آسیب برساند مالک آن عهده دار خسارت خواهد بود و هرگونه خسارتی بر حیوان حمله کننده و مهاجم وارد شود کسی عهده دار آن نمی باشد.

ماده ۳۶۰ - هرگاه کسی با اذن و ارد خانه کسی بشود و سگ خانه به او آسیب برساند صاحبخانه ضامن می باشد خواه آن سگ قبلاً در خانه بوده یا بعداً وارد شده باشد و خواه صاحبخانه بداند که آن حیوان او را آسیب می رساند و خواه نداند.

ماده ۳۶۱ - هرگاه کسی که سوار حیوان است حیوان را در جایی متوقف نماید ضامن تمام خسارتهایی است که آن حیوان وارد می کند.

ماده ۳۶۲ - هرگاه کسی حیوانی را بزند و آن حیوان در اثر زدن خسارتی وارد نماید آن شخص زننده عهده دار خسارتهای وارد خواهد بود .

باب هشتم - اجتماع سبب و مباشر یا اجتماع چند سبب

ماده ۳۶۳ - در صورت اجتماع مباشر و سبب در جنایت مباشر ضامن است مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد.

ماده ۳۶۴ - هرگاه دو نفر عدو اناً در وقوع جنایتی به نحو سبب دخالت داشته باشند کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب دیگری باشد ضامن خواهد بود مانند آنکه یکی از آن دو نفر چاهی حفر نماید و دیگری سنگی را در کنار آن قرار دهد و عابر به سبب برخورد با سنگ به چاه افتد کسی که سنگ را گذارده ضامن است و چیزی به عهده حفر کننده نیست و اگر عمل یکی از آن دو عدوانی و دیگری غیر عدوانی باشد فقط شخص متعدی ضامن خواهد بود.)

ماده ۳۶۵ - هرگاه چند نفر با هم سبب آسیب یا خسارتی شوند به طور تساوی عهده دار خسارت خواهند بود.

ماده ۳۶۶ - هرگاه بر اثر ایجاد سببی دو نفر تصادم کنند و به علت تصادم کشته شوند یا آسیب ببینند سبب ضامن خواهد بود.

باب نهم - دیه اعضاء

ماده ۳۶۷ - هر جنایتی که بر عضو کسی و ارد شود و شرعاً مقدار خاصی به عنوان دیه برای آن تعیین نشده باشد جانی باید آرش بپردازد (۱).

فصل اول - دیه مو

ماده ۳۶۸ - هرگاه کسی موی سر یا صورت مردی را طوری از بین ببرد که دیگر نروید عهده دار دیه کامل خواهد بود و اگر دو باره بروید نسبت به موی سر ضامن آرش است و نسبت به ریش ثلث دیه کامل را عهده دار خواهد بود.

ماده ۳۶۹ - هرگاه کسی موی سر زنی را طوری از بین ببرد که دیگر نروید ضامن دیه کامل زن می باشد و اگر دو باره بروید عهده دار مَهْرُ الْمِثْلِ خواهد بود و در این حکم فرقی میان کوچک و بزرگ نیست. تبصره - اگر مَهْرُ الْمِثْلِ بیش از دیه کامل باشد فقط به مقدار دیه کامل پرداخت می شود.

ماده ۳۷۰ - هرگاه مقداری از موهای از بین رفته دو باره بروید و مقدار دیگر نروید نسبت مقداری که نمی روید با تمام سر ملاحظه می شود و دیه به همان نسبت دریافت می گردد (۲).

ماده ۳۷۱ - تشخیص رو بییدن مجدد مو و نرو بییدن آن با خُبره است و اگر طبق نظر خُبره دیه یا آرش پرداخت شده و بعد از آن دو باره رو بیید باید مقدار زائد بر آرش به جانی مسترد شود.

ماده ۳۷۲ - دیه موهای مجموع دو ابرو در صورتی که هرگز نروید پانصد دینار است و دیه هر کدام دو یست و پنجاه دینار و دیه هر مقدار از یک ابرو به همان نسبت خواهد بود و اگر دو باره رو بییده شود در همه موارد آرش است و اگر مقداری از آن دو باره رو بییده شود و مقدار دیگر هرگز نروید نسبت به آن مقدار که مجدداً رو بییده شود آرش است و نسبت به آن مقدار که رو بییده نمی شود دیه با احتساب مقدار مساحت تعیین می شود.

ماده ۳۷۳ - از بین بردن موهای پلک چشم موجب آرش است خواه دو باره بروید خواه نروید و خواه تمام آن باشد و خواه بعضی آن.

ماده ۳۷۴ - از بین بردن مو در صورتی موجب دیه یا آرش می شود که به تنهایی باشد نه با از بین بردن عضو یا کندن پوست و مانند آن که در این موارد فقط دیه عضو قطع شده یا مانند آن پرداخت می گردد.

فصل دوم - دیه چشم (۲)

(ماده ۳۷۵ - از بین بردن دو چشم سالم موجب دیه کامل است و دیه هر کدام از آنها نصف دیه کامل خواهد بود.

تبصره - تمام چشمهایی که بینایی دارند در حکم فوق یکسانند گرچه از لحاظ ضعف و بیماری و شب کوری و لوچ بودن با یکدیگر فرق داشته باشند.

ماده ۳۷۶ - چشمی که در سیاهی آن لکه سفیدی باشد اگر مانع دیدن نباشد دیه آن کامل است و اگر مانع مقداری از دیدن باشد به طوری که تشخیص ممکن باشد به همان نسبت از دیه کاهش می یابد و اگر به طور کلی مانع دیدن باشد در آن آرش است نه دیه.

ماده ۳۷۷ - دیه چشم کسی که دارای یک چشم سالم و بینا باشد و چشم دیگرش نابینای مادر زادی بوده یا در اثر بیماری یا علل غیر جنایی از دست رفته باشد دیه کامل است و اگر چشم دیگرش را در اثر قصاص یا جنایتی از دست داده باشد دیه آن نصف دیه است.

ماده ۳۷۸ - کسی که دارای یک چشم بینا و یک چشم نابینا است دیه چشم نابینای او ثلث دیه کامل است خواه چشم او مادرزاد نابینا بوده است یا در اثر جنایت نابینا شده باشد.

ماده ۳۷۹ - ديه مجموع چهار پلك دو چشم ديه كامل خواهد بود و ديه پلكهاى بالا ثلث ديه كامل و ديه پلكهاى پايين نصف ديه كامل است.

فصل سوم - ديه بينى

ماده ۳۸۰ - از بين بردن تمام بينى دفعتاً يا نرمه آن كه پايين قصب و استخوان بينى است موجب ديه كامل است و از بين بردن مقدارى از نرمه بينى موجب همان نسبت ديه مى باشد.

ماده ۳۸۱ - از بين بردن مقدارى از استخوان بينى بعد از بریدن نرمه آن موجب ديه كامل و آرش مى باشد.

ماده ۳۸۲ - اگر با شكستن يا سوزاندن يا امثال آن بينى را فاسد() كنند در صورتى كه اصلاح نشود موجب ديه كامل است و اگر بدو ن عيب جبران شود موجب يكصد دينار مى باشد.

ماده ۳۸۳ - فلج كردن بينى موجب دو ثلث ديه كامل است و از بين بردن بينى فلج موجب ثلث ديه كامل مى باشد.

ماده ۳۸۴ - از بين بردن هر يك از سوراخهاى بينى موجب ثلث ديه كامل است و سوراخ كردن بينى به طورى كه هر دو سوراخ و پرده فاصل مىان آن پاره شود يا آنكه آن را سوراخ نمايد در صورتى كه باعث از بين رفتن آن نشود موجب ثلث ديه كامل است و اگر جبران و اصلاح شود موجب خمس ديه مى باشد.

ماده ۳۸۵ - ديه از بين بردن نوک بينى كه محل چكيدن خون است نصف ديه كامل مى باشد.

فصل چهارم - ديه گوش()

ماده ۳۸۶ - از بين بردن مجموع دو گوش ديه كامل دارد و از بين بردن هر کدام نصف ديه كامل و از بين بردن مقدارى از آن موجب ديه همان مقدار با رعايت نسبت به تمام گوش خواهد بود.

ماده ۳۸۷ - از بين بردن نرمه گوش ثلث ديه آن گوش را دارد و از بين بردن قسمتى از آن موجب ديه به همان نسبت خواهد بود.

ماده ۳۸۸ - پاره كردن گوش ثلث ديه را دارد.

ماده ۳۸۹ - فلج كردن گوش دو ثلث ديه و بریدن گوش فلج ثلث ديه را دارد.

تبصره - هرگاه آسيب رساندن به گوش به حس شنوايى سرايت كند و به آن آسيب رساند يا موجب سرايت به استخوان و شكستن آن شود براى هر کدام ديه جداگانه اى خواهد بود.

ماده ۳۹۰ - گوش سالم و شنوا و گوش كر در احكام مذكور در موارد فوق يكسانند .

فصل پنجم - ديه لب

ماده ۳۹۱ - از بين بردن مجموع دو لب ديه كامل دارد و از بين بردن هر کدام از لبها نصف ديه كامل و از بين بردن هر مقدارى از لب موجب ديه همان مقدار با رعايت نسبت به تمام لب خواهد بود.

ماده ۳۹۲ - جنائتى كه لبها را جمع كند و در اثر آن دندانها را نپوشاند موجب مقدارى از ديه است كه حاكم آن را تعيين مى نمايد.

ماده ۳۹۳ - جنائتى كه موجب سست شدن لبها بشود به طورى كه با خنده و مانند آن از دندانها كنار نرو د موجب دو ثلث ديه كامل مى باشد.

ماده ۳۹۴ - از بين بردن لبهاى فلج و بى حس ثلث ديه دارد.

ماده ۳۹۵ - شكافتن يك يا دو لب به طورى كه دندانها نمايان شوند موجب ثلث ديه كامل است و در صورت اصلاح و خوب شدن خمس ديه كامل خواهد بود .

فصل ششم - دیه زبان

ماده ۳۹۶ - از بین بردن تمام زبان سالم یا لال کردن انسان سالم یا ضربه مغزی و مانند آن دیه کامل دارد و بریدن تمام زبان لال ثلث دیه کامل خواهد بود.

ماده ۳۹۷ - از بین بردن مقداری از زبان لال موجب دیه همان مقدار با رعایت نسبت به تمام زبان خواهد بود و لی دیه قسمتی از زبان سالم به نسبت از دست دادن قدرت ادای حروف خواهد بود.

ماده ۳۹۸ - تعیین مقدار دیه جنایتی که بر زبان وارد شده و موجب از بین رفتن حروف نشود لکن باعث عیب گردد با تعیین (حاکم خواهد بود).

ماده ۳۹۹ - هرگاه مقداری از زبان را کسی قطع کند که باعث از بین رفتن قدرت ادای مقداری از حروف باشد و دیگری مقدار دیگر را که باعث از بین رفتن مقداری از باقی حروف گردد، دیه به نسبت از بین رفتن قدرت ادای حروف می باشد.

ماده ۴۰۰ - بریدن زبان کودک قبل از حدّ سخن گفتن موجب دیه کامل است.

ماده ۴۰۱ - بریدن زبان کودکی که به حدّ سخن گفتن رسیده و لی سخن نمی گوید ثلث دیه دارد و اگر بعداً معلوم شود که زبان او سالم و قدرت تکلم داشته دیه کامل محسوب و بقیه از جانی گرفته می شود.

ماده ۴۰۲ - هرگاه جنایتی موجب لال شدن گردد و دیه کامل از جانی گرفته شود و دوباره زبان به حال اول برگردد و سالم شود دیه مسترد خواهد شد.

فصل هفتم - دیه دندان ()

ماده ۴۰۳ - از بین بردن تمام دندانهای بیست و هشتگانه دیه کامل دارد و به ترتیب زیر توزیع می شود:

۱ - هر یک از دندانهای جلو که عبارتند از پیش و چهارتایی و نیش که از هر کدام دو عدد در بالا دو عدد در پایین می روید و جمعاً دو ازده تا خواهد بود پنجاه دینار و دیه مجموع آنها ششصد دینار می شود.

۲ - هر یک از دندانهای عقب که در چهار سمت پایانی از بالا و پایین در هر کدام یک ضاحک و سه ضرس قرار دارد و جمعاً شانزده تا خواهد بود بیست و پنج دینار و دیه مجموع آنها چهار صد دینار می شود.

ماده ۴۰۴ - دندانهای اضافی به هر نام که باشد و به هر طرز که رو ییده شود دیه ای ندارد و اگر در کندن آنها نقصی حاصل شود تعیین مقدار آرش آن با قاضی است و اگر هیچ گونه نقصی حاصل نشود آرش نخواهد داشت و لی به نظر قاضی تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می شود.

ماده ۴۰۵ - هرگاه دندانها از بیست و هشت تا کمتر باشد به همان نسبت از دیه کامل کاهش می یابد خواه خلقتاً کمتر باشد یا در اثر عارضه ای کم شده باشد.

ماده ۴۰۶ - فرقی میان دندانهایی که دارای رنگهای گوناگون می باشد نیست و اگر دندانی در اثر جنایت سیاه شود و نیافتد دیه آن دو ثلث دیه همان دندان است که سالم باشد و دیه دندانی که قبلاً سیاه شده (ثلث همان دندان سالم است).

ماده ۴۰۷ - شکاف (اشقاق) دندان که بدون کندن و از بین بردن آن باشد تعیین جریمه مالی آن با حاکم است.

ماده ۴۰۸ - شکستن آن مقدار از دندان که نمایان است با بقای ریشه دیه کامل آن دندان را دارد و اگر بعد از شکستن مقدار مزبور، کسی بقیه را از ریشه بکند جریمه آن با نظر حاکم تعیین می شود خواه کسی که بقیه را از ریشه کنده همان کسی باشد که مقدار نمایان دندان را شکسته یا دیگری ().

ماده ۴۰۹ - کندن دندان شیری کودک که دیگر به جای آن دندان نروید دیه کامل آن را دارد و اگر به جای آن دندان بروید دیه هر دندان شیری که کنده شد یک شتر می باشد.

ماده ۴۱۰ - دندانی که کنده شود دیه کامل دارد گرچه همان را در محلس قرار دهند و دو باره مانند سابق شود.

ماده ۴۱۱ - هرگاه دندان دیگری به جای دندان اصلی کنده شده قرار گیرد و مانند دندان اصلی شود کندن آن دیه کامل دارد ().

فصل هشتم - دیه گردن

ماده ۴۱۲ - شکستن گردن به طوری که گردن کج شود دیه کامل دارد ().

ماده ۴۱۳ - جنایتی که موجب کج شدن گردن شود و همچنین جنایتی که مانع فرو بردن غذا گردد جریمه آن با نظر حاکم تعیین می شود.

ماده ۴۱۴ - هرگاه جنایتی که موجب کج شدن گردن و همچنین مانع فرو بردن غذا شده اثر آن زائل گردد دیه ندارد فقط باید آرش پرداخت شود گرچه بعد از برطرف شدن اثر آن با دشواری بتواند گردن را مستقیم نگه بدارد یا غذا را فرو ببرد .

فصل نهم - دیه فک

ماده ۴۱۵ - از بین بردن مجموع دو فک () دیه کامل دارد و دیه هر کدام آنها پانصد دینار می باشد و از بین بردن مقداری از هر یک موجب دیه مساحت همان مقدار است و دیه از بین بردن یک فک با مقداری از فک دیگر نصف دیه با احتساب دیه مساحت فک دیگر خواهد بود.

ماده ۴۱۶ - دیه فک مستقل از دیه دندان می باشد و اگر فک با دندان از بین برود دیه هر یک جداگانه محسوب می گردد.

ماده ۴۱۷ - جنایتی که موجب نقص فک شود یا باعث دشواری و نقص جویدن گردد تعیین جریمه مالی آن با نظر حاکم است.

فصل دهم - دیه دست و پا

ماده ۴۱۸ - از بین بردن مجموع دو دست تا مفصل مچ دیه کامل دارد و دیه هر کدام از دستها نصف دیه کامل است خواه مجنی علیه دارای دو دست باشد یا یک دست و دست دیگر را خلقتاً یا در اثر سانحه ای از دست داده باشد ().

ماده ۴۱۹ - دیه قطع انگشتان هر دست تنها یا تا مچ پانصد دینار است.

ماده ۴۲۰ - جریمه مالی بریدن کف دست که خلقتاً بدون انگشت بوده و یا در اثر سانحه ای بدون انگشت شده است با نظر حاکم تعیین می شود.

ماده ۴۲۱ - دیه قطع دست تا آرنج پانصد دینار است خواه دارای کف باشد و خواه نباشد و همچنین دیه قطع دست تا شانه پانصد دینار است خواه آرنج داشته باشد خواه نداشته باشد.

ماده ۴۲۲ - دیه دستی که دارای انگشت است اگر بیش از مفصل مچ قطع شود و یا بالاتر از آرنج قطع گردد پانصد دینار است به اضافه آرش که با در نظر گرفتن مساحت تعیین می شود.

ماده ۴۲۳ - کسی که از مچ یا آرنج یا شانه اش دو دست داشته باشد دیه اصلی پانصد دینار است و نسبت به دست زائد قاضی به هر نحو که مصلحت بداند نزاع را خاتمه می دهد.

تشخیص دست اصلی و زائد به نظر خُبره خواهد بود.

ماده ۴۲۴ - دیه ده انگشت دو دست و همچنین دیه ده انگشت دو پا دیه کامل خواهد بود. دیه هر انگشت عشر دیه کامل است.

ماده ۴۲۵ - دیه هر انگشت به عدد بندهای آن انگشت تقسیم می شود و بریدن هر بندی از انگشتهای غیر شست ثلث دیه انگشت سالم و در شست نصف دیه شست سالم است.)

ماده ۴۲۶ - دیه انگشت زائد ثلث دیه انگشت اصلی است و دیه بندهای زائد ثلث دیه بند اصلی است.

ماده ۴۲۷ - دیه فلج کردن هر انگشت دو ثلث دیه انگشت سالم است و دیه قطع انگشت فلج ثلث دیه انگشت سالم است.

ماده ۴۲۸ - احکام مذکور در مواد این فصل در پا نیز جاری است .

فصل یازدهم - دیه ناخن

ماده ۴۲۹ - کندن ناخن به طوری که دیگر نرو ید یا فاسد و سیاه برو ید ده دینار و اگر سالم و سفید برو ید پنج دینار است.

فصل دو ازدهم - دیه ستون فقرات

ماده ۴۳۰ - شکستن ستون فقرات دیه کامل دارد خواه اصلاً درمان نشود یا بعد از علاج به صورت کمان و خمیدگی درآید یا آن که بدون عصا نتواند راه برو د یا توانایی جنسی او از بین برو د یا مبتلا به سَلَسْ و ریزش ادرار گردد و نیز دیه جنایتی که باعث خمیدگی پشت شود یا آن که قدرت نشستن یا راه رفتن را سلب نماید دیه کامل خواهد بود.)

ماده ۴۳۱ - هرگاه بعد از شکستن یا جنایت و ارد نمودن بر ستون فقرات معالجه مؤثر شود و اثری از جنایت نماند جانی باید یکصد دینار بپردازد.)

ماده ۴۳۲ - هرگاه شکستن ستون فقرات باعث فلج شدن هر دو پا شود برای شکستن دیه کامل و برای فلج دو پا دو ثلث دیه کامل منظور می گردد .

فصل سیزدهم - دیه نخاع

ماده ۴۳۳ - قطع تمام نخاع دیه کامل دارد و قطع بعضی از آن به نسبت مساحت خواهد بود.)

ماده ۴۳۴ - هرگاه قطع نخاع موجب عیب عضو دیگر شود اگر آن عضو دارای دیه معین باشد بر دیه کامل قطع نخاع افزوده می گردد و اگر آن عضو دارای دیه معین نباشد آرش آن بر دیه کامل قطع نخاع افزوده خواهد شد.

فصل چهاردهم - دیه بیضه

ماده ۴۳۵ - قطع دو بیضه دفعتاً دیه کامل و قطع بیضه چپ دو ثلث دیه و قطع بیضه راست ثلث دیه دارد.

تبصره - فرقی در حکم مذکور بین جوان و پیر و کودک و بزرگ و عینین و سالم و مانند آن نیست.

ماده ۴۳۶ - دیه و رم کردن دو بیضه چهارصد دینار است و اگر تورم مانع راه رفتن مفید شود دیه آن هشتصد دینار خواهد بود.

فصل پانزدهم - دیه دنده

ماده ۴۳۷ - دیه هر یک از دنده هایی که در پهلو چپ و واقعه شده و محیط به قلب می باشد بیست و پنج دینار و دیه هر یک از سایر دنده ها ده دینار است .

فصل شانزدهم - ديه استخوان زير گردن

ماده ۴۳۸ - شكستن مجموع دو استخوان ترقوه ديه كامل دارد و به شكستن هر کدام از آنها كه درمان نشود يا با عيب درمان شود نصف ديه كامل است و اگر به خوبي درمان شود چهل دينار مي باشد.

فصل هفدهم - ديه نشيمنگاه

ماده ۴۳۹ - شكستن استخوان نشيمنگاه (دنبالچه) كه موجب شود مجني عليه قادر به ضبط مدفوع نباشد ديه كامل دارد و اگر قادر به ضبط مدفوع باشد و قادر به ضبط باد نباشد آرش پرداخت خواهد شد.

ماده ۴۴۰ - ضربه اي كه به حد فاصل بيضه ها و دُبر واقع شود و موجب عدم ضبط ادرار يا مدفوع گردد ديه كامل دارد و همچنين اگر ضربه به محل ديگري و ارد آيد كه در اثر آن ضبط ادرار و مدفوع در اختيار مجني عليه نباشد.

ماده ۴۴۱ - از بين بردن بكارت دختر با انگشت كه باعث شود او نتواند ادرار را ضبط كند علاوه بر ديه كامل زن، مَهْر المِثْل نيز دارد.

فصل هجدهم - ديه استخوانها

ماده ۴۴۲ - ديه شكستن استخوان (هر عضوي كه براي آن عضو ديه معيني است خُمس آن مي باشد و اگر معالجه شود و بدون عيب گردد ديه آن چهار پنجم ديه شكستن آن است و ديه كوبيدن آن ثلث ديه آن عضو و در صورت درمان بدون عيب چهار پنجم ديه خرد شدن (استخوان مي باشد).

ماده ۴۴۳ - در جدا كردن استخوان از عضو به طوري كه آن عضو بي فايده گردد دو ثلث ديه همان عضو است و اگر بدون عيب درمان شود، ديه آن چهار پنجم ديه اصل جدا كردن مي باشد).

فصل نوزدهم - ديه عقل

ماده ۴۴۴ - هر جنائتي كه موجب زوال عقل گردد ديه كامل دارد و اگر موجب نقصان آن شود آرش دارد.

ماده ۴۴۵ - از بين بردن عقل يا كم كردن آن موجب قصاص نخواهد شد.

ماده ۴۴۶ - هرگاه در اثر جنائتي مانند ضربه مغزي و شكستن سر يا بریدن دست، عقل زائل شود براي هر کدام ديه جداگانه خواهد بود و تداخل نمي شود.

ماده ۴۴۷ - هرگاه در اثر جنائتي عقل زائل شود و ديه كامل از جاني دريافت شود و دو باره عقل برگردد ديه مسترد مي شود و آرش پرداخت خواهد شد.

ماده ۴۴۸ - مرجع تشخيص زوال عقل يا نقصان آن دو نفر خُبره عادل مي باشد و اگر در اختلاف رأي خبرگان زوال يا نقصان عقل ثابت نشود قول جاني با سوگند مقدم است.

فصل بيستم - ديه حس شنوایی

ماده ۴۴۹ - از بين بردن حس شنوایی مجموع دو گوش ديه كامل و از بين بردن حس شنوایی يك گوش نصف ديه كامل دارد گرچه شنوایی يكي از آن دو قويتر از ديگري باشد.

ماده ۴۵۰ - هرگاه كسي فاقد حس شنوایی يكي از گوشها باشد كر كردن گوش سالم او نصف ديه دارد.

ماده ۴۵۱ - هرگاه معلوم باشد كه حس شنوایی برنمی گردد يا دو نفر عادل اهل خُبره گواهي دهند كه برنمی گردد ديه مستقر مي شود و اگر اهل خُبره اميد به برگشت آن را پس از گذشت مدت معيني داشته باشد و با گذشتن آن مدت شنوایی برنگردد ديه استقرار پيدا مي كند و اگر شنوایی قبل از دريافت ديه برگردد آرش ثابت

می شود و اگر بعد از دریافت آن برگردد دیه مسترد نمی شود و اگر مجنی علیه قبل از دریافت دیه بمیرد دیه ثابت خواهد بود.

ماده ۴۵۲ - هرگاه با بریدن هر دو گوش، شنوایی از بین برو د دو دیه کامل لازم است و هرگاه با بریدن یک گوش حس شنوایی به طور کلی از بین برو د یک دیه کامل و نصف دیه لازم می شود. اگر با جنایت دیگری حس شنوایی از بین برو د هم دیه جنایت لازم است و هم دیه شنوایی.

تبصره - هرگاه دو نفر عادل اهل خُبره گواهی دهند که شنوایی از بین نرفته و لی در مجرای آن نقصی رخ داده که مانع شنوایی است همان دیه شنوایی ثابت است.

ماده ۴۵۳ - هرگاه کودکی که زبان باز نکرده در اثر کر شدن نتواند سخن بگوید جانی علاوه بر دیه شنوایی به پرداخت آرش محکوم می شود.

ماده ۴۵۴ - هرگاه در اثر جنایتی حس شنوایی و گویایی از بین برو د دو دیه کامل دارد.

ماده ۴۵۵ - اگر کسی سبب پاره شدن پرده گوش دیگری شود محکوم به پرداخت آرش است.

ماده ۴۵۶ - در صورت اختلاف جانی و مجنی علیه هرگاه با نظر خُبره معتمد موضوع روشن نشود مورد از باب لوث است و مجنی علیه با قسامه دیه را دریافت خواهد کرد (۰).

فصل بیست و یکم - دیه بینایی

ماده ۴۵۷ - از بین بردن بینایی هر دو چشم دیه کامل دارد و از بین بردن بینایی یک چشم نصف دیه کامل دارد.

تبصره - فرقی در حکم مذکور بین چشم تیزبین یا لوچ یا شب کور و مانند آن نمی باشد.

ماده ۴۵۸ - هرگاه با کندن حدقه چشم، بینایی از بین برو د دیه آن بیش از دیه کندن حدقه نخواهد بود و اگر در اثر جنایت دیگر مانند شکستن سر، بینایی از بین برو د هم دیه جنایت یا آرش آن لازم است و هم دیه بینایی.

ماده ۴۵۹ - در صورت اختلاف بین جانی و مجنی علیه با گواهی دو مرد خُبره عادل یا یک خُبره مرد و دو زن خُبره عادل به اینکه بینایی از بین رفته و دیگر بر نمی گردد یا اینکه بگویند امید به برگشت آن هست و لی مدت آن را تعیین نکنند دیه ثابت می شود و همچنین اگر برای برگشت آن مدت متعارفی تعیین نمایند و آن مدت سپری شود و بینایی برنگردد دیه ثابت خواهد بود و هرگاه مجنی علیه قبل از سپری شدن مدت تعیین شده بمیرد دیه استقرار می یابد و همچنین اگر دیگری حدقه او را بکند دیه بینایی بر جانی او ل ثابت خواهد بود و هرگاه بینایی برگردد و شخص دیگری آن چشم را بکند، بر جانی او ل فقط آرش لازم می باشد.

ماده ۴۶۰ - هرگاه مجنی علیه مدعی شود که بینایی هر دو چشم یا یک چشم او کم شده به ترتیب با آزمایش و سنجش با همسالان یا با مقایسه با چشم دیگرش به نسبت تفاوت، دیه پرداخت می شود و در صورتی که از طریق آزمایش علم حاصل نشود از طریق قسامه اقدام می شود.

ماده ۴۶۱ - هرگاه مجنی علیه ادعا کند که بینایی او زائل شده و شهادتی از متخصصان در بین نباشد حاکم او را با قسامه سوگند می دهد و به نفع او حکم صادر می کند.

تبصره - قسامه برای کوری دو چشم شش قَسَم و برای کوری یک چشم سه قَسَم و برای کم شدن بینایی به نسبت کم شدن آن می باشد اعم از اینکه مدعی به تنهایی قَسَم یاد کند یا با افراد دیگر.

فصل بیست و دوم - دیه حس بویایی

ماده ۴۶۲ - از بین بردن حس بویایی هر دو مجرای بینی دیه کامل دارد و در صورت از بین بردن بویایی یک مَجْرَى نصف دیه است و قاضی در مورد اخیر قبل از صدور حکم باید به طرفین تکلیف صلح بنماید.

ماده ۴۶۳ - در صورت اختلاف بین جانی و مجنی علیه هرگاه با آزمایش یا با مراجعه به دو متخصص عادل از بین رفتن حس بویایی یا کم شدن آن ثابت نشود با قسامه (طبق تبصره ماده ۴۶۱) به نفع مدعی حکم می شود.

ماده ۴۶۴ - هرگاه حس بویایی قبل از پرداخت دیه برگردد آرش آن پرداخت خواهد شد و اگر بعد از آن برگردد باید مصالحه نمایند و اگر مجنی علیه قبل از سپری شدن مدت انتظار برگشت بویایی بمیرد دیه ثابت می شود.

ماده ۴۶۵ - هرگاه در اثر بریدن بینی حس بویایی از بین برود دو دیه لازم می شود و اگر در اثر جنایت دیگر بویایی از بین رفت دیه جنایت بر دیه بویایی افزوده می شود و اگر آن جنایت دیه نداشته باشد آرش آن بر دیه بویایی اضافه خواهد شد.

فصل بیست و سوم - دیه چشایی

ماده ۴۶۶ - از بین بردن حس چشایی موجب آرش است.

ماده ۴۶۷ - هرگاه با بریدن زبان حس چشایی از بین برود بیش از دیه زبان نخواهد بود و اگر با جنایت دیگری حس چشایی از بین برود دیه یا آرش آن جنایت بر آرش حس چشایی افزوده می گردد.

ماده ۴۶۸ - در صورتی که حس چشایی برگردد آرش مسترد می شود.

ماده ۴۶۹ - اگر با مراجعه به دو نفر کارشناس عادل مقدار جنایت روشن شود طبق آن عمل می شود و گرنه در صورت لوٹ، با قسامه مدعی حسب مورد حکم به نفع او صادر خواهد شد.

فصل بیست و چهارم - دیه صوت و گویایی

ماده ۴۷۰ - از بین بردن صوت شخص به طور کامل که نتواند صدایش را آشکار کند دیه کامل دارد گرچه بتواند با اخفات و آهسته صدایش را برساند.

ماده ۴۷۱ - از بین بردن گویایی به طور کامل که نتواند اصلاً سخن بگوید نیز دیه کامل دارد.

ماده ۴۷۲ - در جنایتی که موجب نقصان صوت شود آرش است.

ماده ۴۷۳ - آرش جنایتی که باعث از بین رفتن صوت نسبت به بعضی از حروف شود باید با مصالحه معلوم گردد.

فصل بیست و پنجم - دیه زوال منافع

ماده ۴۷۴ - جنایتی که موجب سَلْسُ و ریزش ادرار شود به ترتیب زیر آرش دارد:

الف - در صورت دوام آن در کلیه ایام تا پایان هر روز دیه کامل دارد.

ب - در صورت دوام آن در کلیه روزها تا نیمی از هر روز دو ثلث دیه دارد.

ج - در صورت دوام آن در کلیه روزها تا هنگام برآمدن روز ثلث دیه دارد.

تبصره - هرگاه سَلْسُ و ریزش ادرار در بعضی از روزها بود و بعداً خوب شود جریمه آن با نظر حاکم تعیین می شود.

ماده ۴۷۵ - اعمال ارتکابی زیر باعث آرش است:

الف - باعث از بین رفتن انزال شود.

ب - قدرت تولیدِ مِثَل و بارداری را از بین ببرد.

ج - لذت مُقاربت را از بین ببرد.

ماده ۴۷۶ - جنایتی که باعث از بین رفتن توان مُقاربت به طور کامل شود دیه کامل دارد.

ماده ۴۷۷ - در هر جنایتی که موجب زوال یا نقص بعضی از منافع گردد مانند خواب، لمس یا موجب پدید آمدن بعضی از بیماریها شود و دیه آن معین نشده باشد آرَش تعیین می شود().

ماده ۴۷۸ - هرگاه آلت رُجولیت مرد از محل ختنه گاه و یا بیشتر قطع شود دیه کامل دارد و کمتر از ختنه گاه به نسبت مساحت ختنه گاه احتساب می گردد و به همان نسبت از دیه پرداخت خواهد شد.

ماده ۴۷۹ - هرگاه آلت زنانه کلاً قطع شود دیه کامل دارد و هرگاه یک طرف آن قطع شود نصف دیه دارد.

باب دهم - دیه جراحات()

فصل اول - دیه جراحی سر و صورت

ماده ۴۸۰ - دیه جراحی سر و صورت به ترتیب زیر است():

1 - حارِصِه: خراش پوست بدو ن آنکه خون جاری شود، یک شتر.

2 - دامیه: خراشی که از پوست بگذرد و مقدار اندکی و ارد گوشت شود و همراه با جریان خون باشد کم یا زیاد، دو شتر.

3 - مُتَلَا حِمِه: جراحی که موجب بریدگی عمیق گوشت شود لکن به پوست نازک روی استخوان نرسد، سه شتر.

4 - سَمحاق: جراحی که از گوشت بگذرد و به پوست نازک روی استخوان برسد، چهار شتر.

5 - مُوضحه: جراحی که از گوشت بگذرد و پوست نازک روی استخوان را کنار زده و استخوان را آشکار کرده، پنج شتر.

6 - هاشِمِه: عملی که استخوان را بشکند گرچه جراحی را تولید نکرده باشد، ده شتر.

7 - مَنقله: جراحی که درمان آن جز با جابه جا کردن استخوان میسر نباشد، پانزده شتر.

8 - مأمومه: جراحی که به کیسه مغز برسد ثلث دیه کامل و یا ۳۳ شتر دیه دارد.

9 - دامِغِه: جراحی که کیسه مغز را پاره کند غیر از ثلث دیه کامل آرَش بر او افزوده می گردد.

تبصره - دیه جراحات گوش و بینی و لب در حکم جراحات سر و صورت می باشد.

ماده ۴۸۱ - هرگاه یکی از جراحتهای مذکور در بند های ۱ تا ۵ در غیر سر و صورت واقع شود در صورتی که آن عضو دارای دیه معین باشد باید نسبت دیه آن را با دیه کامل سنجید آنگاه به مقدار همان نسبت دیه جراحتهای فوق را که در غیر سر و صورت واقع می شود تعیین گردد و در صورتی که آن عضو دارای دیه معین نباشد دادن آرَش لازم است().

تبصره - جراحات و ارده به گردن در حکم جراحات بدن می باشد().

فصل دوم - دیه جراحی که به درون بدن انسان وارد می شود

ماده ۴۸۲ - دیه جراحی که به درون بدن انسان وارد می شود به ترتیب زیر است():

الف - جائفه (جراحی که با هر وسیله و از هر جهت به شکم یا سینه یا پشت و یا پهلوئی انسان وارد شود ثلث دیه کامل است()).

ب - هرگاه و سیله ای از یک طرف بدن فرو رفته و از طرف دیگر بیرون آمده باشد دو ثلث دیه کامل دارد().

تبصره - و سیله و ارد کننده جراحت اعم از سلاح سرد و گرم است (۱).

فصل سوم - دیه جراحی که در اعضاء انسان فرو می رود

ماده ۴۸۳ - هرگاه نیزه یا گلوله یا مانند آن در دست یا پا فرو رود در صورتی که مجنی علیه مرد باشد دیه آن یکصد دینار و در صورتی که زن باشد دادن آرش لازم است (۱).

باب یازدهم - دیه جنایتی که باعث

تغییر رنگ پوست یا تورم می شود

ماده ۴۸۴ - دیه ضربتی که در اثر آن رنگ پوست متغیر گردد به قرار زیر است (۱):

الف - سیاه شدن صورت بدون جراحت و شکستگی شش دینار.

ب - کبود شدن صورت سه دینار.

ج - سرخ شدن صورت یک دینار و نیم.

د - در سایر اعضاء بدن در صورت سیاه شدن سه دینار و در صورت کبود شدن یک دینار و نیم و در صورت سرخ شدن سه ربع دینار است.

تبصره ۱ - فرقی در حکم مذکور بین زن و مرد و کوچک و بزرگ نیست و همچنین فرقی میان تغییر رنگ تمام صورت یا قسمتی از آن و نیز فرقی بین آنکه اثر جنایت مدتی بماند یا زائل گردد نمی باشد.

تبصره ۲ - جنایتی که باعث تغییر رنگ پوست سر شود دادن آرش لازم است.

ماده ۴۸۵ - جنایتی که موجب تورم شود دادن آرش لازم است و اگر موجب تورم و تغییر رنگ شود آرش آن بر دیه که قبلاً بیان شد افزوده می شود.

ماده ۴۸۶ - دیه فلج کردن هر عضوی که دیه معین دارد دو ثلث دیه همان عضو است و دیه قطع کردن عضو فلج ثلث دیه همان عضو است (۱).

باب دوازدهم - دیه سقط جنین (۲)

(ماده ۴۸۷ - دیه سقط جنین به ترتیب زیر است:

۱ - دیه نطفه که در رحم مستقر شده بیست دینار.

۲ - دیه علقه که خون بسته است چهل دینار.

۳ - دیه مضغه که به صورت گوشت درآمده است شصت دینار.

۴ - دیه جنین در مرحله ای که به صورت استخوان درآمده و هنوز گوشت نرو پیده است هشتاد دینار.

۵ - دیه جنین که گوشت و استخوان بندی آن تمام شده و هنوز روح در آن پیدا نشده یکصد دینار.

تبصره - در مراحل فوق هیچ فرقی بین دختر و پسر نمی باشد.

۶ - دیه جنین که روح در آن پیدا شده است اگر پسر باشد دیه کامل و اگر دختر باشد نصف دیه کامل و اگر مشتبّه باشد سه ربع دیه کامل خواهد بود.

ماده ۴۸۸ - هرگاه در اثر کشتن مادر، جنین بمیرد و یا سقط شود دیه جنین در هر مرحله ای که باشد باید بر دیه مادر افزوده شود (۱).

ماده ۴۸۹ - هرگاه زنی جنین خود را سقط کند دیه آن را در هر مرحله ای که باشد باید بپردازد و خود از آن دیه سهمی نمی برد (۱).

ماده ۴۹۰ - هرگاه چند جنین در یک رحم باشند به عدد هر یک از آنها دیه جداگانه خواهد بود.

ماده ۴۹۱ - ديه اعضاء جنين و جراحات آن به نسبت ديه همان جنين است.

ماده ۴۹۲ - ديه سقط جنين در موارد عمد و شبه عمد بر عهده جاني است و در موارد خطاي محض بر عاقله او ست خواه روح پيدا کرده باشد و خواه نکرده باشد.

ماده ۴۹۳ - اگر در اثر جنایت چیزی از زن ساقط شود که منشاء انسان بودن آن طبق نظر پزشک متخصص ثابت نباشد ديه و آرش ندارد لکن اگر در اثر آن صدمه ای بر مادر و ارد شده باشد بر حسب مورد جاني محکوم به پرداخت ديه یا آرش خواهد بود .

باب سیزدهم - ديه جنایتي که بر مُرده و اقع می شود

ماده ۴۹۴ - ديه جنایتي که بر مُرده مسلمان و اقع می شود به ترتیب زیر است():

الف - بریدن سر یکصد دینار .

ب - بریدن هر دو دست یا هر دو پا یکصد دینار و بریدن یک دست یا یک پا پنجاه دینار و بریدن یک انگشت از دست یا یک انگشت از پا ده دینار و قطع یا نقص سایر اعضاء و جوارح به همین نسبت ملحوظ می گردد().

تبصره - ديه مذکور در این ماده به عنوان میراث به و رثه نمی رسد بلکه مال خود میت محسوب شده و بدهی او از آن پرداخت می گردد و در راههای خیر صرف می شود().

ماده ۴۹۵ - در کلیه مواردی که به موجب مقررات این قانون آرش منظور گردیده با در نظر گرفتن ديه کامله انسان و نوع و کیفیت جنایت میزان خسارت و ارده طبق نظر کارشناس تعیین می شود().

ماده ۴۹۶ - در این قانون مواردی از دیات که ديه بر حسب دینار یا شتر تعیین شده است شتر و دینار موضوعیت ندارد و منظور نسبت مشخص از ديه کامله است و جاني در انتخاب نوع آن مخیر می باشد().

ماده ۴۹۷ - کلیه قوانینی که با این قانون مغایر باشند ملغی است().

کتاب پنجم - قانون مجازات اسلامی ()

(تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده)

فصل اول - جرائم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور()

ماده ۴۹۸ - هرکس با هر مرامی، دسته، جمعیت یا شعبه جمعیتی بیش از دو نفر() در داخل یا خارج از کشور تحت هر اسم یا عنوانی تشکیل دهد یا اداره نماید که هدف آن برهم زدن امنیت کشور باشد و مُحارب شناخته نشود به حبس از دو تا ده سال محکوم می شود.

ماده ۴۹۹ - هرکس در یکی از دسته ها یا جمعیتها یا شعب جمعیتها مذکور در ماده (۴۹۸) عضویت یابد به سه ماه تا پنج سال حبس محکوم می گردد مگر اینکه ثابت شود از اهداف آن بی اطلاع بوده است.

ماده ۵۰۰ - هرکس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروهها و سازمانهای مخالف نظام به هر نحو فعالیت تبلیغی نماید به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.

ماده ۵۰۱ - هرکس نقشه ها یا اسرار یا اسناد و تصمیمات راجع به سیاست داخلی یا خارجی کشور را عالمأ و عامداً در اختیار افرادی که صلاحیت دسترسی به آنها را ندارند قرار دهد یا از مفاد آن مطلع کند به نحوی که متضمن نوعی جاسوسی باشد، نظر به کیفیات و مراتب جرم به یک تا ده سال حبس محکوم می شود.

ماده ۵۰۲ - هرکس به نفع یک دولت بیگانه و به ضرر دولت بیگانه دیگر در قلمرو ایران مرتکب یکی از جرائم جاسوسی() شود به نحوی که به امنیت ملی صدمه و ارد نماید به یک تا پنج سال حبس محکوم خواهد شد.

ماده ۵۰۳ - هرکس به قصد سرقت یا نقشه برداری یا کسب اطلاع از اسرار سیاسی یا نظامی یا امنیتی به مواضع مربوطه داخل شود و همچنین اشخاصی که بدون اجازه مأمورین یا مقامات ذی صلاح در حال نقشه برداری یا گرفتن فیلم یا عکسبرداری از استحکامات نظامی یا اماکن ممنوعه دستگیر شوند به شش ماه تا سه سال حبس محکوم می شوند.

ماده ۵۰۴ - هرکس نیروهای رزمنده یا اشخاصی را که به نحوی در خدمت نیروهای مسلح هستند تحریک مؤثر به عصیان، فرار، تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی کند در صورتی که قصد براندازی حکومت یا شکست نیروهای خودی در مقابل دشمن را داشته باشد محارب محسوب می شود و الا چنانچه اقدامات وی مؤثر واقع شود به حبس از دو تا ده سال و در غیر این صورت به شش ماه تا سه سال حبس محکوم می شود.

ماده ۵۰۵ - هرکس با هدف برهم زدن امنیت کشور به هر وسیله اطلاعات طبقه بندی شده را با پوشش مسوولین نظام یا مأمورین دولت یا به نحو دیگر جمع آوری کند چنانچه بخواهد آن را در اختیار دیگران قرار دهد و موفق به انجام آن شود به حبس از دو تا ده سال و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم می شود.

ماده ۵۰۶ - چنانچه مأمورین دولتی که مسوول امور حفاظتی و اطلاعاتی طبقه بندی شده می باشند و به آنها آموزش لازم داده شده است در اثر بی مبالاتی و عدم رعایت اصول حفاظتی توسط دشمنان تخلیه اطلاعاتی شوند به یک تا شش ماه حبس محکوم می شوند.

ماده ۵۰۷ - هرکس داخل دستجات مفسدین یا اشخاصی که علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور اقدام می کنند بوده و ریاست یا مرکزیتی نداشته باشد و قبل از تعقیب، قصد جنایت و اسامی اشخاصی را که در فتنه و فساد دخیل هستند به مأمورین دولتی اطلاع دهد و یا پس از شروع به تعقیب با مأمورین دولتی همکاری مؤثری به عمل آورد از مجازات معاف و در صورتی که شخصاً مرتکب جرم دیگری شده باشد فقط به مجازات آن جرم محکوم خواهد شد.

ماده ۵۰۸ - هرکس یا گروهی با دول خارجی متخاصم به هر نحو علیه جمهوری اسلامی ایران همکاری نماید، در صورتی که محارب شناخته نشود به یک تا ده سال حبس محکوم می گردد.

ماده ۵۰۹ - هرکس در زمان جنگ مرتکب یکی از جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی موضوع این فصل شود به مجازات اشد همان جرم محکوم می گردد.

ماده ۵۱۰ - هرکس به قصد برهم زدن امنیت ملی یا کمک به دشمن، جاسوسانی را که مأمور تفتیش یا اردکردن هرگونه لطمه به کشور بوده اند شناخته و مخفی نماید یا سبب اخفاء آنها بشود به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می شود.

تبصره - هرکس بدون آنکه جاسوسی کند و یا جاسوسان را مخفی نماید، افرادی را به هر نحو شناسایی و جذب نموده و جهت جاسوسی علیه امنیت کشور به دولت خصم یا کشورهای بیگانه معرفی نماید به شش ماه تا دو سال حبس محکوم می شود.

ماده ۵۱۱ - هرکس به قصد برهم زدن امنیت کشور و تشویش اذهان عمومی تهدید به بمب گذاری هواپیما، کشتی و وسائل نقلیه عمومی نماید یا ادعا نماید که وسائل مزبور بمب گذاری شده است علاوه بر جبران خسارات و ارده به دولت و اشخاص به شش ماه تا دو سال حبس محکوم می گردد.

ماده ۵۱۲ - هرکس مردم را به قصد برهم زدن امنیت کشور به جنگ و کشتار با یکدیگر اغوا یا تحریک کند صرفنظر از اینکه موجب قتل و غارت بشود یا نشود به یک تا پنج سال حبس محکوم می گردد.
تبصره - در مواردی که احراز شود متهم قبل از دستیابی نظام توبه کرده باشد(مشمول مواد ۵۰۸، ۵۰۹ و ۵۱۲ نمی شود .

فصل دوم - اهانت به مقدسات مذهبی() و سوء قصد به مقامات داخلی
() ماده ۵۱۳ - هرکس به مقدسات اسلام و یا هر یک از انبیاء عظام(۳) یا ائمه طاهرین(ع) یا حضرت صدیقه طاهره (س) اهانت نماید اگر مشمول حکم سابق النبی باشد اعدام می شود و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد.

ماده ۵۱۴ - هرکس به حضرت امام خمینی، بنیانگذار جمهوری اسلامی رضوان ... علیه و مقام معظم رهبری به نحوی از انحاء اهانت نماید به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

ماده ۵۱۵ - هرکس به جان رهبر و هر یک از رؤسای قوای سه گانه و مراجع بزرگ تقلید، سوء قصد نماید چنانچه مُحارب شناخته نشود به حبس از سه تا ده سال محکوم خواهد شد.

فصل سوم - سوء قصد به مقامات سیاسی خارجی

ماده ۵۱۶ - هرکس به جان رئیس کشور خارجی یا نماینده سیاسی آن در قلمرو ایران سوء قصد نماید به مجازات مذکور در ماده (۵۱۵) محکوم می شود مشروط به اینکه در آن کشور نیز نسبت به ایران معامله متقابل بشود و الا اگر مجازات خفیف تر اعمال گردد به همان مجازات محکوم می شود.

تبصره - چنانچه سوء قصد منتهی به قتل یا جرح یا ضرب شود علاوه بر مجازات مزبور به قصاص یا دیه مطابق ضوابط و مقررات مربوط محکوم خواهد شد.

ماده ۵۱۷ - هرکس علناً نسبت به رئیس کشور خارجی یا نماینده سیاسی آن که در قلمرو خاک ایران و ارد شده است توهین نماید به یک تا سه ماه حبس محکوم می شود مشروط به اینکه در آن کشور نیز در مورد مذکور نسبت به ایران معامله متقابل بشود.

تبصره - اعمال مواد این فصل منوط به تقاضای دو لت مربوطه یا نماینده سیاسی آن دو لت یا مطالبه مجنی علیه یا ولی او است و در صورت استرداد تقاضا تعقیب جزائی نیز موقوف خواهد شد.

فصل چهارم - تهیه و ترویج سکه قلب

ماده ۵۱۸ - هرکس شبیه هر نوع مسکوک طلا یا نقره داخلی یا خارجی از قبیل سکه بهار آزادی، سکه های حکومتهای قبلی ایران، لیره و نظایر آن را از پولها و ارزهای دیگر که مورد معامله و اقع می شود، بسازد یا عالمماً داخل کشور نماید یا مورد خرید و فروش قرار دهد یا ترویج سکه قلب نماید به حبس از یک تا ده سال محکوم می شود().

ماده ۵۱۹ - هرکس به قصد تقلب به هر نحو از قبیل تراشیدن، بریدن و نظایر آن از مقدار مسکوکات طلا یا نقره ایرانی یا خارجی بکاهد یا عالمماً عامداً در ترویج این قبیل مسکوکات شرکت یا آن را داخل کشور نماید به حبس از یک تا سه سال محکوم می شود.

ماده ۵۲۰ - هرکس شبیه مسکوکات رایج داخلی یا خارجی غیر از طلا و نقره را بسازد یا عالمماً عامداً آنها را داخل کشور نماید یا در ترویج آنها شرکت کند یا مورد خرید و فروش قرار دهد به حبس از یک تا سه سال محکوم می شود.

ماده ۵۲۱ - هرگاه اشخاصی که مرتکب جرائم مذکور در مواد (۵۱۸) و (۵۱۹) و (۵۲۰) می شوند قبل از کشف قضیه، مأ مورین تعقیب را از ارتکاب جرم مطلع نمایند یا در ضمن تعقیب به واسطه اقرار خود موجبات تسهیل تعقیب سایرین را فراهم آورند یا مأ مورین دو لت را به نحو مؤثری در کشف جرم کمک و راهنمایی کنند بنا به پیشنهاد رئیس حوزه قضائی مربوط و موافقت دادگاه و یا با تشخیص دادگاه در مجازات آنان تخفیف متناسب داده می شود و حسب مورد از مجازات حبس معاف می شوند مگر آنکه احراز شود قبل از دستگیری توبه کرده اند که در این صورت از کلیه مجازاتهای مذکور معاف خواهند شد.

ماده ۵۲۲ - علاوه بر مجازاتهای مقرر در مواد (۵۱۸)، (۵۱۹) و (۵۲۰) کلیه اموال تحصیلی از طریق موارد مذکور نیز به عنوان تعزیر به نفع دولت ضبط می شود.

فصل پنجم - جعل و تزویر (۱)

(ماده ۵۲۳ - جعل و تزویر (۲) عبارتند از: ساختن نوشته (۳) یا سند (۴) یا ساختن مهر (۱) یا امضاء اشخاص رسمی یا غیررسمی، خراشیدن یا تراشیدن یا قلم بردن یا الحاق (۲) یا محو یا اثبات (۳) یا سیاه کردن یا تقدیم یا تأخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی یا الصاق نوشته ای به نوشته دیگر یا به کاربردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن و نظائر اینها به قصد تقلب (۴).)

ماده ۵۲۴ - هرکس احکام یا امضاء یا مهر یا فرمان یا دستخط مقام رهبری و یا رؤسای سه قوه را به اعتبار مقام آنان جعل کند یا با علم به جعل یا تزویر استعمال نماید (۱) به حبس از سه تا پانزده سال محکوم خواهد شد.

ماده ۵۲۵ - هرکس یکی از اشیاء ذیل را جعل کند یا با علم به جعل یا تزویر استعمال (۱) کند یا داخل کشور نماید علاوه بر جبران خسارت و ارده به حبس از یک تا ده سال محکوم خواهد شد:

۱ - احکام یا امضاء یا مهر یا دستخط معاون اول رئیس جمهور یا وزراء یا مهر یا امضاء اعضاء شورای نگهبان یا نمایندگان مجلس شورای اسلامی یا مجلس خبرگان یا قضات یا یکی از رؤسا یا کارمندان و مسؤو لین دولتی از حیث مقام رسمی آنان.

۲ - مهر یا تمبر یا علامت یکی از شرکتهای یا مؤسسات یا ادارات دولتی یا نهادهای انقلاب اسلامی (۱).

۳ - احکام دادگاهها یا اسناد یا حواله های صادره از خزانه دولتی.

۴ - منگنه یا علامتی که برای تعیین عیار طلا یا نقره به کار می رود.

۵ - اسکناس رایج داخلی یا خارجی (۱) یا اسناد بانکی نظیر براتهای قبول شده از طرف بانکها یا چکهای صادره از طرف بانکها و سایر اسناد تعهدآور بانکی (۱).

تبصره - هرکس عمداً و بدون داشتن مستندات و مجوز رسمی داخلی و بین المللی و به منظور إلقاء شبهه در کیفیت تولیدات و خدمات از نام و علائم استاندارد ملی (۱) یا بین المللی استفاده نماید به حداکثر مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهد شد.

ماده ۵۲۶ - هرکس اسکناس رایج داخلی یا خارجی یا اسناد بانکی نظیر براتهای قبول شده از طرف بانکها یا چکهای صادره از طرف بانکها و سایر اسناد تعهدآور بانکی (۱) و نیز اسناد یا اوراق بهادار یا حواله های صادره از خزانه را به قصد إخلال در وضع پولی یا بانکی یا اقتصادی یا برهم زدن نظام و امنیت سیاسی و اجتماعی جعل یا وارد کشور نماید یا با علم به مجعول بودن استفاده کند چنانچه مفسد و محارب شناخته نشود به حبس از پنج تا بیست سال محکوم می شود (۱).

ماده ۵۲۷ - هرکس مدارک اشتغال به تحصیل یا فارغ التحصیلی یا تأییدیه یا ریز نمرات تحصیلی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی داخل یا خارج از کشور یا ارزشنامه های تحصیلات خارجی را جعل کند یا با علم به جعلی بودن آن را مورد استفاده قرار دهد علاوه بر جبران خسارت، به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد.

در صورتی که مرتکب، یکی از کارکنان و زارتخانه ها یا سازمانها و مؤسسات و ابسته به دولت یا شهرداریها یا نهادهای انقلاب اسلامی باشد یا به نحوی از انحاء در امر جعل یا استفاده از مدارک و اوراق جعلی شرکت داشته باشد به حداکثر مجازات محکوم می گردد.

ماده ۵۲۸ - هرکس مهر یا منگنه یا علامت یکی از ادارات یا مؤسسات یا نهادهای عمومی غیردولتی (مانند شهرداریها را جعل کند یا با علم به جعل استعمال نماید)(۴) علاوه بر جبران خسارت و ارده به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.(۱)

ماده ۵۲۹ - هرکس مهر یا منگنه یا علامت یکی از شرکتهای غیردولتی که مطابق قانون تشکیل شده است یا یکی از تجارتخانه ها را جعل کند یا با علم به جعل استعمال نماید علاوه بر جبران خسارت و ارده به حبس از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

ماده ۵۳۰ - هرکس مهر یا تمبر یا علامت ادارات یا شرکتهای یا تجارتخانه های مذکور در مواد قبل را بدون مجوز به دست آورد و به طریقی که به حقوق و منافع آنها ضرر وارد آورد استعمال کند یا سبب استعمال آن گردد علاوه بر جبران خسارت و ارده به دو ماه تا دو سال حبس محکوم خواهد شد.

ماده ۵۳۱ - اشخاصی که مرتکب جرائم مذکور در مواد قبل شده اند هرگاه قبل از تعقیب به دولت اطلاع دهند و سایر مرتکبین را در صورت بودن معرفی کنند یا بعد از تعقیب وسائل دستگیری آنها را فراهم نمایند حسب مورد در مجازات آنان تخفیف داده می شود و یا از مجازات معاف خواهند شد.

ماده ۵۳۲ - هر یک از کارمندان و مسؤولان دولتی که در اجرای وظیفه خود در احکام و تقریرات و نوشته ها و اسناد و سجلات و دفاتر و غیر آنها از نوشته ها و اوراق رسمی تزویر کند اعم از این که امضاء یا مهری را ساخته یا امضاء یا مهر یا خطوط را تحریف کرده یا کلمه ای الحاق کند یا اسامی اشخاص را تغییر دهد علاوه بر مجازاتهای اداری و جبران خسارت و ارده به حبس از یک تا پنج سال یا به پرداخت شش تا سی میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.(۱)

ماده ۵۳۳ - اشخاصی که کارمند یا مسؤول دولتی نیستند هرگاه مرتکب یکی از جرائم مذکور در ماده قبل شوند علاوه بر جبران خسارت و ارده به حبس از شش ماه تا سه سال یا سه تا هجده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.(۱)

ماده ۵۳۴ - هر یک از کارکنان ادارات دولتی و مراجع قضائی و مأمورین به خدمات عمومی (که در تحریر نوشته ها و قراردادهای راجع به و وظائفشان مرتکب جعل و تزویر شوند اعم از اینکه موضوع یا مضمون آن را تغییر دهند یا گفته و نوشته یکی از مقامات رسمی، مهر یا تقریرات یکی از طرفین را تحریف کنند یا امر باطلی را صحیح یا صحیحی را باطل یا چیزی را که بدان اقرار نشده است اقرار شده جلوه دهند علاوه بر مجازاتهای اداری و جبران خسارت و ارده به حبس از یک تا پنج سال یا شش تا سی میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.

ماده ۵۳۵ - هرکس او راق مجعول مذکور در مواد (۵۳۲)، (۵۳۳) و (۵۳۴) را با علم به جَعَل و تَزو یر مورد استفاده قرار دهد علاوه بر جبران خسارت و ارده به حبس از شش ماه تا سه سال یا به سه تا هجده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

ماده ۵۳۶ - هرکس در اسناد یا نوشته های غیررسمی جَعَل یا تَزو یر کند یا با علم به جَعَل و تَزو یر آنها را مورد استفاده قرار دهد علاوه بر جبران خسارت و ارده به حبس از شش ماه تا دو سال یا به سه تا دو ازنه میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

ماده ۵۳۷ - عکسبرداری از کارت شناسایی، او راق هویت شخصی و مدارک دولتی و عمومی و سایر مدارک مشابه در صورتی که موجب اشتباه با اصل شود باید ممهور به مَهر یا علامتی باشد که نشان دهد آن مدارک رو نوشت یا عکس می باشد، در غیر این صورت عمل فوق جَعَل محسوب می شود و تهیه کنندگان اینگونه مدارک و استفاده کنندگان از آنها به جای اصلی عالماً عامداً علاوه بر جبران خسارت به حبس از شش ماه تا دو سال و یا به سه تا دو ازنه میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.

ماده ۵۳۸ - هرکس شخصاً یا توسط دیگری برای معافیت خود یا شخص دیگری از خدمت دولت یا نظام و وظیفه یا برای تقدیم به دادگاه گواهی پزشکی به اسم طبیب جَعَل کند به حبس از شش ماه تا یک سال یا به سه تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

ماده ۵۳۹ - هرگاه طبیب تصدیق نامه برخلاف واقع درباره شخصی برای معافیت از خدمت در ادارات رسمی یا نظام و وظیفه یا برای تقدیم به مراجع قضائی (بدهد به حبس از شش ماه تا دو سال یا به سه تا دو ازنه میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد) و هرگاه تصدیقنامه مزبور به واسطه اخذ مال یا وجهی انجام گرفته علاوه بر استرداد و ضبط آن به عنوان جریمه، به مجازات مقرر برای رشوه گیرنده محکوم می گردد.

ماده ۵۴۰ - برای سایر تصدیق نامه های خلاف (و واقع که موجب ضرر شخص ثالثی باشد یا آن که خسارتی بر خزانه دولت و اردو و ارتداد و مرتکب علاوه بر جبران خسارت و ارده به شلاق تا (۷۴) ضربه یا به دو یست هزار تا دو میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد).

ماده ۵۴۱ - هرکس به جای داو طلب اصلی هر یک از آزمونها اعم از کنکور و روی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی، دانشسراها، مراکز تربیت معلم، اعزام دانشجوی به خارج از کشور یا امتحانات داخلی و نهایی و احدهای مزبور یا امتحانات دبیرستانها، مدارس راهنمایی و هنرستانها و غیره در جلسه امتحان شرکت نماید حسب مورد مرتکب و داو طلب علاوه بر مجازات اداری و انتظامی به دو یست هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

ماده ۵۴۲ - مجازات شروع به جَعَل و تَزو یر در این فصل حداقل مجازات تعیین شده همان مورد خواهد بود. فصل ششم - محو یا شکستن مَهر و پلمپ (و سرقت نوشته ها از اماکن دولتی

ماده ۵۴۳ - هرگاه محلی یا چیزی بر حسب امر مقامات صالح رسمی مَهر یا پلمپ (شده باشد و کسی عالماً و عامداً آنها را بشکند یا محو نماید یا عملی مرتکب شود که در حکم محو یا شکستن پلمپ تلقی شود مرتکب به حبس از سه ماه) تا دو سال محکوم خواهد شد. در صورتی که مستحفظ آن مرتکب شده باشد به حبس از یک تا دو سال محکوم می شود و اگر ارتکاب به واسطه اِهمال مستحفظ واقع گردد مجازات مستحفظ یک تا شش ماه حبس یا حداکثر (۷۴) ضربه شلاق خواهد بود.

ماده ۵۴۴ - هرگاه بعضی یا کل نوشته‌ها یا اسناد یا او راق یا دفاتر یا مطالبی که در دفاتر ثبت و ضبط دولتی مندرج یا در اماکن دولتی محفوظ یا نزد اشخاصی که رسماً مأمور حفظ آنها هستند سپرده شده باشد، ربوده یا تخریب یا برخلاف مقررات معدوم شود دفتردار و مباشر ثبت و ضبط اسناد مذکور و سایر اشخاص که به واسطه اهمال آنها جرم مذکور و وقوع یافته است، به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهند شد.

ماده ۵۴۵ - مرتکبین هر یک از انواع و اقسام جرمهای مشروح در ماده فوق به حبس از سه تا شش سال محکوم خواهند گردید و اگر امانتدار یا مستحفظ مرتکب یکی از جرائم فوق الذکر شود به سه تا ده سال حبس محکوم خواهد شد.

ماده ۵۴۶ - در صورتی که مرتکب به عنف مَهر یا پلمپ را محو نماید یا بشکند یا عملی مرتکب شود که در حکم محو یا شکستن پلمپ تلقی شود یا نوشته یا اسناد را برآید یا معدوم کند حسب مورد به حداکثر مجازاتهای مقرر در مواد قبل محکوم خواهد شد و این مجازات مانع از اجرای مجازات جرائمی که از قهر و تشدد حاصل شده است نخواهد بود.

فصل هفتم - فرار محبوسین قانونی و اخفاء مقصرین

ماده ۵۴۷ - هر زندانی که از زندان یا بازداشتگاه (فرار نماید به شلاق تا (۷۴) ضربه یا سه تا شش ماه حبس محکوم می‌شود) و اگر برای فرار درب زندان را شکسته یا آن را خراب کرده باشد، علاوه بر تأمین خسارت و ارده به هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

تبصره - زندانیانی که مطابق آیین نامه زندانها به مرخصی رفته و خود را در موعد مقرر بدون عذر موجه معرفی نمایند فراری محسوب و به مجازات فوق محکوم می‌گردند.

ماده ۵۴۸ - هرگاه مأموری که موظف به حفظ یا ملازمت یا مراقبت متهم یا فرد زندانی بوده در انجام وظیفه مُسامحه و اهمالی نماید که منجر به فرار وی شود به شش ماه تا سه سال حبس یا جزای نقدی از سه تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.

ماده ۵۴۹ - هرکسی که مأمور حفظ یا مراقبت یا ملازمت زندانی یا توقیف شده‌ای باشد و مُساعدت در فرار نماید یا راه فرار او را تسهیل کند یا برای فرار وی تبانی و مواضع نماید به ترتیب ذیل مجازات خواهد شد:
الف - اگر توقیف شده متهم به جرمی باشد که مجازات آن اعدام یا رجم یا صلب است و یا زندانی به یکی از این مجازاتها محکوم شده باشد به سه تا ده سال حبس و اگر محکومیت محکوم علیه حبس از ده سال به بالا باشد و یا توقیف شده متهم به جرمی باشد که مجازات آن حبس از ده سال به بالاست به یک تا پنج سال حبس و چنانچه محکومیت زندانی و یا اتهام توقیف شده غیر از موارد فوق الذکر باشد به شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد.

ب - اگر زندانی محکوم به قصاص یا توقیف شده متهم به قتل مُستوجب قصاص باشد عامل فرار موظف به تحویل دادن وی می‌باشد و در صورت عدم تحویل، زندانی می‌شود و تا تحویل وی در زندان باقی می‌ماند و چنانچه متهم غیباً محاکمه و برائت حاصل کند و یا قتل شبه عمد یا خطئی تشخیص داده شود عامل فرار به مجازات تعیین شده در ذیل بند (الف) محکوم خواهد شد و اگر فراری فوت کند و یا تحویل وی ممتنع شود چنانچه محکوم به قصاص باشد فراری دهنده به پرداخت دیه به او لیاقت دم مقتول محکوم خواهد شد.

ج - اگر متهم یا محکومی که فرار کرده محکوم به امر مالی یا دیه باشد عامل فرار علاوه بر مجازات تعیین شده در ذیل بند (الف) ضامن پرداخت دیه و مال محکوم به نیز خواهد بود.

ماده ۵۵۰ - هر یک از مستخدمین و مأ مورین دو لتی که طبق قانون مأ مور دستگیری کسی بوده و در اجرای وظیفه دستگیری مُسامحه و اِهمال کرده باشد به پرداخت یکصد هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد و چنانچه مُسامحه و اِهمال به قصد مُساعدت بوده که منجر به فرار وی شده باشد علاوه بر مجازات مذکور به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می شود.

ماده ۵۵۱ - اگر عامل فرار از مأ مورین مذکور در ماده (۵۴۹) نباشد و عامداً موجبات فرار اشخاصی که قانوناً زندانی یا دستگیر شده اند را فراهم آورد به طریق ذیل مجازات خواهد شد:

الف - چنانچه زندانی محکوم به اعدام یا حبس دائم یا رَجْم یا صَلْب بوده مجازات او یک تا سه سال حبس و اگر زندانی متهم به جرمی بوده که مجازات آن اعدام یا رَجْم یا صَلْب است مجازات از شش ماه تا دو سال حبس و چنانچه محکومیت زندانی و یا مجازات قانونی توقیف شده غیر از موارد فوق الذکر باشد مجازات او سه ماه تا یک سال حبس خواهد بود.

ب - اگر زندانی محکوم به قصاص باشد عامل فرار موظف به تحویل دادن وی می باشد و در صورت عدم تحویل زندانی می شود و تا تحویل وی در زندان باقی می ماند. چنانچه فراری فوت کند و یا تحویل وی ممتنع شود فراری دهنده به پرداخت دیه به او لیا دم مقتول محکوم خواهد شد.

ماده ۵۵۲ - هرکس به شخص زندانی یا توقیف شده برای مُساعدت به فرار اسلحه() بدهد به حبس از دو تا پنج سال محکوم می شود.

ماده ۵۵۳ - هرکس شخصی را که قانوناً دستگیر شده و فرار کرده یا کسی را که متهم است به ارتکاب جرمی و قانوناً امر به دستگیری او شده است مخفی کند یا وسائل فرار او را فراهم کند به ترتیب ذیل مجازات خواهد شد: چنانچه کسی که فرار کرده محکوم به اعدام یا رَجْم یا صَلْب یا قصاص نفس و اطراف و یا قطع ید بوده مجازات مخفی کننده یا کمک کننده او در فرار، حبس از یک تا سه سال است و اگر محکوم به حبس دائم یا متهم به جرمی بوده که مجازات آن اعدام یا صَلْب است محکوم به شش ماه تا دو سال حبس خواهد شد و در سایر حالات مجازات مرتکب یک ماه تا یک سال حبس خواهد بود.

تبصره - در صورتی که اِحراز شود فرد فراری دهنده یا مخفی کننده یقین به بی گناهی فرد متهم یا زندانی داشته و در دادگاه نیز ثابت شود از مجازات معاف خواهد شد.

ماده ۵۵۴ - هرکس از وقوع جرمی مطلع شده و برای خلاصی مجرم از محاکمه و محکومیت مُساعدت کند از قبیل اینکه برای او منزل تهیه کند یا ادله جرم را مخفی نماید یا برای تبرئه مجرم ادله جعلی ابراز کند حسب مورد به یک تا سه سال حبس محکوم خواهد شد.

تبصره - در موارد مذکور در ماده (۵۵۳) و این ماده در صورتی که مرتکب از اقارب درجه اول () متهم باشد مقدار مجازات در هر مورد از نصف حداکثر تعیین شده بیشتر نخواهد بود.

فصل هشتم - عَصَب عناوین و مشاغل

ماده ۵۵۵ - هرکس بدون سمت رسمی یا اذن از طرف دولت خود را در مشاغل دولتی اعم از کشوری یا لشگری و انتظامی که از نظر قانون مربوط به او نبوده است دخالت دهد یا معرفی نماید به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد و چنانچه برای دخالت یا معرفی خود در مشاغل مزبور، سندی جعل کرده باشد، مجازات جعل را نیز خواهد داشت ().

ماده ۵۵۶ - هرکس بدون مجوز و به صورت علنی لباسهای رسمی مأ موران نظامی یا انتظامی جمهوری اسلامی ایران یا نشانها، مدالها یا سایر امتیازات دولتی را بدو تغییر یا با تغییر جزئی که موجب اشتباه شود مورد استفاده قرار دهد در صورتی که عمل او به موجب قانون دیگری مستلزم مجازات شدیدتری نباشد به حبس از سه ماه تا یک سال و یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال محکوم خواهد شد.

و در صورتی که از این عمل خود سوء استفاده کرده باشد به هر دو مجازات محکوم خواهد شد.
تبصره - استفاده از البسه و اشیاء مذکور در این ماده در اجرای هنرهای نمایشی مشمول مقررات این ماده نخواهد بود.

ماده ۵۵۷ - هرکس علنی و به صورت غیرمجاز لباسهای رسمی یا متحدالشکل مأ موران کشورهای بیگانه یا نشانها یا مدالها یا سایر امتیازات دولتهای خارجی در ایران را مورد استفاده قرار دهد به شرط معامله متقابل و یا در صورتی که موجب اختلال در نظم عمومی (۱) گردد مشمول مقررات ماده فوق است .
فصل نهم - تخریب اموال تاریخی، فرهنگی (۲)

(ماده ۵۵۸ - هرکس به تمام یا قسمتی از ابنیه، اماکن، محوطه ها و مجموعه های فرهنگی - تاریخی یا مذهبی که در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است، یا تزئینات، ملحقات، تأسیسات، اشیاء و لوازم و خطوط و نقوش منصوب یا موجود در اماکن مذکور، که مستقلاً نیز واجد حیثیت فرهنگی - تاریخی یا مذهبی باشد، خرابی و آرد و علاوه بر جبران خسارات و آرده به حبس از یک الی ده سال محکوم می شود.

ماده ۵۵۹ - هرکس اشیاء و لوازم و همچنین مصالح و قطعات آثار فرهنگی - تاریخی را از موزه ها و نمایشگاهها، اماکن تاریخی و مذهبی و سایر اماکن که تحت حفاظت یا نظارت دولت است سرقت کند یا با علم به مسروقه بودن، اشیاء مذکور را بخرد یا پنهان دارد در صورتی که مشمول مجازات حدسرت نگرده علاوه بر استرداد آن به حبس از یک تا پنج سال محکوم می شود.

ماده ۵۶۰ - هرکس بدون اجازه از سازمان میراث فرهنگی کشور (۱)، یا با تخلف از ضوابط مصوب و اعلام شده از سوی سازمان مذکور در حریم آثار فرهنگی - تاریخی مذکور در این ماده مبادرت به عملیاتی نماید که سبب تزلزل بنیان آنها شود، یا در نتیجه آن عملیات به آثار و بناهای مذکور خرابی یا لطمه و آرد آید، علاوه بر رفع آثار تخلف و پرداخت خسارات و آرده به حبس از یک تا سه سال محکوم می شود (۲).

ماده ۵۶۱ - هرگونه اقدام به خارج کردن اموال تاریخی - فرهنگی از کشور هرچند به خارج کردن آن نینجامد قاچاق محسوب و مرتکب علاوه بر استرداد اموال به حبس از یک تا سه سال و پرداخت جریمه معادل دو برابر قیمت اموال موضوع قاچاق محکوم می گردد (۳).

تبصره - تشخیص ماهیت تاریخی - فرهنگی به عهده سازمان میراث فرهنگی کشور می باشد.
ماده ۵۶۲ - هرگونه حفاری و کاوش (۱) به قصد به دست آوردن اموال تاریخی - فرهنگی ممنوع بوده و مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال و ضبط اشیاء مکشوفه به نفع سازمان میراث فرهنگی کشور و آلات و ادوات حفاری (۲) به نفع دولت محکوم می شود. چنانچه حفاری در اماکن و محوطه های تاریخی که در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است، یا در بقاع متبرکه و اماکن مذهبی صورت گیرد علاوه بر ضبط اشیاء مکشوفه و آلات و ادوات حفاری مرتکب به حداکثر مجازات مقرر محکوم می شود.

تبصره ۱ - هرکس اموال تاریخی - فرهنگی موضوع این ماده را حسب تصادف به دست آورد و طبق مقررات سازمان میراث فرهنگی کشور نسبت به تحویل آن اقدام ننماید به ضبط اموال مکشوفه محکوم می گردد.

تبصره ۲ - خرید و فروش (اموال تاریخی - فرهنگی حاصله از حفاری غیرمجاز ممنوع است و خریدار و فروشنده علاوه بر ضبط اموال فرهنگی مذکور، به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می شوند. هرگاه فروش اموال مذکور تحت هر عنوان از عنوانین به طور مستقیم یا غیرمستقیم به اتباع خارجی صورت گیرد، مرتکب به حداکثر مجازات مقرر محکوم می شود.

ماده ۵۶۳ - هرکس به اراضی و تپه ها و اماکن تاریخی و مذهبی که به ثبت آثار ملی رسیده و مالک خصوصی نداشته باشد تجاوز کند به شش ماه تا دو سال حبس محکوم می شود مشروط بر آنکه سازمان میراث فرهنگی کشور قبلاً حدود مشخصات این قبیل اماکن و مناطق را در محل تعیین و علامتگذاری کرده باشد.

ماده ۵۶۴ - هرکس بدون اجازه سازمان میراث فرهنگی و برخلاف ضوابط مصوب اعلام شده از سوی سازمان مذکور به مرمت یا تعمیر، تغییر، تجدید و توسعه ابنیه یا تزئینات اماکن فرهنگی - تاریخی ثبت شده در فهرست آثار ملی مبادرت نماید، به حبس از شش ماه تا دو سال و پرداخت خسارت و ارده محکوم می گردد.

ماده ۵۶۵ - هرکس برخلاف ترتیب مقرر در قانون حفظ آثار ملی اموال فرهنگی - تاریخی غیرمنقول ثبت شده در فهرست آثار ملی را با علم و اطلاع از ثبت آن به نحوی به دیگران انتقال دهد به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم می شود.

ماده ۵۶۶ - هرکس نسبت به تغییر نحوه استفاده از ابنیه، اماکن و محوطه های مذهبی - فرهنگی و تاریخی که در فهرست آثار ملی ثبت شده اند، برخلاف شئونات اثر و بدون مجوز از سوی سازمان میراث فرهنگی کشور، اقدام نماید علاوه بر رفع آثار تخلف و جبران خسارت و ارده به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم می شود.

ماده ۵۶۶ مکرر (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۲۶) - هرکس نمونه تقلبی آثار فرهنگی - تاریخی اعم از ایرانی و خارجی را به جای اثر اصلی بسازد یا آن را به قصد عرضه، قاچاق یا فروش، معرفی، حمل یا نگهداری کند یا با آگاهی از تقلبی بودن اثر خریداری کند به حبس از نود و یک روز تا شش ماه و جزای نقدی معادل نصف ارزش اثر اصلی با اخذ نظر کارشناس از سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری محکوم می شود.

تبصره ۱ - نمونه تقلبی به اشیائی اطلاق می گردد که در دوره معاصر ساخته شده و از حیث نقوش، خطوط، شکل، جنس، اندازه، حجم و وزن شبیه آثار فرهنگی - تاریخی اصیل بوده یا بدون آن که نمونه اصلی وجود داشته باشد به عنوان اثر فرهنگی - تاریخی اصیل معرفی شود و علامتی از سوی سازنده یا سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری برای تشخیص از اصل، بر روی آن حک نشده باشد.

تبصره ۲ - چنانچه شیء تقلبی نمونه اصلی نداشته باشد، ارزش آن به فرض وجود توسط کارشناسان سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری تعیین می گردد.

تبصره ۳ - اشیاء مکشوفه موضوع این ماده به نفع سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری ضبط می گردد. حکم این تبصره شامل اشیائی که قبل از لازم الاجراء شدن این قانون ضبط شده نیز می گردد.

ماده ۵۶۷ - در کلیه جرائم مذکور در این فصل، سازمان میراث فرهنگی یا سایر دو اثر دولتی برحسب مورد شاکی یا مدعی خصوصی محسوب می شود.

ماده ۵۶۸ - در مورد جرائم مذکور در این فصل که به و سیله اشخاص حقوقی انجام شود هر یک از مدیران و مسؤو لان که دستوردهنده باشند، برحسب مورد به مجازاتهای مقرر محکوم می شوند.

تبصره - اموال فرهنگی - تاریخی حاصله از جرائم مذکور در این فصل تحت نظر سازمان میراث فرهنگی کشور توقیف و در کلیه مواردی که حکم به ضبط و استرداد اموال، وسائل، تجهیزات و خسارات داده می شود به نفع سازمان میراث فرهنگی کشور مورد حکم قرار خواهد گرفت.

ماده ۵۶۹ - در کلیه موارد این فصل در صورتی که ملک مورد تخریب، ملک شخصی بوده و مالک از ثبت آن به عنوان آثار ملی بی اطلاع باشد از مجازاتهای مقرر در مواد فوق معاف خواهد بود .

فصل دهم - تقصیرات مقامات و مأ مورین دو لتی

ماده ۵۷۰ (اصلاحی ۱۳۸۱/۱۰/۱۱) - هر یک از مقامات و مأ مورین و ابسته به نهادها و دستگاههای حکومتی که بر خلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

ماده ۵۷۱ - هرگاه اقداماتی که برخلاف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می باشد برحسب امضاء ساختگی و زیر یا مأ مورین دو لتی به عمل آمده باشد، مرتکب و کسانی که عالماً آن را به کار برده باشند به حبس از سه تا ده سال محکوم خواهند شد.

ماده ۵۷۲ - هرگاه شخصی برخلاف قانون حبس شده باشد و درخصوص حبس غیرقانونی خود شکایت به ضابطین دادگستری یا مأ مورین انتظامی() نموده و آنان شکایت او را استماع نکرده باشند و ثابت نمایند که تظلم او را به مقامات ذی صلاح اعلام و اقدامات لازم را معمول داشته اند به انفصال دائم از همان سمت و محرومیت از مشاغل دو لتی به مدت سه تا پنج سال محکوم خواهند شد.

ماده ۵۷۳ - اگر مسؤو لین و مأ مورین بازداشتگاهها و ندامتگاهها بدون اخذ برگ بازداشت صادره از طرف مراجع و مقامات صلاحیتدار، شخصی را به نام زندانی بپذیرند به دو ماه تا دو سال حبس محکوم خواهند شد.

ماده ۵۷۴ - اگر مسؤو لین و مأ مورین بازداشتگاهها و ندامتگاهها از ارائه دادن یا تسلیم کردن زندانی به مقامات صالح قضائی یا از ارائه دادن دفاتر خود به اشخاص مزبور امتناع کنند یا از رسانیدن تظلمات محبوسین به مقامات صالح ممانعت یا خودداری نمایند مشمول ماده قبل خواهند بود مگر اینکه ثابت نمایند که به موجب امر کتبی رسمی از طرف رئیس مستقیم خود مأ مور به آن بوده اند که در این صورت مجازات مزبور درباره آمر مقرر خواهد شد.

ماده ۵۷۵ - هرگاه مقامات قضائی() یا دیگر مأ مورین ذی صلاح بر خلاف قانون توقیف یا دستور بازداشت یا تعقیب جزائی یا قرار مجرمیت کسی را صادر نمایند به انفصال دائم از سمت قضائی و محرومیت از مشاغل دو لتی به مدت پنج سال محکوم خواهند شد.

ماده ۵۷۶ - چنانچه هر یک از صاحب منصبان و مستخدمین و مأ مورین دو لتی و شهرداریها() در هر رتبه و مقامی که باشد از مقام خود سوء استفاده نموده و از اجرای او امر کتبی دو لتی یا اجرای قوانین مملکتی و یا اجرای احکام یا او امر مقامات قضائی() یا هرگونه امری که از طرف مقامات قانونی صادر شده باشد جلوگیری() نماید به انفصال از خدمات دو لتی از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد.

ماده ۵۷۷ - چنانچه مستخدمین و مأ مورین دو لتی اعم از استانداران و فرمانداران و بخشداران یا معاوان آنها و مأ مورین انتظامی در غیرموارد حکمیت() در اموری که در صلاحیت مراجع قضائی() است دخالت نمایند و با وجود اعتراض متداعیین یا یکی از آنها یا اعتراض مقامات صلاحیتدار قضائی رفع مداخله ننمایند به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهند شد.

ماده ۵۷۸ - هر یک از مستخدمین و مأ مورین قضائی یا غیرقضائی دو لتی برای اینکه متهمی را مجبور به اقرار کند او را اذیت و آزار بدنی نماید علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می گردد و چنانچه کسی در این خصوص دستور داده باشد فقط دستوردهنده به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شد و اگر متهم به واسطه اذیت و آزار فوت کند مباشر مجازات قاتل و آمر مجازات آمر قتل را خواهد داشت().

ماده ۵۷۹ - چنانچه هر یک از مأ مورین دو لتی محکومی را سخت تر از مجازاتی که مورد حکم است مجازات کند یا مجازاتی کند که مورد حکم نبوده است به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد و چنانچه این عمل به دستور فرد دیگری انجام شود فقط آمر به مجازات مذکور محکوم می شود و چنانچه این عمل موجب قصاص یا دیه باشد مباشر به مجازات آن نیز محکوم می گردد و اگر اقدام مزبور متضمن جرم دیگری نیز باشد مجازات همان جرم حسب مورد نسبت به مباشر یا آمر اجراء خواهد شد.

ماده ۵۸۰ - هر یک از مستخدمین و مأ مورین قضائی یا غیرقضائی یا کسی که خدمت دو لتی به او ارجاع شده باشد بدون ترتیب قانونی به منزل کسی بدون اجازه و رضای صاحب منزل داخل شود به حبس از یک ماه تا یک سال محکوم خواهد شد مگر اینکه ثابت نماید به امر یکی از رؤسای خود که صلاحیت حکم را داشته است مکره به اطاعت امر او بوده، اقدام کرده است که در این صورت مجازات مزبور در حق آمر اجراء خواهد شد و اگر مرتکب یا سبب و قوع جرم دیگری نیز باشد مجازات آن را نیز خواهد دید و چنانچه این عمل در شب و اقع شود مرتکب یا آمر به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد().

ماده ۵۸۱ - هر یک از صاحب منصبان و مستخدمین و مأ مورین دو لتی که با سوء استفاده از شغل خود به جبر و قهر مال یا حق کسی را بخرد یا بدون حق بر آن مسلط شود یا مالک را اِکراه به فروش به دیگری کند علاوه بر ردّ عین مال یا معادل نقدی قیمت مال یا حق، به مجازات حبس از یک سال تا سه سال یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم می گردد.

ماده ۵۸۲ - هر یک از مستخدمین و مأ مورین دو لتی، مراسلات یا مخابرات یا مکالمات تلفنی() اشخاص را در غیر مواردی که قانون اجازه داده حسب مورد مفتوح یا توقیف یا معدوم یا بازرسی یا ضبط یا استراق سمع نماید یا بدون اجازه صاحبان آنها مطالب آنها را افشاء نماید به حبس از یک سال تا سه سال و یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد().

ماده ۵۸۳ - هرکس از مقامات یا مأ مورین دو لتی یا نیروهای مسلح یا غیر آنها بدون حکمی از مقامات صلاحیتدار در غیر مواردی که در قانون، جلب یا توقیف اشخاص را تجویز نموده، شخصی را توقیف یا حبس کند یا عنفاً در محلی مخفی نماید به یک تا سه سال حبس یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد().

ماده ۵۸۴ - کسی که با علم و اطلاع برای ارتکاب جرم مذکور در ماده فوق مکانی تهیه کرده و بدین طریق معاونت با مرتکب نموده باشد به مجازات حبس از سه ماه تا یک سال یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال محکوم خواهد شد.

ماده ۵۸۵ - اگر مرتکب یا معاون قبل از آن که تعقیب شود شخص توقیف شده را رها کند یا اقدام لازم جهت رها شدن وی به عمل آورد در صورتی که شخص مزبور را زیاده از پنج روز توقیف نکرده باشد مجازات او حبس از دو تا شش ماه خواهد بود.

ماده ۵۸۶ - هرگاه مرتکب برای ارتکاب جرائم مذکور در ماده (۵۸۳) اسم یا عنوان مجعول یا اسم و علامت مأثورین دولت یا لباس مُنتَسَب به آنان را به تزویر اختیار کرده یا حکم جعلی ابراز نموده باشد علاوه بر مجازات ماده مزبور به مجازات جَعَل یا تزویر محکوم خواهد شد.

ماده ۵۸۷ - چنانچه مرتکب جرائم مواد قبل توقیف شده یا محبوس شده یا مخفی شده را تهدید به قتل نموده یا شکنجه و آزار بدنی و آرد آوردن او را بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به یک تا پنج سال حبس و محرومیت از خدمات دولتی محکوم خواهد شد.

فصل یازدهم - ارتشاء (و ربا و کلاهبرداری)

(ماده ۵۸۸) - وهر یک از داوران و ممیزان و کارشناسان اعم از این که توسط (۳) دادگاه شده باشد یا توسط طرفین، چنانچه در مقابل اخذ وجه یا مال به نفع یکی از طرفین اظهار نظر یا اتخاذ تصمیم نماید به حبس از شش ماه تا دو سال یا مجازات نقدی از سه تا دوازده میلیون ریال محکوم و آنچه گرفته است به عنوان مجازات مؤدی به نفع دولت ضبط خواهد شد.

ماده ۵۸۹ - در صورتی که حکام محاکم به واسطه ارتشاء حکم به مجازاتی اشد از مجازات مقرر در قانون داده باشند علاوه بر مجازات ارتشاء (۵) حسب مورد به مجازات مقدار زائدی که مورد حکم واقع شده محکوم خواهند شد.

ماده ۵۹۰ - اگر رشوه به صورت وجه نقد نباشد بلکه مالی بلاعوض یا به مقدار فاحش ارزان تر از قیمت معمولی یا ظاهراً به قیمت معمولی و واقعاً به مقدار فاحشی کمتر از قیمت به مستخدمین دولتی اعم از قضائی و اداری به طور مستقیم یا غیرمستقیم منتقل شود یا برای همان مقاصد مالی به مقدار فاحشی گران تر از قیمت از مستخدمین یا مأثورین مستقیم یا غیرمستقیم خریداری گردد، مستخدمین و مأثورین مزبور مرتشی و طرف معامله راشی محسوب می شود.

ماده ۵۹۱ - هرگاه ثابت شود که راشی برای حفظ حقوق حقه خود ناچار از دادن وجه یا مالی بوده تعقیب کیفری ندارد و وجه یا مالی که داده به او مسترد می گردد.

ماده ۵۹۲ - هرکس عالماً و عامداً برای اقدام به امری یا امتناع از انجام امری که از وظایف اشخاص مذکور (در ماده (۳) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام می باشد و وجه یا مالی یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را مستقیم یا غیرمستقیم بدهد) در حکم راشی است و به عنوان مجازات علاوه بر ضبط مال ناشی از ارتشاء به حبس از شش ماه تا سه سال و یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می شود.

تبصره - در صورتی که رشوه دهنده برای پرداخت رشوه مضطر بوده و یا پرداخت آن را گزارش دهد یا شکایت نماید از مجازات حبس (مزبور معاف خواهد بود و مال به وی مسترد می گردد).

ماده ۵۹۳ - هرکس عالماً و عامداً موجبات تحقق جرم ارتشاء از قبیل مذاکره، جلب موافقت یا وصول و ایصال و جه یا مال یا سند پرداخت و جه را فراهم نماید به مجازات راشی برحسب مورد محکوم می شود.
ماده ۵۹۴ - مجازات شروع به عمل ارتشاء در هر مورد حداقل مجازات مقرر در آن مورد است. (.)
ماده ۵۹۵ - هر نوع توافق بین دو یا چند نفر تحت هر قراردادی از قبیل بیع، قرض، صلح و امثال آن جنسی را با شرط اضافه با همان جنس مکیل و موزون معامله نماید و یا زائد بر مبلغ پرداختی، دریافت (نماید ربا) محسوب و جرم شناخته می شود. مرتکبین اعم از ربا دهنده، رباگیرنده و واسطه بین آنها علاوه بر رد اضافه به صاحب مال به شش ماه تا سه سال حبس و تا (۷۴) ضربه شلاق و نیز معادل مال مورد ربا به عنوان جزای نقدی محکوم می گردند. (.)

تبصره ۱ - در صورت معلوم نبودن صاحب مال، مال مورد ربا از مصادیق اموال مجهول المالک بوده و در اختیار ولی فقیه قرار خواهد گرفت.

تبصره ۲ - هرگاه ثابت شود ربا دهنده در مقام پرداخت و جه یا مال اضافی مضطر بوده از مجازات مذکور در این ماده معاف خواهد شد. (.)

تبصره ۳ - هرگاه قرارداد مذکور بین پدر و فرزند یا زن و شوهر منعقد شود یا مسلمان از کافر ربا دریافت کند مشمول مقررات این ماده نخواهد بود.

ماده ۵۹۶ - هرکس با استفاده از ضعف نفس شخصی یا هوی و هوس او یا حوائج شخصی افراد غیررشید به ضرر او نوشته یا سندی اعم از تجاری یا غیرتجاری از قبیل برات، سفته، چک، حواله، قبض و مفاصاحساب و یا هرگونه نوشته ای که موجب التزام و ی یا برائت ذمه گیرنده سند یا هر شخص دیگر می شود به هر نحو تحصیل نماید علاوه بر جبران خسارات مالی به حبس از شش ماه تا دو سال و از یک میلیون تا ده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می شود و اگر مرتکب و لایت یا وصایت یا قیمومت بر آن شخص داشته باشد مجازات و ی علاوه بر جبران خسارات مالی از سه تا هفت سال حبس خواهد بود .

فصل دو ازدهم - امتناع از انجام و ظائف قانونی

ماده ۵۹۷ - هر یک از مقامات قضائی () که شکایت و تظلمی مطابق شرایط قانونی نزد آنها برده شود و با وجود این که رسیدگی به آنها از وظائف آنان بوده به هر عذر و بهانه اگرچه به عذر سکوت یا اجمال یا تناقض قانون از قبول شکایت یا رسیدگی به آن امتناع کند یا صدور حکم را بر خلاف قانون به تأخیر اندازد یا بر خلاف صریح قانون رفتار کند دفعه اول از شش ماه تا یک سال و در صورت تکرار به انفصال دائم از شغل قضائی محکوم می شود و در هر صورت به تأدیه خسارات و ارده نیز محکوم خواهد شد (.)

فصل سیزدهم - تعدیات مأ مورین دولتی نسبت به دولت (۱)

(ماده ۵۹۸ - هر یک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمانها یا شوراها و یا شهرداریها و مؤسسات و شرکتهای دولتی () و یا وابسته به دولت و یا نهادهای انقلابی و بنیادها () و مؤسساتی که زیر نظر و لی فقیه اداره می شوند و دیوان محاسبات و مؤسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می شوند و یا دارندگان پایه قضائی و به طور کلی اعضا و کارکنان قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح و مأ مورین به خدمات عمومی () اعم از رسمی و غیر رسمی و جوه نقدی یا مطالبات یا حوالجات یا سهام و سایر اسناد و اوراق بهادار یا سایر اموال () متعلق به هر یک از سازمانها و مؤسسات فوق الذکر یا اشخاصی که برحسب و وظیفه به آنها سپرده شده است را مورد استفاده غیرمجاز قرار دهد بدون آنکه قصد تملک آنها را به نفع خود یا دیگری داشته باشد،

متصرف غیرقانونی محسوب و علاوه بر جبران خسارات و ارده () و پرداخت اجرت المثل به شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم می شود و در صورتی که مُنتَفِع شده باشد علاوه بر مجازات مذکور به جزای نقدی معادل مبلغ انتفاعی محکوم خواهد شد و همچنین است در صورتی که به علت اِهمال () یا تفریط موجب تضییع اموال () و و جوه دو لتی گردد و یا آن را به مصارفی برساند که در قانون اعتباری برای آن منظور نشده یا در غیر مورد معین یا زائد بر اعتبار () مصرف نموده باشد ().

ماده ۵۹۹ - هر شخصی عهده دار انجام معامله یا ساختن چیزی یا نظارت در ساختن یا امر به ساختن آن برای هر یک از ادارات و سازمانها و مؤسسات مذکور در ماده (۵۹۸) بوده است به واسطه تدلیس در معامله از جهت تعیین مقدار یا صفت یا قیمت بیش از حد متعارف مورد معامله یا تقلب در ساختن آن چیز نفعی برای خود یا دیگری تحصیل کند علاوه بر جبران خسارات و ارده به حبس از شش ماه تا پنج سال محکوم خواهد شد.

ماده ۶۰۰ - هر یک از مسؤو لین دو لتی و مستخدمین و مأ مورینی که مأ مور تشخیص یا تعیین یا محاسبه یا وصول و جه یا مالی به نفع دو لت است برخلاف قانون یا زیاده بر مقررات قانونی اقدام و و جه یا مالی اخذ یا امر به اخذ آن نماید به حبس از دو ماه تا یک سال محکوم خواهد شد. مجازات مذکور در این ماده در مورد مسؤو لین و مأ مورین شهرداری نیز مُجری^۱ است و در هر حال آنچه برخلاف قانون و مقررات اخذ نموده است به ذی حق مسترد می گردد.

ماده ۶۰۱ - هر یک از مستخدمین و مأ مورین دو لتی که برحسب مأ موریت خود اشخاص را اجیر یا استخدام کرده یا مباشرت حمل و نقل اشیائی را نموده باشد و تمام یا قسمتی از اجرت اشخاص یا اجرت حمل و نقل را که توسط آنان به عمل آمده است به حساب دو لت آورده و لی نپرداخته باشد به انفسال موقت از سه ماه تا سه سال محکوم می شود و همین مجازات مقرر است درباره مستخدمینی که اشخاص را به بیگاری گرفته و اجرت آنها را خود برداشته و به حساب دو لت منظور نموده است و در هر صورت باید اجرت مأخوذه را به ذی حق مسترد نماید.

ماده ۶۰۲ - هر یک از مستخدمین و مأ مورین دو لتی که بر حسب مأ موریت خود حق داشته است اشخاصی را استخدام و اجیر کند و بیش از عده ای که اجیر یا استخدام کرده است به حساب دو لت منظور نماید یا خدمه شخصی خود را جزو خدمه دو لت محسوب نماید و حقوق آنها را به حساب دو لت منظور بدارد به شلاق تا (74) ضربه و تأ دیه مبلغی که به ترتیب فوق به حساب دو لت منظور داشته است محکوم خواهد گردید.

ماده ۶۰۳ - هر یک از کارمندان و کارکنان و اشخاص عهده دار و وظیفه مدیریت و سرپرستی در وزارتخانه ها و ادارات و سازمانهای مذکور در ماده (۵۹۸) که بالمباشره یا به واسطه در معاملات و مزایده ها و مناقصه ها و تشخیصات و امتیازات مربوط به دستگاه متبوع، تحت هر عنوانی اعم از کمیسیون یا حق الزحمه و حق العمل یا پاداش برای خود یا دیگری نفعی در داخل یا خارج کشور از طریق توافق یا تفاهم یا ترتیبات خاص یا سایر اشخاص یا نمایندگان و شعب آنها منظور دارد یا بدون مأ موریت از طرف دستگاه متبوعه بر عهده آن چیزی بخرد یا بسازد یا در موقع پرداخت و جوهی که حسب و وظیفه به عهده او بوده یا تفریغ حسابی که باید به عمل آورد برای خود یا دیگری نفعی منظور دارد به تأ دیه دو برابر و جوه و منافع حاصله از این طریق محکوم می شود و در صورتی که عمل و ی موجب تغییر در مقدار یا کیفیت مورد معامله یا افزایش قیمت تمام شده آن گردد به حبس از شش ماه تا پنج سال و یا مجازات نقدی از سه تا سی میلیون ریال نیز محکوم خواهد شد ().

ماده ۶۰۴ - هر یک از مستخدمین دولتی اعم از قضائی و اداری نوشته‌ها و او راق و اسنادی را که حسب و وظیفه به آنان سپرده شده یا برای انجام و وظائفشان به آنها داده شده است را معدوم یا مخفی نماید یا به کسی بدهد که به لحاظ قانون از دادن به آن کس ممنوع می‌باشد علاوه بر جبران خسارت و ارده به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.

ماده ۶۰۵ - هر یک از مأمورین ادارات و مؤسسات مذکور در ماده (۵۹۸) که از روی غرض و بر خلاف حقّ درباره یکی از طرفین اظهارنظر یا اقدامی کرده باشد به حبس تا سه ماه یا مجازات نقدی تا مبلغ یک میلیون و پانصد هزار ریال و جبران خسارت و ارده محکوم خواهد شد.

ماده ۶۰۶ - هر یک از رؤسا یا مدیران یا مسؤو لین سازمانها و مؤسسات مذکور در ماده (۵۹۸) که از وقوع جرم ارتشاء() یا اختلاس() یا تصرف غیر قانونی() یا کلاهبرداری یا جرائم موضوع مواد (۵۹۹) و (۶۰۳) در سازمان یا مؤسسات تحت اداره یا نظارت خود مطلع شده و مراتب را حسب مورد() به مراجع صلاحیتدار قضائی یا اداری اعلام ننماید علاوه بر حبس از شش ماه تا دو سال به انفصال موقت از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

فصل چهاردهم - تَمَرّد نسبت به مأمورین دولتی

ماده ۶۰۷ - هرگونه حمله یا مقاومتی که با علم و آگاهی نسبت به مأمورین دولت() در حین انجام وظیفه () آنان به عمل آید تَمَرّد() محسوب می‌شود و مجازات آن به شرح ذیل است:

1 - هرگاه مُتَمَرّد به قصد تهدید اسلحه() خود را نشان دهد حبس از شش ماه تا دو سال.

2 - هرگاه مُتَمَرّد در حین اقدام دست به اسلحه برد حبس از یک تا سه سال.

3 - در سایر موارد حبس از سه ماه تا یک سال.

تبصره - اگر مُتَمَرّد در هنگام تَمَرّد مرتکب جرم دیگری هم بشود به مجازات هر دو جرم محکوم خواهد شد.

فصل پانزدهم - هتک حرمت اشخاص

ماده ۶۰۸ - توهین() به افراد() از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک() چنانچه موجب حدّ قذف نباشد به مجازات شلاق تا (۷۴) ضربه و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود. (۱۱)

ماده ۶۰۹ - هرکس با توجه به سمت()، یکی از رؤسای سه قوه یا معاون رئیس جمهور یا وزرا یا یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی یا نمایندگان مجلس خبرگان یا اعضای شورای نگهبان یا قضات یا اعضای دیوان محاسبات یا کارکنان و زارتخانه‌ها() و مؤسسات و شرکتهای دولتی و شهرداریها در حال انجام وظیفه یا به سبب آن توهین نماید به سه تا شش ماه حبس و یا تا (۷۴) ضربه شلاق و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شود.()

فصل شانزدهم - اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرائم

ماده ۶۱۰ - هرگاه دو نفر یا بیشتر اجتماع و تبانی نمایند که جرائمی بر ضد امنیت داخلی یا خارج کشور مرتکب شوند یا وسائل ارتکاب آن را فراهم نمایند در صورتی که عنوان مُحارِب بر آنان صادق نباشد به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهند شد.

ماده ۶۱۱ - هرگاه دو نفر یا بیشتر اجتماع و تبانی بنمایند که علیه أعراض یا نفوس یا اموال مردم اقدام نمایند و مقدمات اجرائی را هم تدارک دیده باشند و لی بدون اراده خود موفق به اقدام نشوند حسب مراتب به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهند شد.

فصل هفدهم - جرائم علیه اشخاص و اطفال ()

ماده ۶۱۲ - هرکس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته یا شاکی داشته و لی از قصاص گذشت () کرده باشد و یا به هر علت قصاص نشود () (۳) در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری () (۴) مرتکب یا دیگران گردد دادگاه مرتکب را به حبس از سه تا ده سال () (۱) محکوم می نماید () (۲)

تبصره - در این مورد معاونت در قتل عمد موجب حبس از یک تا پنج سال خواهد بود. () (۳)

ماده ۶۱۳ - هرگاه کسی شروع به قتل عمد نماید و لی نتیجه منظور بدون اراده وی محقق نگردد به شش ماه تا سه سال حبس تعزیری محکوم خواهد شد.

ماده ۶۱۴ - هرکس عمداً به دیگری جرح یا ضربی و ارد او رد که موجب نقصان یا شکستن یا از کار افتادن عضوی از اعضاء یا منتهی به مرض دائمی یا فقدان یا نقص یکی از حواس یا منافع یا زوال عقل مجنی علیه گردد در مواردی که قصاص امکان نداشته باشد چنانچه اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری () مرتکب یا دیگران گردد به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهد شد () و در صورت درخواست مجنی علیه مرتکب به پرداخت دیه نیز محکوم می شود () .

تبصره - در صورتی که جرح و ارده منتهی به ضایعات فوق نشود و آلت جرح اسلحه () یا چاقو و امثال آن () (۲) باشد مرتکب به سه ماه تا یک سال حبس محکوم خواهد شد. () (۳)

ماده ۶۱۵ - هرگاه عده ای () (۴) با یکدیگر منازعه نمایند هر یک از شرکت کنندگان در نزاع حسب مورد به مجازات زیر محکوم می شوند:

۱ - در صورتی که نزاع منتهی به قتل شود به حبس از یک تا سه سال () .

۲ - در صورتی که منتهی به نقص عضو شود به حبس از شش ماه تا سه سال .

۳ - در صورتی که منتهی به ضرب و جرح شود به حبس از سه ماه تا یک سال () .

تبصره ۱ - در صورتی که اقدام شخص، دفاع مشروع تشخیص داده شود مشمول این ماده نخواهد بود.

تبصره ۲ - مجازاتهای فوق مانع اجرای مقررات قصاص یا دیه حسب مورد نخواهد شد.

ماده ۶۱۶ - در صورتی که قتل غیرعمد به واسطه بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا اقدام به امری که مرتکب در آن مهارت نداشته است یا به سبب عدم رعایت نظامات و اقع شود مسبب () به حبس از یک تا سه سال و نیز به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه اولیاء دم محکوم خواهد شد مگر اینکه خطای محض باشد () .

تبصره - مقررات این ماده شامل قتل غیرعمد در اثر تصادف رانندگی نمی گردد.

ماده ۶۱۷ - هرکس به وسیله چاقو و یا هر نوع اسلحه دیگر () تظاهر یا قدرت نمایی کند یا آن را و سیله مزاحمت اشخاص یا اخاذی یا تهدید قرار دهد یا با کسی گلاویز شود در صورتی که از مصادیق محارب نباشد به حبس از شش ماه تا دو سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

ماده ۶۱۸ - هرکس با هیاهو و جنجال یا حرکات غیرمتعارف یا تعرض به افراد موجب اخلال نظم و آسایش و آرامش عمومی گردد یا مردم را از کسب و کار باز دارد به حبس از سه ماه تا یک سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد () .

ماده ۶۱۹ - هرکس در اماکن عمومی یا معابر متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان (بشود یا با الفاظ و حرکات) مخالف شوون و حیثیت به آنان توهین نماید به حبس از دو تا شش ماه و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

ماده ۶۲۰ - هرگاه جرائم مذکور در مواد (۶۱۶) و (۶۱۷) و (۶۱۸) در نتیجه توطئه قبلی و دسته جمعی واقع شود هر یک از مرتکبین به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد.

ماده ۶۲۱ - هرکس به قصد مطالبه و جه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگری به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر شخصاً یا توسط دیگری شخصی را برباید یا مخفی کند به حبس از پنج تا پانزده سال محکوم خواهد شد در صورتی که سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد یا ربودن توسط وسائل نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد و در صورت ارتکاب جرائم دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم می گردد.

تبصره - مجازات شروع به ربودن سه تا پنج سال حبس است.

ماده ۶۲۲ - هرکس عالماً عامداً به واسطه ضرب یا اذیت و آزار زن حامله، موجب سقط جنین و ی شود علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص حسب مورد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد.

ماده ۶۲۳ - هرکس به واسطه دادن ادویه یا وسائل دیگری موجب سقط جنین زن گردد به شش ماه تا یک سال حبس محکوم می شود و اگر عالماً و عامداً زن حامله ای را دلالت به استعمال ادویه یا وسائل دیگری نماید که جنین و ی سقط گردد به حبس از سه تا شش ماه محکوم خواهد شد مگر اینکه ثابت شود این اقدام برای حفظ حیات مادر می باشد و در هر مورد حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات مربوط داده خواهد شد.

ماده ۶۲۴ - اگر طبیب یا ماما یا دارو فروش و اشخاصی که به عنوان طبابت یا مامایی یا جراحی یا دارو فروشی اقدام می کنند وسائل سقط جنین فراهم سازند و یا مباشرت به اسقاط جنین نمایند به حبس از دو تا پنج سال محکوم خواهند شد و حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات مربوط صورت خواهد پذیرفت.

ماده ۶۲۵ - قتل و جرح و ضرب هرگاه در مقام دفاع از نفس یا عرض یا مال خود مرتکب یا شخص دیگری واقع شود با رعایت مواد ذیل مرتکب مجازات نمی شود مشروط بر اینکه دفاع متناسب با خطری باشد که مرتکب را تهدید می کرده است.

تبصره - مقررات این ماده در مورد دفاع از مال غیر در صورتی قابل اجراء است که حفاظت مال غیر به عهده دفاع کننده بوده یا صاحب مال استمداد نماید.

ماده ۶۲۶ - در مورد هر فعلی که مطابق قانون جرم بر نفس یا عرض یا مال محسوب می شود و لو اینکه از مأمورین دو لتی صادر گردد هرگونه مقاومت برای دفاع از نفس یا عرض یا مال جایز خواهد بود.

ماده ۶۲۷ - دفاع در مواقعی صادق است که:

الف - خوف برای نفس یا عرض یا ناموس یا مال مستند به قرائن معقول باشد.

ب - دفاع متناسب با حمله باشد.

ج - توسل به قوای دو لتی یا هرگونه وسیله آسانتری برای نجات میسر نباشد.

ماده ۶۲۸ - مقاومت در مقابل نیروهای انتظامی و دیگر ضابطین دادگستری در موقعی که مشغول انجام وظیفه خود باشند دفاع محسوب نمی شود و لی هرگاه اشخاص مزبور از حدود وظیفه خود خارج شوند و

برحسب آدله و قرائن موجود خوف آن باشد که عملیات آنها موجب قتل یا جرح یا تعرّض به عرض یا مال گردد در این صورت دفاع در مقابل آنها نیز جائز است.

ماده ۶۲۹ - در موارد ذیل قتل عمدی به شرط آنکه دفاع متوقف به قتل باشد مجازات نخواهد داشت:

الف - دفاع از قتل یا ضرب و جرح شدید یا آزار شدید یا دفاع از هتک ناموس خود و اقارب.

ب - دفاع در مقابل کسی که در صدد هتک عرض و ناموس دیگری به اِکراه و عُنف برآید.

ج - دفاع در مقابل کسی که در صدد سرقت و ربودن انسان یا مال او برآید.

ماده ۶۳۰ - هرگاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و علم به تمکین زن داشته باشد می تواند در همان حال آنان را به قتل برساند و در صورتی که زن مکره باشد فقط مرد را می تواند به قتل برساند. حکم ضرب و جرح در این مورد نیز مانند قتل است.()

ماده ۶۳۱ - هرکس طفلی را که تازه متولد شده است بدزدد یا مخفی کند یا او را به جای طفل دیگری یا متعلق به زن دیگری غیر از مادر طفل قلمداد نماید به شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد و چنانچه اِحراز شود که طفل مزبور مُرده بوده مرتکب به یکصد هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

ماده ۶۳۲ - اگر کسی از دادن طفلی که به او سپرده شده است در موقع مطالبه اشخاصی که قانوناً حق مطالبه دارند امتناع کند() به مجازات از سه ماه تا شش ماه حبس یا به جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار تا سه میلیون ریال محکوم خواهد شد.()

ماده ۶۳۳ - هرگاه کسی شخصاً یا به دستور دیگری طفل یا شخصی را که قادر به محافظت خود نمی باشد در محلی که خالی از سکنه است رها نماید به حبس از شش ماه تا دو سال و یا جزای نقدی از سه میلیون تا دو زده میلیون ریال محکوم خواهد شد و اگر در آبادی و جایی که دارای سکنه باشد رها کند تا نصف مجازات مذکور محکوم خواهد شد و چنانچه این اقدام سبب و اردآمدن صدمه یا آسیب یا فوت شود رهاکننده علاوه بر مجازات فوق حسب مورد به قصاص یا دیه یا ارش نیز محکوم خواهد شد.()

ماده ۶۳۴ - هرکس بدون مجوز مشروع نبش قبر نماید به مجازات حبس از سه ماه و یک روز تا یک سال محکوم می شود و هرگاه جرم دیگری نیز با نبش قبر مرتکب شده باشد به مجازات آن جرم هم محکوم خواهد شد.

ماده ۶۳۵ - هرکس بدون رعایت نظامات مربوط به دفن اموات جنازه ای را دفن کند یا سبب دفن آن شود یا آن را مخفی نماید به جزای نقدی از یکصد هزار تا یک میلیون ریال محکوم خواهد شد.()

ماده ۶۳۶ - هرکس جسد مقتولی را با علم به قتل مخفی کند یا قبل از اینکه به اشخاصی که قانوناً مأمور کشف و تعقیب جرائم هستند خبر دهد آن را دفن نماید به حبس از سه ماه و یک روز تا یک سال محکوم خواهد شد.

فصل هجدهم - جرائم ضدعفت و اخلاق عمومی()

ماده ۶۳۷ - هرگاه زن و مردی که بین آنها علقه زوجیت() نباشد، مرتکب روابط نامشروع() یا عمل منافی عفت غیر از زنا از قبیل تقبیل یا مُضاجعه شوند، به شلاق تا نود و نه ضربه محکوم خواهند شد و اگر عمل با عُنف و اِکراه باشد فقط اِکراه کننده تعزیر می شود.()

ماده ۶۳۸ - هرکس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر() به عمل حرامی نماید علاوه بر کیفر عمل به حبس() از ده روز تا دو ماه یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که

نفس آن عمل دارای کیفر نمی باشد و لی عفت عمومی را جریحه دار نماید(فقط به حبس) از ده روز تا دو ماه یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد().

تبصره - زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس(از ده روز تا دو ماه و یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد().

ماده ۶۳۹ - افراد زیر به حبس از یک تا ده سال محکوم می شوند و در مورد بند «الف» علاوه بر مجازات مقرر، محل مربوطه به طور موقت با نظر دادگاه بسته خواهد شد:

الف - کسی که مرکز فساد و یا فحشا دائر یا اداره کند.

ب - کسی که مردم(را به فساد یا فحشا تشویق نموده یا موجبات آن را فراهم نماید.

تبصره - هرگاه برعمل فوق عنوان قوادی صدق نماید علاوه بر مجازات مذکور به حد قوادی نیز محکوم می گردد .

ماده ۶۴۰() - اشخاص ذیل به حبس از سه ماه تا یک سال و جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال و تا (۷۴) ضربه شلاق یا به یک یا دو مجازات مذکور محکوم خواهند شد(:

1 - هرکس نوشته یا طرح، گراو ر، نقاشی، تصاویر، مطبوعات، اعلانات، علائم، فیلم، نوار سینما و یا به طور کلی هرچیز که عفت و اخلاق عمومی را جریحه دار نماید برای تجارت یا توزیع به نمایش و معرض انظار عمومی گذارد یا بسازد یا برای تجارت و توزیع نگاهدارد(.

2 - هرکس اشیاء مذکور را به منظور اهداف فوق شخصاً یا به وسیله دیگری و ارد یا صادر کند و یا به نحوی از انحاء متصدی یا واسطه تجارت و یا هر قسم معامله دیگر شود یا از کرایه دادن آنها تحصیل مال نماید(.

3 - هرکس اشیاء فوق را به نحوی از انحاء منتشر نماید یا آنها را به معرض انظار عمومی بگذارد.

4 - هرکس برای تشویق به معامله اشیای مذکور در فوق و یا ترویج آن اشیاء به نحوی از انحاء اعلان و یا فاعل یکی از اعمال ممنوعه فوق و یا محل به دست آوردن آن را معرفی نماید.

تبصره ۱ - مفاد این ماده شامل اشیائی نخواهد بود که با رعایت موازین شرعی و برای مقاصد علمی یا هر مصلحت حلال عقلانی دیگر تهیه یا خرید و فروش و مورد استفاده متعارف علمی قرار می گیرد(.

تبصره ۲ - اشیاء مذکور ضبط و محو آثار می گردد و جهت استفاده لازم به دستگاه دولتی ذی ربط تحویل خواهد شد.

ماده ۶۴۱ - هرگاه کسی به وسیله تلفن یا دستگاههای مخابراتی دیگر برای اشخاص ایجاد مزاحمت(نماید علاوه بر اجرای مقررات خاص شرکت مخابرات، مرتکب به حبس از یک تا شش ماه محکوم خواهد شد (.

فصل نوزدهم - جرائم برضد حقوق تکالیف خانوادگی

ماده ۶۴۲ - هرکس با داشتن استطاعت مالی(نفقه(زن خود را در صورت تمکین(۱) ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص و اجب النفقه(۲) امتناع نماید دادگاه او را از سه ماه و یک روز تا پنج ماه حبس محکوم می نماید(.

ماده ۶۴۳ - هرگاه کسی عالماً زن شوهردار یا زنی را که در عده دیگری است برای مردی عقد نماید به حبس از شش ماه تا سه سال یا از سه میلیون تا هجده میلیون ریال جزای نقدی و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می شود و اگر دارای دفتر ازدواج و طلاق یا اسناد رسمی باشد برای همیشه از تصدی دفتر ممنوع خواهد گردید.

ماده ۶۴۴ - کسانی که عالماً مرتکب یکی از اعمال زیر شوند به حبس از شش ماه تا دو سال و یا از سه تا دو ازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می شوند.

1 - هر زنی که در قید زو جیت یا عِدّه دیگری است خود را به عقد دیگری درآورد در صورتی که منجر به مُواقِعَه نگردد.

2 - هر کسی که زن شوهردار یا زنی را که در عِدّه دیگری است برای خود تزویج نماید در صورتی که منتهی به مُواقِعَه نگردد.

ماده ۶۴۵ - به منظور حفظ کیان خانواده ثبت و اقع ازدواج دائم، (طلاق و رجوع طبق مقررات الزامی است، چنانچه مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی مبادرت به ازدواج دائم، طلاق و رجوع نماید به مجازات حبس تعزیری تا یک سال محکوم می گردد).

ماده ۶۴۶ - ازدواج قبل از بلوغ بدون اذن و لیّ ممنوع است چنانچه مردی با دختری که به حد بلوغ نرسیده برخلاف مقررات ماده (۱۰۴۱) قانون مدنی و تبصره ذیل آن (ازدواج نماید به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال محکوم می گردد).

ماده ۶۴۷ - چنانچه هر یک از زو جین قبل از عقد ازدواج طرف خود را به امور واهی از قبیل داشتن تحصیلات عالی، تمکّن مالی، موقعیت اجتماعی، شغل و سمت خاص، تجرّد و امثال آن فریب دهد و عقد بر مبنای هر یک از آنها واقع شود مرتکب به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال محکوم می گردد).

فصل بیستم - قَسَم و شهادت دروغ و افشای سرّ)

ماده ۶۴۸ - اطباء و جراحان و ماماها و دارو فروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می شوند هرگاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشاء کنند به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می شوند.

ماده ۶۴۹ - هرکس در دعوی حقوقی یا جزائی که قَسَم متوجه او شده باشد سوگند دروغ یاد نماید به شش ماه تا دو سال حبس محکوم خواهد شد.

ماده ۶۵۰ - هرکس در دادگاه نزد مقامات رسمی شهادت دروغ بدهد به سه ماه و یک روز تا دو سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا دو ازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد).

تبصره - مجازات مذکور در این ماده علاوه بر مجازاتی است که در باب حدود و قصاص و دیات برای شهادت دروغ ذکر گردیده است .

فصل بیست و یکم - سرقت و ربودن مال غیر(۱)

(ماده ۶۵۱ - هرگاه سرقت جامع شرایط حد نباشد و لی مقرون به تمام پنج شرط ذیل باشد مرتکب از پنج تا بیست سال حبس و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می گردد:

1 - سرقت در شب واقع شده باشد.

2 - سارقین دو نفر یا بیشتر باشند.

3 - یک یا چند نفر از آنها حامل سلاح ظاهر یا مخفی بوده باشند.

تبصره الحاقی (۱۳۸۷/۸/۲۲) - منظور از سلاح مذکور در این بند موارد ذیل می باشد :

1 - انواع اسلحه گرم از قبیل تفنگ و نارنجک .

2 - انواع اسلحه سرد از قبیل قمه، شمشیر، کارد، چاقو و پنجه بوکس .

- 3 - انواع اسلحه سرد جنگی مشتمل بر کاردهای سنگری متداول در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران یا مشابه آنها و سرنیزه های قابل نصب بر روی تفنگ .
- 4 - انواع اسلحه شکاری شامل تفنگهای ساچمه زنی، تفنگهای مخصوص بیهوش کردن جانداران و تفنگهای ویژه شکار حیوانات آبی.
- 4 - از دیوار بالا رفته) یا حرز را شکسته) یا کلید ساختگی به کار برده یا اینکه عنوان یا لباس مستخدم دولت را اختیار کرده یا برخلاف حقیقت خود را مأمور دولتی قلمداد کرده یا در جایی که محل سکنی^۱ یا مهپا^۱ برای سکنی^۱ یا توابع آن است سرقت کرده باشند.
- 5 - در ضمن سرقت کسی را آزار یا تهدید کرده باشند.
- ماده ۶۵۲ - هرگاه سرقت مقرون به آزار باشد و یا سارق مسلح باشد به حبس از سه ماه تا ده سال و شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم می شود و اگر جرحی نیز واقع شده باشد علاوه بر مجازات جرح به حداکثر مجازات مذکور در این ماده محکوم می گردد).
- ماده ۶۵۳ - هرکس در راهها و شوارع به نحوی از انحاء مرتکب راهزنی شود در صورتی که عنوان محارب بر او صادق نباشد به سه تا پانزده سال حبس و شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم می شود.
- ماده ۶۵۴ - هرگاه سرقت در شب واقع شده باشد و سارقین دو نفر یا بیشتر باشند و لااقل یک نفر از آنان حامل سلاح) ظاهر یا مخفی باشد در صورتی که بر حامل اسلحه) عنوان محارب صدق نکند) جزای مرتکب یا مرتکبان حبس از پنج تا پانزده سال و شلاق تا (۷۴) ضربه می باشد.
- ماده ۶۵۵ - مجازات شروع به سرقتهای مذکور در مواد قبل تا پنج سال حبس و شلاق تا (۷۴) ضربه می باشد).
- ماده ۶۵۶ - در صورتی که سرقت جامع شرایط حد نباشد و مقرون به یکی از شرایط زیر باشد مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می شود:
- 1 - سرقت در جایی که محل سکنی^۱ یا مهپا^۱ برای سکنی^۱ یا در توابع آن یا در محلهای عمومی از قبیل مسجد و حمام و غیر اینها واقع شده باشد.
- 2 - سرقت در جایی واقع شده باشد که به واسطه درخت و یا بوته یا پرچین یا نرده محرز بوده و سارق حرز را شکسته باشد.
- 3 - در صورتی که سرقت در شب واقع شده باشد.
- 4 - سارقین دو نفر یا بیشتر باشند.
- 5 - سارق مستخدم بوده و مال مخدوم خود را دزدیده یا مال دیگری را در منزل مخدوم خود یا منزل دیگری که به اتفاق مخدوم به آنجا رفته یا شاگرد یا کارگر بوده و یا در محلی که معمولاً محل کار وی بوده از قبیل خانه، دکان، کارگاه، کارخانه و انبار سرقت نموده باشد).
- 6 - هرگاه اداره کنندگان هتل و مسافرخانه و کاروانسرا و کاروان و به طور کلی کسانی که به اقتضای شغل اموالی در دسترس آنان است تمام یا قسمتی از آن را مورد دستبرد قرار دهند).
- ماده ۶۵۷ - هرکس مرتکب ربودن مال دیگری از طریق کیف زنی، جیب بری و امثال آن شود به حبس از یک تا پنج سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد).

ماده ۶۵۸ - هرگاه سرقت در مناطق سیل یا زلزله زده یا جنگی یا آتش سوزی یا در محل تصادف رانندگی صورت پذیرد و حائز شرایط حدّ نباشد مرتکب به مجازات حبس از یک تا پنج سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

ماده ۶۵۹ - هرکس وسائل و متعلقات مربوط به تأسیسات مورد استفاده عمومی که به هزینه دولت یا با سرمایه دولت یا سرمایه مشترک دولت و بخش غیردولتی یا به وسیله نهادها و سازمانهای عمومی غیردولتی یا مؤسسات خیریه ایجاد یا نصب شده مانند تأسیسات بهره برداری آب و برق و گاز و غیره را سرقت نماید به حبس از یک تا پنج سال محکوم می شود و چنانچه مرتکب از کارکنان سازمانهای مربوطه باشد به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد.

ماده ۶۶۰ (اصلاحی ۱۳۸۷/۸/۲۲) - هرکس بدون پرداخت حق انشعاب آب و فاضلاب و برق و گاز و تلفن مبادرت به استفاده غیرمجاز از آب و برق و تلفن و گاز و شبکه فاضلاب نماید علاوه بر جبران خسارت و ارده به پرداخت جزای نقدی از یک تا دو برابر خسارت و ارده محکوم خواهد شد. چنانچه مرتکب از مامورین شرکتهای مذکور باشد، به حداکثر مجازات محکوم خواهد شد.

ماده ۶۶۱ - در سایر موارد که سرقت مقرون به شرایط مذکور در مواد فوق نباشد مجازات مرتکب، حبس از سه ماه و یک روز تا دو سال و تا (۷۴) ضربه شلاق خواهد بود.

ماده ۶۶۲ - هرکس با علم و اطلاع یا با وجود قرائن اطمینان آور به اینکه مال () در نتیجه ارتکاب سرقت به دست آمده است آن را به نحوی از انحاء تحصیل یا مخفی یا قبول نماید یا مورد معامله قرار دهد به حبس از شش ماه تا سه سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

در صورتی که متهم معامله اموال مسروقه را حرفه خود قرار داده باشد به حداکثر مجازات در این ماده محکوم می گردد.

ماده ۶۶۳ - هرکس عالماً در اشیاء و اموالی که توسط مقامات ذی صلاح توقیف شده است و () بدون اجازه دخالت یا تصرفی نماید که منافعی با توقیف باشد و لو مداخله کننده یا متصرف مالک آن باشد به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.

ماده ۶۶۴ - هرکس عالماً عمداً برای ارتکاب جرمی اقدام به ساخت کلید () یا تغییر آن نماید یا هر نوع وسیله ای برای ارتکاب جرم بسازد، یا تهیه کند به حبس از سه ماه تا یک سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

ماده ۶۶۵ - هرکس مال دیگری را بر باید و عمل او مشمول عنوان سرقت نباشد به حبس از شش ماه تا یک سال محکوم خواهد شد و اگر در نتیجه این کار صدمه ای به مجنی علیه وارد شده باشد به مجازات آن نیز محکوم خواهد شد.

ماده ۶۶۶ - در صورت تکرار جرم سرقت، مجازات سارق حسب مورد حداکثر مجازات مقرر در قانون خواهد بود.

تبصره - در تکرار جرم سرقت در صورتی که سارق سه فقره محکومیت قطعی به اتهام سرقت داشته باشد دادگاه نمی تواند از جهات مُحَفَّه در تعیین مجازات استفاده نماید.

ماده ۶۶۷ - در کلیه موارد سرقت و ربودن اموال مذکور در این فصل، (دادگاه علاوه بر مجازات تعیین شده سارق یا رباینده را به ردّ عین) و در صورت فقدان عین به ردّ مثل (یا قیمت مال مسروقه) یا ربوده شده و جبران خسارت (و ارده محکوم خواهد نمود).

فصل بیست و دوم - تهدید و اکراه

ماده ۶۶۸ - هرکس با جبر و قهر یا با اکراه و تهدید دیگری را ملزم به دادن نوشته یا سند یا امضاء و یا مهر نماید و یا سند و نوشته ای که متعلق به او یا سپرده به او می باشد را از وی بگیرد به حبس از سه ماه تا دو سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

ماده ۶۶۹ - هرگاه کسی دیگری را به هر نحو تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی و یا به افشاء سری نسبت به خود یا بستگان او نماید، اعم از اینکه به این واسطه تقاضای وجه یا مال یا تقاضای انجام امر یا ترک فعلی را نموده یا ننموده باشد به مجازات شلاق تا (۷۴) ضربه یا زندان از دو ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

فصل بیست و سوم - ورشکستگی

ماده ۶۷۰ - کسانی که به عنوان ورشکستگی به تقلب محکوم می شوند به مجازات حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهند شد.

ماده ۶۷۱ - مجازات ورشکسته به تقصیر (از شش ماه تا دو سال حبس است).

ماده ۶۷۲ - هرگاه مدیر تصفیه در امر رسیدگی به ورشکستگی بین طلبکاران و تاجر ورشکسته مستقیماً یا مع الواسطه از طریق عقد قرارداد یا به طریق دیگر تبانی نماید به شش ماه تا سه سال حبس و یا به جزای نقدی از سه تا هجده میلیون ریال محکوم می گردد.

فصل بیست و چهارم - خیانت در امانت (۱)

ماده ۶۷۳ - هرکس از سفید مهر یا سفید امضائی که به او سپرده شده است یا به هر طریق به دست آورده سوء استفاده نماید به یک تا سه سال حبس محکوم خواهد شد.

ماده ۶۷۴ - هرگاه اموال منقول (۱) یا غیرمنقول (۲) یا نوشته هایی از قبیل سفته و چک (۳) و قبض و نظایر آن به عنوان اجاره (۴) یا امانت (۵) (یا رهن یا برای و کالت یا هر کار با اجرت یا بی اجرت به کسی داده شده و بنابر این بوده است که اشیاء مذکور مسترد شود یا به مصرف معینی برسد و شخصی که آن اشیاء نزد او بوده آنها را به ضرر مالکین یا متصرفین (۶) آنها استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود نماید به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد (۷).

فصل بیست و پنجم - احراق و تخریب و إتلاف اموال و حیوانات

ماده ۶۷۵ - هرکس عمداً عمارت یا بنا یا کشتی یا هواپیما یا کارخانه یا انبار و به طور کلی هر محل مسکونی یا معدّ برای سکنی^۱ یا جنگل یا خرمن یا هر نوع محصول زراعی یا اشجار یا مزارع یا باغهای متعلق به دیگری را آتش بزند به حبس از دو تا پنج سال محکوم می شود (۸).

تبصره ۱ - اعمال فوق در این فصل در صورتی که به قصد مقابله با حکومت اسلامی باشد مجازات مُحارب را خواهد داشت.

تبصره ۲ - مجازات شروع به جرائم فوق شش ماه تا دو سال حبس می باشد.

ماده ۶۷۶ - هرکس سایر اشیاء منقول (متعلق به دیگری را آتش بزند به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

ماده ۶۷۷ - هرکس عمدتاً اشیاء منقول یا غیرمنقول متعلق به دیگری را تخریب (۲) نماید یا به هر نحو کلاً یا بعضاً تلف نماید و یا از کار اندازد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

ماده ۶۷۸ - هرگاه جرائم مذکور در مواد (۶۷۶) و (۶۷۷) به وسیله مواد منفجره و آتش شده باشد مجازات مرتکب دو تا پنج سال حبس است.

ماده ۶۷۹ - هرکس به عمد و بدون ضرورت حیوان حلال گوشت (متعلق به دیگری یا حیواناتی که شکار آنها توسط دولت ممنوع اعلام شده است را بکشد یا مسموم) یا تلف یا ناقص کند به حبس از نود و یک روز تا شش ماه یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا سه میلیون ریال محکوم خواهد شد (۱).

ماده ۶۸۰ - هرکس بر خلاف مقررات و بدون مجوز قانونی اقدام به شکار یا صید حیوانات و جانوران و حشی حفاظت شده نماید به حبس از سه ماه تا سه سال و یا جزای نقدی از یک و نیم میلیون ریال تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد (۱).

ماده ۶۸۱ - هرکس عالماً دفاتر و قباله ها و سایر اسناد دولتی را بسوزاند یا به هر نحو دیگری تلف کند به حبس از دو تا ده سال محکوم خواهد شد (۱).

ماده ۶۸۲ - هرکس عالماً هر نوع اسناد یا اوراق تجارتي و غیرتجارتی غیردولتی را که اتلاف آنها موجب ضرر غیر است بسوزاند یا به هر نحو دیگر تلف کند به حبس از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

ماده ۶۸۳ - هر نوع نهب و غارت و اتلاف اموال و اجناس و امتعه یا محصولات که از طرف جماعتی بیش از سه نفر به نحو قهر و غلبه و آتش شود چنانچه محارب شناخته نشوند به حبس از دو تا پنج سال محکوم خواهند شد.

ماده ۶۸۴ - هرکس محصول دیگری را بچراند (یا تاکستان یا باغ میوه یا نخلستان) کسی را خراب کند یا محصول دیگری را قطع و درو نماید یا به واسطه سرقت یا قطع آبی که متعلق به آن است یا با اقدامات و وسائل دیگر خشک کند یا باعث تضييع آن بشود یا آسیاب دیگری را از استفاده بیاندازد به حبس از شش ماه تا سه سال و شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم می شود.

ماده ۶۸۵ - هرکس اصله نخل خرما را به هر ترتیب یا هر وسیله بدون مجوز قانونی از بین ببرد یا قطع نماید به سه تا شش ماه حبس یا از یک میلیون و پانصد هزار تا سه میلیون ریال جزای نقدی یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

ماده ۶۸۶ - هرکس درختان موضوع ماده یک قانون گسترش فضای سبز (۱) را عالماً عامداً و بر خلاف قانون مذکور قطع یا موجبات از بین رفتن آنها را فراهم آورد علاوه بر جبران خسارت و ارده حسب مورد به حبس تعزیری از شش ماه تا سه سال و یا جزای نقدی از سه میلیون تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد (۱).

ماده ۶۸۷ - هرکس در وسائل و تأسیسات مورد استفاده عمومی از قبیل شبکه های آب و فاضلاب، برق، گاز، نفت، پست و تلگراف و تلفن و مراکز فرکانس و ماکرو و یو (مخابرات) و رادیو و تلویزیون و متعلقات مربوط به آنها اعم از سد و کانال و انشعاب لوله کشی و نیروگاههای برق و خطوط انتقال نیرو و مخابرات (کابل های هوایی یا زمینی یا نوری) و دستگاههای تولید و توزیع و انتقال آنها که به هزینه یا سرمایه دولتی یا با سرمایه مشترک دولتی و بخش غیردولتی یا توسط بخش خصوصی برای استفاده عمومی ایجاد شده و همچنین در علائم راهنمایی و رانندگی و سایر علائمی که به منظور حفظ جان اشخاص یا تأمین تأسیسات فوق (۱) شوارع و

جاده ها نصب شده است، مرتکب تخریب یا ایجاد حریق یا از کار انداختن یا هر نوع خرابکاری دیگر شود بدون آنکه منظور او اخلال در نظم و امنیت عمومی باشد به حبس از سه تا ده سال محکوم خواهد شد (۴). تبصره ۱ - در صورتی که اعمال مذکور به منظور اخلال در نظم و امنیت جامعه و مقابله با حکومت اسلامی باشد مجازات محارب را خواهد داشت.

تبصره ۲ - مجازات شروع به جرائم فوق یک تا سه سال حبس است.

ماده ۶۸۸ (۱) - هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل (۴) آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیربهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زائد، ریختن مواد مسموم کننده در رو دخانه ها، زباله در خیابانها و کشتار غیرمجاز دام، استفاده غیرمجاز فاضلاب خام یا پس آب تصفیه خانه های فاضلاب برای مصارف کشاورزی ممنوع می باشد و مرتکبین چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد. (۵)

تبصره ۱ (اصلاحی ۱۳۷۶/۵/۸) - تشخیص اینکه اقدام مزبور تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست شناخته می شود و نیز غیر مجاز بودن کشتار دام و دفع فضولات دامی و همچنین اعلام جرم مذکور حسب مورد بر عهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان حفاظت محیط زیست و سازمان دامپزشکی خواهد بود (۶).

تبصره ۲ - منظور از آلودگی محیط زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را به طوری که به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشد تغییر دهد.

ماده ۶۸۹ - در تمام موارد مذکور در این فصل هرگاه حرق و تخریب و سایر اقدامات انجام شده منتهی به قتل یا نقص عضو یا جراحت و صدمه به انسانی شود مرتکب علاوه بر مجازاتهای مذکور حسب مورد به قصاص و پرداخت دیه و در هر حال به تأدیه خسارات (۷) و ارده نیز محکوم خواهد شد (۸).

فصل بیست و ششم - هتک حرمت منازل و املاک غیر

ماده ۶۹۰ - (۱) هرکس به وسیله صحنه سازی (۲) از قبیل پی کنی، دیوارکشی، تغییر حدفاصل، امحاء مرز، کرت بندی، نهرکشی، حفرچاه، غرس اشجار و زراعت و امثال آن به تهیه آثار تصرف در اراضی مزروعی اعم از کشت شده یا در آیش زراعی، جنگلها و مراتع ملی شده، (۳) کوهستانها، باغها، قلمستانها، منابع آب، چشمه سارها، انهار طبیعی و پارکهای ملی، تأسیسات کشاورزی و دامداری و دامپروری و کشت و صنعت و اراضی موات و بائر و سایر اراضی و املاک متعلق به دولت یا شرکتهای وابسته به دولت یا شهرداریها (۴) یا او قاف و همچنین اراضی و املاک و موقوفات و محبوسات و اثلاث باقیه که برای مصارف عام المنفعه اختصاص یافته یا اشخاص حقیقی یا حقوقی به منظور تصرف یا ذی حق معرفی کردن خود یا دیگری، مبادرت نماید یا بدون اجازه سازمان حفاظت محیط زیست یا مراجع ذی صلاح دیگر مبادرت به عملیاتی نماید که موجب تخریب محیط زیست و منابع طبیعی (۵) گردد یا اقدام به هرگونه تجاوز (۶) و تصرف عدوانی (۷) یا ایجاد مزاحمت یا ممانعت (۸) از حق در موارد مذکور نماید به مجازات (۹) یک ماه تا یک سال حبس محکوم می شود (۱۰).

دادگاه (۱۱) موظف است حسب مورد رفع تصرف عدوانی (۱۲) یا رفع مزاحمت یا ممانعت از حق یا اعاده وضع به حال سابق نماید. (۱۳)

تبصره ۱ - رسیدگی به جرائم فوق الذکر خارج از نوبت() به عمل می آید و مقام قضائی() با تنظیم صورتجلسه دستور متوقف ماندن عملیات() متجاوز را تا صدور حکم قطعی() خواهد داد().

تبصره ۲ - در صورتی که تعداد متهمان سه نفر یا بیشتر باشد و قرائن قوی بر ارتکاب جرم موجود باشد قرار بازداشت صادر خواهد شد، مدعی می تواند تقاضای خلع ید و قلع بنا() و اشجار و رفع آثار تجاوز را بنماید().

ماده ۶۹۱ - هرکس به قهر و غلبه داخل ملکی شود که در تصرف دیگری است اعم از آنکه محصور باشد یا نباشد یا در ابتداء و رود به قهر و غلبه نبوده و لی بعد از اخطار متصرف به قهر و غلبه مانده باشد علاوه بر رفع تجاوز حسب مورد به یک تا شش ماه حبس محکوم می شود. هرگاه مرتکبین دو نفر یا بیشتر بوده و لاقلاً یکی از آنها حامل سلاح() باشد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهند شد.

ماده ۶۹۲ - هرگاه کسی ملک دیگری را به قهر و غلبه تصرف کند علاوه بر رفع تجاوز به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.

ماده ۶۹۳ - اگر کسی به موجب حکم قطعی() محکوم به خلع ید از مال غیرمنقولی یا محکوم به رفع مزاحمت یا رفع ممانعت از حق شده باشد، بعد از اجرای حکم مجدداً() مورد حکم را عدواناً تصرف یا مزاحمت یا ممانعت از حق نماید علاوه بر رفع تجاوز به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

ماده ۶۹۴ - هرکس در منزل یا مسکن دیگری به غُف() یا تهدید و ارد شود به مجازات از شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد و در صورتی که مرتکبین دو نفر یا بیشتر بوده و لاقلاً یکی از آنها حامل سلاح باشد به حبس از یک تا شش سال محکوم می شوند.

ماده ۶۹۵ - چنانچه جرائم مذکور در مواد (۶۹۲) و (۶۹۳) در شب و اقع شده باشد مرتکب به حداکثر مجازات محکوم می شود.

ماده ۶۹۶ - () در کلیه مواردی که محکوم علیه () علاوه بر محکومیت کیفری به ردّ عین() یا مثل مال یا ادای قیمت() یا پرداخت دیه() و ضرر و زیان ناشی از جرم محکوم شده باشد و از اجرای حکم امتناع نماید در صورت تقاضای محکوم له دادگاه() با فروش اموال محکوم علیه به جز مستثنیات دین حکم را اجراء یا تا استیفاء حقوق محکوم له، محکوم علیه را بازداشت خواهد نمود.

تبصره - چنانچه محکوم علیه مدعی اعسار شود تا صدور حکم اعسار و یا پرداخت به صورت تقسیط() بازداشت() ادامه خواهد داشت().

فصل بیست و هفتم - افتراء و توهین و هتک حرمت()

ماده ۶۹۷ - هرکس به و سیله او راق چاپی یا خطی یا به و سیله درج در روزنامه و جرائد() یا نطق در مجامع یا به هر و سیله دیگر() (۲) به کسی امری را صریحاً نسبت دهد یا آنها را منتشر نماید که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید() (۳) جز در مواردی که موجب حدّ است به یک ماه تا یک سال حبس و تا (۷۴) ضربه شلاق یا یکی از آنها حسب مورد محکوم خواهد شد. (۴)

تبصره - در مواردی که نشر آن امر اشاعه فحشا() (۵) محسوب گردد هرچند بتواند صحت اسناد را ثابت نماید مرتکب به مجازات مذکور محکوم خواهد شد.

ماده ۶۹۸() (۶) - هرکس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به و سیله نامه یا شکوائیه یا مراسلات یا عرایض یا گزارش یا توزیع هرگونه او راق چاپی یا خطی با امضاء یا بدون امضاء اکاذیبی را اظهار نماید یا با همان مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت رأساً یا به عنوان نقل قول به شخص حقیقی یا

حقوقی یا مقامات رسمی تصریحاً یا تلویحاً نسبت دهد اعم از اینکه از طریق مزبور به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به غیر و ارد شود یا نه علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان، باید به حبس از دو ماه تا دو سال و یا شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم شود(۱).

ماده ۶۹۹ - هرکس عالماً عامداً به قصد متهم نمودن دیگری آلات و ادوات جرم یا اشیائی را که یافت شدن آن در تصرف یک نفر موجب اتهام او می گردد بدون اطلاع آن شخص در منزل یا محل کسب یا جیب یا اشیائی که متعلق به او است بگذارد یا مخفی کند یا به نحوی متعلق به او قلمداد نماید و در اثر این عمل شخص مزبور تعقیب گردد، پس از صدور قرار منع تعقیب و یا اعلام برائت قطعی آن شخص، مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال و یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می شود.

ماده ۷۰۰ - هرکس با نظم یا نثر یا به صورت کتبی یا شفاهی کسی را هجو کند و یا هجویه را منتشر نماید به حبس از یک تا شش ماه محکوم می شود .

فصل بیست و هشتم - تجاهر به استعمال مشروبات الکلی و قماربازی(۱) و و لگردی

(ماده ۷۰۱ - هرکس متجاهراً و به نحو علن در اماکن و معابر و مجامع عمومی مشروبات الکلی استعمال نماید، علاوه بر اجرای حدّ شرعی شرب خمر به دو تا شش ماه حبس تعزیری محکوم می شود.

ماده ۷۰۲ (اصلاحی ۱۳۸۷/۸/۲۲) - هرکس مشروبات الکلی را بسازد یا بخرد یا بفروشد یا در معرض فروش قرار دهد یا حمل یا نگهداری کند یا در اختیار دیگری قرار دهد به شش ماه تا یک سال حبس و تا هفتاد و چهار (۷۴) ضربه شلاق و نیز پرداخت جزای نقدی به میزان پنج برابر ارزش عرفی (تجاری) کالای یادشده محکوم می شود.

ماده ۷۰۳ (اصلاحی ۱۳۸۷/۸/۲۲) - و اردنمودن مشروبات الکلی به کشور قاچاق محسوب می گردد و و اردکننده صرف نظر از میزان آن به شش ماه تا پنج سال حبس و تا هفتاد و چهار (۷۴) ضربه شلاق و نیز پرداخت جزای نقدی به میزان ده برابر ارزش عرفی (تجاری) کالای یادشده محکوم می شود. رسیدگی به این جرم در صلاحیت محاکم عمومی است.

تبصره ۱ (اصلاحی ۱۳۸۷/۸/۲۲) - درخصوص مواد (۷۰۲) و (۷۰۳)، هرگاه مشروبات الکلی مکشوفه به میزان بیش از بیست لیتر باشد، وسائلی که برای حمل آن مورد استفاده قرار می گیرد چنانچه با اطلاع مالک باشد به نفع دولت ضبط خواهد شد در غیر این صورت مرتکب به پرداخت معادل قیمت و سیله نقلیه نیز محکوم خواهد شد.

آلات و ادواتی که جهت ساخت یا تسهیل ارتکاب جرائم موضوع مواد مذکور مورد استفاده قرار می گیرد و و جوه حاصله از معاملات مربوط به نفع دولت ضبط خواهد شد.

تبصره ۲ (اصلاحی ۱۳۸۷/۸/۲۲) - هرگاه کارکنان دولت یا شرکتهای دولتی و شرکتهای یا مؤسسات وابسته به دولت، شوراها، شهرداریها یا نهادهای انقلاب اسلامی و به طور کلی قوای سه گانه و همچنین اعضای نیروهای مسلح و مأموران به خدمات عمومی در جرائم موضوع مواد (۷۰۲) و (۷۰۳) مباشرت، معاونت یا مشارکت نمایند علاوه بر تحمل مجازاتهای مقرر، به انفسال موقت از یک سال تا پنج سال از خدمات دولتی محکوم خواهند شد.

تبصره ۳ (اصلاحی ۱۳۸۷/۸/۲۲) - دادگاه نمی تواند تحت هیچ شرایطی حکم به تعلیق اجراء مجازات مقرر در مواد (۷۰۲) و (۷۰۳) صادر نماید(۱) و(۱)

ماده ۷۰۴ - هرکس محلی را برای شرب خمر دائر کرده باشد یا مردم را به آنجا دعوت کند به سه ماه تا دو سال حبس و (۷۴) ضربه شلاق و یا از یک میلیون و پانصد هزار تا دو ازمده میلیون ریال جزای نقدی یا هر دو آنها محکوم خواهد شد و در صورتی که هر دو مورد را مرتکب شود به حداکثر مجازات محکوم خواهد شد.

ماده ۷۰۵ - قماربازی با هر و سیله ای ممنوع و مرتکبین آن به یک تا شش ماه حبس و یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می شوند و در صورت تَجَاهُر به قماربازی به هردو مجازات محکوم می گردند.

ماده ۷۰۶ - هرکس آلات و وسائل مخصوص به قماربازی (را بخرد یا حمل یا نگهداری کند به یک تا سه ماه حبس یا تا پانصد هزار تا یک میلیون و پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم می شود.

ماده ۷۰۷ - هرکس آلات و وسائل مخصوص به قماربازی را بسازد یا بفروشد یا در معرض فروش قرار دهد یا از خارج وارد کند یا در اختیار دیگری قرار دهد به سه ماه تا یک سال حبس و یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می شود.

ماده ۷۰۸ - هرکس قمارخانه دائر کند یا مردم (را برای قمار به آنجا دعوت نماید به شش ماه تا دو سال حبس و یا از سه میلیون تا دو ازمده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می شود ().

ماده ۷۰۹ - تمام اسباب و نُقُود متعلق به قمار حسب مورد معدوم یا به عنوان جریمه ضبط می شود.

ماده ۷۱۰ - اشخاصی که در قمارخانه ها یا اماکن مُعَدّه برای صرف مشروبات الکلی موضوع مواد (۷۰۱) و (۷۰۵) قبول خدمت کنند یا به نحوی از انحاء به دائرکننده این قبیل اماکن کمک نمایند معاون محسوب می شوند و مجازات مباشر در جرم را دارند و لی دادگاه می تواند نظر به اوضاع و احوال و میزان تأثیر عمل معاون مجازات را تخفیف دهد.

ماده ۷۱۱ - هرگاه یکی از ضابطین دادگستری و سایر مأمورین صلاحیتدار از وجود اماکن مذکور در مواد (۷۰۴) و (۷۰۵) و (۷۰۸) یا اشخاص مذکور در ماده (۷۱۰) مطلع بوده و مراتب را به مقامات ذی صلاح اطلاع ندهند یا برخلاف واقع گزارش نمایند در صورتی که به موجب قانونی دیگر، مجازات شدیدتری نداشته باشند به سه تا شش ماه حبس یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می شوند ().

ماده ۷۱۲ - هرکس تَکَدّی یا کَلّاشی (را پیشه خود قرار داده باشد و از این راه امرار معاش نماید یا و لگردی (نماید به حبس از یک تا سه ماه محکوم خواهد شد و چنانچه با وجود توان مالی مرتکب عمل فوق شود علاوه بر مجازات مذکور کلیه اموالی که از طریق تَکَدّی و کَلّاشی به دست آورده است مصادره خواهد شد.

ماده ۷۱۳ - هرکس طفل صغیر یا غیررشیدی را و سیله تَکَدّی قرار دهد یا افرادی را به این امر بگمارد به سه ماه تا دو سال حبس و استرداد کلیه اموالی که از طریق مذکور به دست آورده است محکوم خواهد شد.

فصل بیست و نهم - جرائم ناشی از تخلفات رانندگی (۴)

() ماده ۷۱۴ - هرگاه بی احتیاطی یا بی مبالاتی (۵) یا عدم رعایت نظامات دولتی یا عدم مهارت راننده () (اعم از و سائط نقلیه زمینی () یا آبی یا هوایی () یا متصدی و سیله موتوری منتهی به قتل غیرعمدی شود مرتکب () به شش ماه تا سه سال حبس () و نیز به پرداخت دیه () در صورت مطالبه از ناحیه اولیاء دم محکوم می شود. () (۴)

ماده ۷۱۵ - هرگاه یکی از جهات مذکور در ماده (۷۱۴) موجب مرض جسمی یا دماغی که غیرقابل علاج باشد و یا از بین رفتن یکی از حواس یا از کارافتادن عضوی از اعضاء بدن که یکی از وظائف ضروری زندگی انسان را

انجام می دهد یا تغییر شکل دائمی عضو یا صورت شخص یا سقط جنین شود مرتکب به حبس از دو ماه تا یک سال و به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه مصدوم محکوم می شود(۱).

ماده ۷۱۶ - هرگاه یکی از جهات مذکور در ماده (۷۱۴) موجب صدمه بدنی شود که باعث نقصان یا ضعف دائم یکی از منافع یا یکی از اعضاء بدن شود و یا باعث از بین رفتن قسمتی از عضو مصدوم گردد، بدون آنکه عضو از کار بیافتد یا باعث وضع حمل زن قبل از موعد طبیعی شود مرتکب به حبس از دو ماه تا شش ماه و پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه مصدوم محکوم خواهد شد.

ماده ۷۱۷ - هرگاه یکی از جهات مذکور در ماده (۷۱۴) موجب صدمه بدنی شود مرتکب به حبس از یک تا پنج ماه و پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه مصدوم محکوم می شود(۱).

ماده ۷۱۸ - در مورد مواد فوق هرگاه راننده یا متصدی وسائل موتوری در موقع وقوع جرم مست بوده یا پروانه نداشته (یا زیادتر از سرعت مقرر حرکت می کرده است) یا آنکه دستگاه موتوری را با وجود نقص و عیب مکانیکی مؤثر در تصادف به کار انداخته یا در محلهایی که برای عبور پیاده رو علامت مخصوص گذارده شده است، مراعات لازم ننماید و یا از محلهایی که عبور از آن ممنوع گردیده است رانندگی نموده به بیش از دو سوم حداکثر مجازات مذکور (در مواد فوق محکوم خواهد شد). دادگاه می تواند علاوه بر مجازات فوق مرتکب را برای مدت یک تا پنج سال از حق رانندگی یا تصدی وسائل موتوری محروم نماید(۱).

تبصره - اعمال مجازات موضوع مواد (۷۱۴) و (۷۱۸) این قانون از شمول بند (۱) ماده (۳) قانون و صول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین (مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸ مجلس شورای اسلامی مستثنی می باشد).

ماده ۷۱۹ - هرگاه مصدوم احتیاج به کمک فوری داشته و راننده با وجود امکان رساندن مصدوم به مراکز درمانی و یا استمداد از مأمورین انتظامی از این کار خودداری کند و یا به منظور فرار از تعقیب، محل حادثه را ترک و مصدوم را رها کند (حسب مورد به بیش از دو سوم حداکثر مجازات مذکور در مواد (۷۱۵) و (۷۱۶) محکوم خواهد شد. دادگاه نمی تواند در مورد این ماده اعمال کیفیت مُخَفِّه نماید(۱).

تبصره ۱ - راننده در صورتی می تواند برای انجام تکالیف مذکور در این ماده و سیله نقلیه را از صحنه حادثه حرکت دهد که برای کمک رسانیدن به مصدوم توسط به طریق دیگر ممکن نباشد.

تبصره ۲ - در تمام موارد مذکور هرگاه راننده مصدوم را به نقاطی برای معالجه و استراحت برساند و یا مأمورین مربوطه را از واقعه آگاه کند و یا به هر نحوی موجبات معالجه و استراحت و تخفیف آلام مصدوم را فراهم کند دادگاه مقررات تخفیف را درباره او رعایت خواهد نمود.

ماده ۷۲۰ - هرکس در ارقام و مشخصات پلاک وسائل نقلیه موتوری زمینی، آبی یا کشاورزی تغییر دهد و یا پلاک و سیله نقلیه موتوری دیگری را به آن الصاق نماید یا برای آن پلاک تقلبی به کار برد یا چنین وسائل را با علم به تغییر و یا تعویض پلاک تقلبی مورد استفاده قرار دهد و همچنین هرکس به نحوی از انحاء در شماره شاسی، موتور یا پلاک و سیله نقلیه موتوری و یا پلاکهای موتور و شاسی که از طرف کارخانه سازنده حک یا نصب شده بدون تحصیل مجوز از راهنمایی و رانندگی تغییر دهد و آن را از صورت اصلی کارخانه خارج کند به حبس از شش ماه (تا یک سال محکوم خواهد شد(۱).

ماده ۷۲۱ - هرکس بخواهد و سیله نقلیه موتوری را او راق کند مکلف است مراتب را با تعیین محل توقف و سیله نقلیه به راهنمایی و رانندگی محل اطلاع دهد، راهنمایی و رانندگی محل باید ظرف مدت یک هفته اجازه

او راق کردن و سیله نقلیه را بدهد و اگر به دلائلی با او راق کردن موافقت ندارد تصمیم قطعی خود را ظرف همان مدت با ذکر دلیل به متقاضی ابلاغ نماید، هرگاه راهنمایی و رانندگی هیچگونه اقدامی در آن مدت نکرد او راق کردن و سیله نقلیه پس از انقضاء مدت مجاز است. تخلف از این ماده برای او راق کننده موجب محکومیت از دو ماه تا یک سال حبس خواهد بود.

ماده ۷۲۲ - چنانچه و سیله موتوری یا پلاک آن سرقت یا مفقود شود، شخصی که و سیله در اختیار و تصرف او بوده است اعم از آنکه مالک بوده یا نبوده پس از اطلاع مکلف است بلافاصله مراتب را به نزدیکترین مرکز نیروی انتظامی اعلام نماید، متخلف از این ماده به جزای نقدی از پانصد هزار تا یک میلیون ریال محکوم خواهد شد.

ماده ۷۲۳ - هرکس () بدون گواهینامه رسمی () اقدام به رانندگی و یا تصدی وسائل موتوری که مستلزم داشتن گواهینامه مخصوص است، بنماید و همچنین هرکس به موجب حکم دادگاه از رانندگی وسائل نقلیه موتوری ممنوع باشد به رانندگی وسائل مزبور مبادرت و رزد برای بار اول به حبس تعزیری تا دو ماه یا جزای نقدی تا یک میلیون ریال و یا هر دو مجازات () و در صورت ارتکاب مجدد به دو ماه تا شش ماه حبس محکوم خواهد شد ().

ماده ۷۲۴ - هر راننده و سیله نقلیه ای که در دستگاه ثبت سرعت و سیله نقلیه عمداً تغییری دهد که دستگاه سرعتی کمتر از سرعت واقعی نشان دهد و یا با علم به اینکه چنین تغییری در دستگاه مزبور داده شده با آن و سیله نقلیه رانندگی کند برای بار اول به حبس از ده روز تا دو ماه و یا جزای نقدی از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال و یا هر دو مجازات و در صورت تکرار به دو تا شش ماه حبس محکوم خواهد شد ().

ماده ۷۲۵ - هر یک از مأمورین دولت که متصدی تشخیص مهارت و دادن گواهینامه رانندگی هستند اگر به کسی که واجد شرایط رانندگی نبوده پروانه بدهند به حبس تعزیری از شش ماه تا یک سال و به پنج سال انفصال از خدمات دولتی محکوم خواهند شد و پروانه صادره نیز ابطال می گردد.

ماده ۷۲۶ - هرکس در جرائم تعزیری () معاونت نماید حسب مورد به حداقل مجازات () مقرر در قانون برای همان جرم محکوم می شود. () (۴)

ماده ۷۲۷ - (۱) () جرائم مندرج در مواد ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰ جز با شکایت شاکی خصوصی تعقیب نمی شود و در صورتی که شاکی خصوصی گذشت نماید () دادگاه () می تواند در مجازات مرتکب تخفیف دهد و یا با رعایت موازین شرعی از تعقیب مجرم صرف نظر نماید ().

ماده ۷۲۸ - قاضی دادگاه می تواند با ملاحظه خصوصیات جرم و مجرم و دفعات ارتکاب جرم در موقع صدور حکم و در صورت لزوم از مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق و مجازاتهای تکمیلی و تبدیلی () از قبیل قطع موقت خدمات عمومی حسب مورد استفاده نماید ().

فصل جرائم رایانه ای

(الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) ()

بخش یکم - جرائم و مجازاتها

فصل یکم - جرائم علیه محرمانگی داده ها و سامانه های رایانه ای و مخابراتی

مبحث یکم - دسترسی غیرمجاز

ماده ۷۲۹ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - هرکس به طور غیرمجاز به داده ها یا سامانه های رایانه ای یا مخابراتی که به وسیله تدابیر امنیتی حفاظت شده است دسترسی یابد، به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (000/000/5) ریال تا بیست میلیون (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

مبحث دوم - شنود غیرمجاز

ماده ۷۳۰ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - هرکس به طور غیرمجاز محتوای در حال انتقال ارتباطات غیرعمومی در سامانه های رایانه ای یا مخابراتی یا امواج الکترومغناطیسی یا نوری را شنود کند، به حبس از شش ماه تا دو سال یا جزای نقدی از ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

مبحث سوم - جاسوسی رایانه ای

ماده ۷۳۱ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - هرکس به طور غیرمجاز نسبت به داده های سری در حال انتقال یا ذخیره شده در سامانه های رایانه ای یا مخابراتی یا حاملهای داده مرتکب اعمال زیر شود، به مجازاتهای مقرر محکوم خواهد شد:

الف) دسترسی به داده های مذکور یا تحصیل آنها یا شنود محتوای سری در حال انتقال، به حبس از یک تا سه سال یا جزای نقدی از بیست میلیون (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) (ریال تا شصت میلیون (۶۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات.

ب) در دسترس قرار دادن داده های مذکور برای اشخاص فاقد صلاحیت، به حبس از دو تا ده سال.

ج) افشاء یا در دسترس قرار دادن داده های مذکور برای دولت، سازمان، شرکت یا گروه بیگانه یا عاملان آنها، به حبس از پنج تا پانزده سال.

تبصره ۱- داده های سری داده هایی است که افشای آنها به امنیت کشور یا منافع ملی لطمه می زند.

تبصره ۲- آئین نامه نحوه تعیین و تشخیص داده های سری و نحوه طبقه بندی و حفاظت آنها ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزارت اطلاعات با همکاری وزارتخانه های دادگستری، کشور، ارتباطات و فناوری اطلاعات و دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

ماده ۷۳۲ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - هرکس به قصد دسترسی به داده های سری موضوع ماده (۳) این قانون، تدابیر امنیتی سامانه های رایانه ای یا مخابراتی را نقض کند، به حبس از شش ماه تا دو سال یا جزای نقدی از ده میلیون (000/000/10) ریال تا چهل میلیون (۴۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

ماده ۷۳۳ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - چنانچه مأموران دولتی که مسؤول حفظ داده های سری مقرر در ماده (۳) این قانون یا سامانه های مربوط هستند و به آنها آموزش لازم داده شده است یا داده ها یا سامانه های مذکور در اختیار آنها قرار گرفته است بر اثر بی احتیاطی، بی مبالاتی یا عدم رعایت تدابیر امنیتی موجب دسترسی اشخاص فاقد صلاحیت به داده ها، حاملهای داده یا سامانه های مذکور شوند، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (000/000/5) ریال تا چهل میلیون (۴۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات و انفصال از خدمت از شش ماه تا دو سال محکوم خواهند شد.

فصل دوم - جرائم علیه صحت و تمامیت داده ها و سامانه های

رایانه ای و مخابراتی

مبحث یکم - جعل رایانه ای

ماده ۷۳۴ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - هرکس به طور غیرمجاز مرتکب اعمال زیر شود، جاعل محسوب و به حبس از یک تا پنج سال یا جزای نقدی از بیست میلیون (000/000/20) ریال تا یکصد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد:

الف) تغییر یا ایجاد داده های قابل استناد یا ایجاد یا وارد کردن متقلبانه داده به آنها.

ب) تغییر داده ها یا علائم موجود در کارتهای حافظه یا قابل پردازش در سامانه های رایانه ای یا مخابراتی یا تراشه ها یا ایجاد یا وارد کردن متقلبانه داده ها یا علائم به آنها.

ماده ۷۳۵ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - هرکس با علم به مجعول بودن داده ها یا کارتها یا تراشه ها از آنها استفاده کند، به مجازات مندرج در ماده فوق محکوم خواهد شد.

مبحث دوم - تخریب و اخلال در داده ها یا سامانه های رایانه ای و مخابراتی

ماده ۷۳۶ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - هرکس به طور غیرمجاز داده های دیگری را از سامانه های رایانه ای یا مخابراتی یا حاملهای داده حذف یا تخریب یا مختل یا غیرقابل پردازش کند به حبس از شش ماه تا دو سال یا جزای نقدی از ده میلیون (000/000/10) ریال تا چهل میلیون (۴۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

ماده ۷۳۷ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - هرکس به طور غیرمجاز با اعمالی از قبیل وارد کردن، انتقال دادن، پخش، حذف کردن، متوقف کردن، دستکاری یا تخریب داده ها یا امواج الکترومغناطیسی یا نوری، سامانه های رایانه ای یا مخابراتی دیگری را از کار بیندازد یا کارکرد آنها را مختل کند، به حبس از شش ماه تا دو سال یا جزای نقدی از ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (000/000/40) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

ماده ۷۳۸ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - هرکس به طور غیرمجاز با اعمالی از قبیل مخفی کردن داده ها، تغییر گذر واژه یا رمزنگاری داده ها مانع دسترسی اشخاص مجاز به داده ها یا سامانه های رایانه ای یا مخابراتی شود، به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (000/000/20) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

ماده ۷۳۹ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - هرکس به قصد خطر انداختن امنیت، آسایش و امنیت عمومی اعمال مذکور در مواد (۷۳۶)، (۷۳۷) و (۷۳۸) این قانون را علیه سامانه های رایانه ای و مخابراتی که برای ارائه خدمات ضروری عمومی به کار می روند، از قبیل خدمات درمانی، آب، برق، گاز، مخابرات، حمل و نقل و بانکداری مرتکب شود، به حبس از سه تا ده سال محکوم خواهد شد.

فصل سوم - سرقت و کلاهبرداری مرتبط با رایانه

ماده ۷۴۰ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - هرکس به طور غیرمجاز داده های متعلق به دیگری را برآید، چنانچه عین داده ها در اختیار صاحب آن باشد، به جزای نقدی از یک میلیون (۱/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال و در غیر این صورت به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (000/000/5) ریال تا بیست میلیون (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

ماده ۷۴۱ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - هرکس به طور غیرمجاز از سامانه های رایانه ای یا مخابراتی با ارتکاب اعمالی از قبیل وارد کردن، تغییر، محو، ایجاد یا متوقف کردن داده ها یا مختل کردن سامانه، وجه یا مال یا منفعت یا خدمات یا امتیازات مالی برای خود یا دیگری تحصیل کند علاوه بر رد مال به صاحب آن به حبس از یک تا پنج

سال یا جزای نقدی از بیست میلیون (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا یکصد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

فصل چهارم - جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی

ماده ۷۴۲ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - هرکس به وسیله سامانه های رایانه ای یا مخابراتی یا حاملهای داده محتویات مستهجن را منتشر، توزیع یا معامله کند یا به قصد تجارت یا افساد تولید یا ذخیره یا نگهداری کند، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۰۰۰/۰۰۰/۴۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

تبصره ۱- ارتکاب اعمال فوق در خصوص محتویات مبتذل موجب محکومیت به حداقل یکی از مجازاتهای فوق می شود.

محتویات و آثار مبتذل به آثاری اطلاق می گردد که دارای صحنه و صور قبیحه باشد.

تبصره ۲- هرگاه محتویات مستهجن به کمتر از ده نفر ارسال شود، مرتکب به یک میلیون (۱/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا پنج میلیون (۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

تبصره ۳- چنانچه مرتکب اعمال مذکور در این ماده را حرفه خود قرار داده باشد یا به طور سازمان یافته مرتکب شود چنانچه مفسد فی الارض شناخته نشود، به حداکثر هر دو مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهد شد.

تبصره ۴- محتویات مستهجن به تصویر، صوت یا متن واقعی یا غیر واقعی یا متنی اطلاق می شود که بیانگر برهنگی کامل زن یا مرد یا اندام تناسلی یا آمیزش یا عمل جنسی انسان است.

ماده ۷۴۳ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - هرکس از طریق سامانه های رایانه ای یا مخابراتی یا حامل های داده مرتکب اعمال زیر شود، به ترتیب زیر مجازات خواهد شد:

الف) چنانچه به منظور دستیابی افراد به محتویات مستهجن، آنها را تحریک، ترغیب، تهدید یا تطمیع کند یا فریب دهد یا شیوه دستیابی به آنها را تسهیل نموده یا آموزش دهد، به حبس از یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

ارتکاب این اعمال در خصوص محتویات مبتذل موجب جزای نقدی از دو میلیون (۲/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا پنج میلیون (۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال است.

ب) چنانچه افراد را به ارتکاب جرائم منافی عفت یا استعمال مواد مخدر یا روان گردان یا خودکشی یا انحرافات جنسی یا اعمال خشونت آمیز تحریک یا ترغیب یا تهدید یا دعوت کرده یا فریب دهد یا شیوه ارتکاب یا استعمال آنها را تسهیل کند یا آموزش دهد، به حبس از یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم می شود.

تبصره - مفاد این ماده و ماده (۷۴۳) شامل آن دسته از محتویاتی نخواهد شد که برای مقاصد علمی یا هر مصلحت عقلایی دیگر تهیه یا تولید یا نگهداری یا ارائه یا توزیع یا انتشار یا معامله می شود.

فصل پنجم - هتک حیثیت و نشر اکاذیب

ماده ۷۴۴ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - هرکس به وسیله سامانه های رایانه ای یا مخابراتی، فیلم یا صوت یا تصویر دیگری را تغییر دهد یا تحریف کند و آن را منتشر یا با علم به تغییر یا تحریف منتشر کند، به نحوی که عرفاً

موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد. تبصره - چنانچه تغییر یا تحریف به صورت مستهجن باشد، مرتکب به حداکثر هر دو مجازات مقرر محکوم خواهد شد.

ماده ۷۴۵ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - هرکس به وسیله سامانه های رایانه ای یا مخابراتی صوت یا تصویر یا فیلم خصوصی یا خانوادگی یا اسرار دیگری را بدون رضایت او جز در موارد قانونی منتشر کند یا دسترس دیگران قرار دهد، به نحوی که منجر به ضرر یا عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

ماده ۷۴۶ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - هرکس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله سامانه رایانه ای یا مخابراتی اکاذیبی را منتشر نماید یا در دسترس دیگران قرار دهد یا با همان مقاصد اعمالی را بر خلاف حقیقت، رأساً یا به عنوان نقل قول، به شخص حقیقی یا حقوقی به طور صریح یا تلویحی نسبت دهد، اعم از اینکه از طریق یادشده به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به دیگری وارد شود یا نشود، افزون بر اعاده حیثیت (در صورت امکان)، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

فصل ششم - مسؤولیت کیفری اشخاص

ماده ۷۴۷ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - در موارد زیر، چنانچه جرائم رایانه ای به نام شخص حقوقی و در راستای منافع آن ارتکاب یابد، شخص حقوقی دارای مسؤولیت کیفری خواهد بود:

الف) هرگاه مدیر شخص حقوقی مرتکب جرم رایانه ای شود.

ب) هرگاه مدیر شخص حقوقی دستور ارتکاب جرم رایانه ای را صادر کند و جرم به وقوع بپیوندد.

ج) هرگاه یکی از کارمندان شخص حقوقی با اطلاع مدیر یا در اثر عدم نظارت وی مرتکب جرم رایانه ای شود.

د) هرگاه تمام یا قسمتی از فعالیت شخص حقوقی به ارتکاب جرم رایانه ای اختصاص یافته باشد.

تبصره ۱- منظور از مدیر کسی است که اختیار نمایندگی یا تصمیم گیری یا نظارت بر شخص حقوقی را دارد.

تبصره ۲- مسؤولیت کیفری شخص حقوقی مانع مجازات مرتکب نخواهد بود و در صورت نبود شرایط صدر ماده و عدم انتساب جرم به شخص خصوصی (۱) فقط شخص حقیقی مسؤول خواهد بود.

ماده ۷۴۸ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - اشخاص حقوقی موضوع ماده فوق، با توجه به شرایط و اوضاع و احوال جرم ارتکابی، میزان درآمد و نتایج حاصله از ارتکاب جرم، علاوه بر سه تا شش برابر حداکثر جزای نقدی جرم ارتکابی، به ترتیب ذیل محکوم خواهند شد:

الف) چنانچه حداکثر مجازات حبس آن جرم تا پنج سال حبس باشد، تعطیلی موقت شخص حقوقی از یک تا نه ماه و در صورت تکرار جرم تعطیلی موقت شخص حقوقی از یک تا پنج سال.

ب) چنانچه حداکثر مجازات حبس آن جرم بیش از پنج سال حبس باشد، تعطیلی موقت شخص حقوقی از یک تا سه سال و در صورت تکرار جرم، شخص حقوقی منحل خواهد شد.

تبصره - مدیر شخص حقوقی که طبق بند «ب» این ماده منحل می شود، تا سه سال حق تأسیس یا نمایندگی یا تصمیم گیری یا نظارت بر شخص حقوقی دیگر را نخواهد داشت.

ماده ۷۴۹ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - ارائه دهندگان خدمات دسترسی موظفند طبق ضوابط فنی و فهرست مقرر از سوی کارگروه (کمیته) تعیین مصادیق موضوع ماده ذیل، محتوای مجرمانه که در چهارچوب قانون تنظیم شده است اعم از محتوای ناشی از جرائم رایانه ای و محتوایی که برای ارتکاب جرائم رایانه ای به کار می رود را پالایش (فیلتر) کنند. در صورتی که عمداً از پالایش (فیلتر) محتوای مجرمانه خودداری کنند، منحل خواهند شد و چنانچه از روی بی احتیاطی و بی مبالاتی زمینه دسترسی به محتوای غیر قانونی را فراهم آورند، در مرتبه نخست به جزای نقدی از بیست میلیون (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا یکصد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال و در مرتبه دوم به جزای نقدی از یکصد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا یک میلیارد (۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال و در مرتبه سوم به یک تا سه سال تعطیلی موقت محکوم خواهند شد.

تبصره ۱- چنانچه محتوای مجرمانه به تارنماهای (وب سایتهای) مؤسسات عمومی شامل نهادهای زیر نظر ولی فقیه و قوای سه گانه مقننه، مجریه و قضائیه و مؤسسات عمومی غیردولتی موضوع قانون فهرست نهادهای و مؤسسات عمومی غیردولتی مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۹ و الحاقات بعدی آن یا به احزاب، جمعیتها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده یا به سایر اشخاص حقیقی یا حقوقی حاضر در ایران که امکان احراز هویت و ارتباط با آنها وجود دارد تعلق داشته باشد، با دستور مقام قضائی رسیدگی کننده به پرونده و رفع اثر فوری محتوای مجرمانه از سوی دارندگان، تارنما (وب سایت) مزبور تا صدور حکم نهایی پالایش (فیلتر) نخواهد شد.

تبصره ۲- پالایش (فیلتر) محتوای مجرمانه موضوع شکایت خصوصی با دستور مقام قضائی رسیدگی کننده به پرونده انجام خواهد گرفت.

ماده ۷۵۰ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - قوه قضائیه موظف است ظرف یک ماه از تاریخ تصویب این قانون کارگروه (کمیته) تعیین مصادیق محتوای مجرمانه را در محل دادستانی کل کشور تشکیل دهد. وزیر یا نماینده وزارتخانه های آموزش و پرورش، ارتباطات و فناوری اطلاعات، اطلاعات، دادگستری، علوم، تحقیقات و فناوری، فرهنگ و ارشاد اسلامی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، رئیس سازمان صدا و سیما و فرمانده نیروی انتظامی، یک نفر خبره در فناوری اطلاعات و ارتباطات به انتخاب کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی و یک نفر از نمایندگان عضو کمیسیون قضائی و حقوقی به انتخاب کمیسیون قضائی و حقوقی و تأیید مجلس شورای اسلامی اعضاء کارگروه (کمیته) را تشکیل خواهند داد. ریاست کارگروه (کمیته) به عهده دادستان کل کشور خواهد بود.

تبصره ۱- جلسات کارگروه (کمیته) حداقل هر پانزده روز یک بار و با حضور هفت نفر عضو رسمیت می یابد و تصمیمات کارگروه (کمیته) با اکثریت نسبی حاضران معتبر خواهد بود.

تبصره ۲- کارگروه (کمیته) موظف است به شکایات راجع به مصادیق پالایش (فیلتر) شده رسیدگی و نسبت به آنها تصمیم گیری کند.

تبصره ۳- کارگروه (کمیته) موظف است هر شش ماه گزارشی در خصوص روند پالایش (فیلتر) محتوای مجرمانه را به رؤسای قوای سه گانه و شورای عالی امنیت ملی تقدیم کند.

ماده ۷۵۱ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - ارائه دهندگان خدمات میزبانی موظفند به محض دریافت دستور کارگروه (کمیته) تعیین مصادیق مذکور در ماده فوق یا مقام قضائی رسیدگی کننده به پرونده مبنی بر وجود محتوای مجرمانه در سامانه های رایانه ای خود از ادامه دسترسی به آن ممانعت به عمل آورند. چنانچه عمداً از اجرای

دستور کارگروه (کمیته) یا مقام قضائی خودداری کنند، منحل خواهند شد. در غیر این صورت، چنانچه در اثر بی احتیاطی و بی مبالاتی زمینه دسترسی به محتوای مجرمانه مزبور را فراهم کنند، در مرتبه نخست به جزای نقدی از بیست میلیون (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا یکصد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال و در مرتبه دوم به یکصد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا یک میلیارد (۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال و در مرتبه سوم به یک تا سه سال تعطیلی موقت محکوم خواهند شد.

تبصره - ارائه دهندگان خدمات میزبانی موظفند به محض آگاهی از وجود محتوای مجرمانه مراتب را به کارگروه (کمیته) تعیین مصادیق اطلاع دهند.

ماده ۷۵۲ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - هرکس بدون مجوز قانونی از پهنای باند بین المللی برای برقراری ارتباطات مخابراتی مبتنی بر پروتکل اینترنتی از خارج ایران به داخل یا برعکس استفاده کند، به حبس از یک تا سه سال یا جزای نقدی از یکصد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا یک میلیارد (۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

فصل هفتم - سایر جرائم

ماده ۷۵۳ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - هر شخصی که مرتکب اعمال زیر شود، به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد:

الف) تولید یا انتشار یا توزیع و در دسترس قرار دادن یا معامله داده ها یا نرم افزارها یا هر نوع ابزار الکترونیکی که صرفاً به منظور ارتکاب جرائم رایانه ای به کار می رود.

ب) فروش یا انتشار یا در دسترس قرار دادن گذر واژه یا هر داده ای که امکان دسترسی غیرمجاز به داده ها یا سامانه های رایانه ای یا مخابراتی متعلق به دیگری را بدون رضایت او فراهم می کند.

ج) انتشار یا در دسترس قرار دادن محتویات آموزش دسترسی غیرمجاز، شنود غیرمجاز، جاسوسی رایانه ای و تخریب و اخلال در داده ها یا سیستم های رایانه ای و مخابراتی.

تبصره - چنانچه مرتکب، اعمال یادشده را حرفه خود قرار داده باشد، به حداکثر هر دو مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهد شد.

فصل هشتم - تشدید مجازاتها

ماده ۷۵۴ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - در موارد زیر، حسب مورد مرتکب به بیش از دو سوم حداکثر یک یا دو مجازات مقرر محکوم خواهد شد:

الف) هر یک از کارمندان و کارکنان اداره ها و سازمانها یا شوراها و یا شهرداریها و مؤسسه ها و شرکتهای دولتی و یا وابسته به دولت یا نهادهای انقلابی و بنیادها و مؤسسه هایی که زیر نظر ولی فقیه اداره می شوند و دیوان محاسبات و مؤسسه هایی که با کمک مستمر دولت اداره می شوند و یا دارندگان پایه قضائی و به طور کلی اعضاء و کارکنان قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح و مأموران به خدمت عمومی اعم از رسمی و غیررسمی به مناسبت انجام وظیفه مرتکب جرم رایانه ای شده باشند.

ب) متصدی یا متصرف قانونی شبکه های رایانه ای یا مخابراتی که به مناسبت شغل خود مرتکب جرم رایانه ای شده باشد.

ج) داده ها یا سامانه های رایانه ای یا مخابراتی، متعلق به دولت یا نهادها و مراکز ارائه دهنده خدمات عمومی باشد.

د) جرم به صورت سازمان یافته ارتکاب یافته باشد.

ه) جرم در سطح گسترده ای ارتکاب یافته باشد.

ماده ۷۵۵ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - در صورت تکرار جرم برای بیش از دو بار دادگاه می تواند مرتکب را از خدمات الکترونیکی عمومی از قبیل اشتراک اینترنت، تلفن همراه، اخذ نام دامنه مرتبه بالای کشوری و بانکداری الکترونیکی محروم کند:

الف) چنانچه مجازات حبس آن جرم نودویک روز تا دو سال حبس باشد، محرومیت از یک ماه تا یک سال.

ب) چنانچه مجازات حبس آن جرم دو تا پنج سال حبس باشد، محرومیت از یک تا سه سال.

ج) چنانچه مجازات حبس آن جرم بیش از پنج سال حبس باشد، محرومیت از سه تا پنج سال.

بخش دوم - آیین دادرسی

فصل یکم - صلاحیت

ماده ۷۵۶ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - علاوه بر موارد پیش بینی شده در دیگر قوانین، دادگاههای ایران در موارد زیر نیز صالح به رسیدگی خواهند بود:

الف) داده های مجرمانه یا داده هایی که برای ارتکاب جرم به کار رفته است به هر نحو در سامانه های رایانه ای و مخابراتی یا حاملهای داده موجود در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران ذخیره شده باشد.

ب) جرم از طریق تارنماهای (وب سایتهای) دارای دامنه مرتبه بالای کد کشوری ایران ارتکاب یافته باشد.

ج) جرم توسط هر ایرانی یا غیرایرانی در خارج از ایران علیه سامانه های رایانه ای و مخابراتی و تارنماهای (وب سایتهای) مورد استفاده یا تحت کنترل قوای سه گانه یا نهاد رهبری یا نمایندگی های رسمی دولت یا هر نهاد یا مؤسسه ای که خدمات عمومی ارائه می دهد یا علیه تارنماهای (وب سایتهای) دارای دامنه مرتبه بالای کد کشوری ایران در سطح گسترده ارتکاب یافته باشد.

د) جرائم رایانه ای متضمن سوء استفاده از اشخاص کمتر از هجده سال، اعم از آنکه مرتکب یا بزه دیده ایرانی یا غیرایرانی باشد.

ماده ۷۵۷ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - چنانچه جرم رایانه ای در محلی کشف یا گزارش شود، ولی محل وقوع آن معلوم نباشد، دادسرای محل کشف مکلف است تحقیقات مقدماتی را انجام دهد. چنانچه محل وقوع جرم مشخص نشود، دادسرا پس از اتمام تحقیقات مبادرت به صدور قرار می کند و دادگاه مربوط نیز رأی مقتضی را صادر خواهد کرد.

ماده ۷۵۸ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - قوه قضائیه موظف است به تناسب ضرورت شعبه یا شعبی از دادسراها، دادگاههای عمومی و انقلاب، نظامی و تجدیدنظر را برای رسیدگی به جرائم رایانه ای اختصاص دهد. تبصره - قضات دادسراها و دادگاه های مذکور از میان قضاتی که آشنایی لازم به امور رایانه دارند انتخاب خواهند شد.

ماده ۷۵۹ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - در صورت بروز اختلاف در صلاحیت، حل اختلاف مطابق مقررات قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی خواهد بود.

فصل دوم - جمع آوری ادله الکترونیکی

مبحث اول - نگهداری داده ها

ماده ۷۶۰ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - ارائه دهندگان خدمات دسترسی موظفند داده های ترافیک را حداقل تا شش ماه پس از ایجاد و اطلاعات کاربران را حداقل تا شش ماه پس از خاتمه اشتراک نگهداری کنند.

تبصره ۱- داده ترافیک هرگونه داده ای است که سامانه های رایانه ای در زنجیره ارتباطات رایانه ای و مخابراتی تولید می کنند تا امکان ردیابی آنها از مبدأ تا مقصد وجود داشته باشد. این داده ها شامل اطلاعاتی از قبیل مبدأ، مسیر، تاریخ، زمان، مدت و حجم ارتباط و نوع خدمات مربوطه می شود.

تبصره ۲- اطلاعات کاربر هرگونه اطلاعات راجع به کاربر خدمات دسترسی از قبیل نوع خدمات، امکانات فنی مورد استفاده و مدت زمان آن، هویت، آدرس جغرافیایی یا پستی یا پروتکل اینترنتی (IP)، شماره تلفن و سایر مشخصات فردی اوست.

ماده ۷۶۱ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - ارائه دهندگان خدمات میزبانی داخلی موظفند اطلاعات کاربران خود را حداقل تا شش ماه پس از خاتمه اشتراک و محتوای ذخیره شده و داده ترافیک حاصل از تغییرات ایجاد شده را حداقل تا پانزده روز نگهداری کنند.

مبحث دوم - حفظ فوری داده های رایانه ای ذخیره شده

ماده ۷۶۲ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - هرگاه حفظ داده های رایانه ای ذخیره شده برای تحقیق یا دادرسی لازم باشد، مقام قضائی می تواند دستور حفاظت از آنها را برای اشخاصی که به نحوی تحت تصرف یا کنترل دارند صادر کند. در شرایط فوری، نظیر خطر آسیب دیدن یا تغییر یا از بین رفتن داده ها، ضابطان قضائی می توانند رأساً دستور حفاظت را صادر کنند و مراتب را حداکثر تا ۲۴ ساعت به اطلاع مقام قضائی برسانند. چنانچه هر یک از کارکنان دولت یا ضابطان قضائی یا سایر اشخاص از اجرای این دستور خودداری یا داده های حفاظت شده را افشاء کنند یا اشخاصی که داده های مزبور به آنها مربوط می شود را از مفاد دستور صادره آگاه کنند، ضابطان قضائی و کارکنان دولت به مجازات امتناع از دستور مقام قضائی و سایر اشخاص به حبس از نود و یک روز تا شش ماه یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهند شد.

تبصره ۱ - حفظ داده ها به منزله ارائه یا افشاء آنها نبوده و مستلزم رعایت مقررات مربوط است.

تبصره ۲- مدت زمان حفاظت از داده ها حداکثر سه ماه است و در صورت لزوم با دستور مقام قضائی قابل تمدید است.

مبحث سوم - ارائه داده ها

ماده ۷۶۳ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - مقام قضائی می تواند دستور ارائه داده های حفاظت شده مذکور در مواد (۷۶۰)، (۷۶۱) و (۷۶۲) فوق را به اشخاص یادشده بدهد تا در اختیار ضابطان قرارگیرد. مستنکف از اجراء این دستور به مجازات مقرر در ماده (۷۶۲) (۴) این قانون محکوم خواهد شد.

مبحث چهارم - تفتیش و توقیف داده ها و سامانه های رایانه ای و مخابراتی

ماده ۷۶۴ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - تفتیش و توقیف داده ها یا سامانه های رایانه ای و مخابراتی به موجب دستور قضائی و در مواردی به عمل می آید که ظن قوی به کشف جرم یا شناسایی متهم یا ادله جرم وجود داشته باشد.

ماده ۷۶۵ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - تفتیش و توقیف داده ها یا سامانه های رایانه ای و مخابراتی در حضور متصرفان قانونی یا اشخاصی که به نحوی آنها را تحت کنترل قانونی دارند، نظیر متصدیان سامانه ها انجام خواهد شد. در غیر این صورت، قاضی با ذکر دلائل دستور تفتیش و توقیف بدون حضور اشخاص مذکور را صادر خواهد کرد.

ماده ۷۶۶ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - دستور تفتیش و توقیف باید شامل اطلاعاتی باشد که به اجرای صحیح آن کمک می کند، از جمله اجرای دستور در محل یا خارج از آن، مشخصات مکان و محدوده تفتیش و توقیف، نوع و میزان داده های مورد نظر، نوع و تعداد سخت افزارها و نرم افزارها، نحوه دستیابی به داده های رمزنگاری یا حذف شده و زمان تقریبی انجام تفتیش و توقیف.

ماده ۷۶۷ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - تفتیش داده ها یا سامانه های رایانه ای و مخابراتی شامل اقدامات ذیل می شود:

الف) دسترسی به تمام یا بخشی از سامانه های رایانه ای یا مخابراتی.

ب) دسترسی به حامل های داده از قبیل دیسکت ها یا لوحهای فشرده یا کارتهای حافظه.

ج) دستیابی به داده های حذف یا رمزنگاری شده.

ماده ۷۶۸ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - در توقیف داده ها، با رعایت تناسب، نوع، اهمیت و نقش آنها در ارتکاب جرم، به روش هایی از قبیل چاپ داده ها، کپی برداری یا تصویربرداری از تمام یا بخشی از داده ها، غیر قابل دسترس کردن داده ها با روش هایی از قبیل تغییر گذرواژه یا رمزنگاری و ضبط حاملهای داده عمل می شود.

ماده ۷۶۹ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - در هر یک از موارد زیر سامانه های رایانه ای یا مخابراتی توقیف خواهد شد:

الف) داده های ذخیره شده به سهولت در دسترس نبوده یا حجم زیادی داشته باشد.

ب) تفتیش و تجزیه و تحلیل داده ها بدون سامانه سخت افزاری امکان پذیر نباشد.

ج) متصرف قانونی سامانه رضایت داده باشد.

د) تصویربرداری (کپی برداری) از داده ها به لحاظ فنی امکان پذیر نباشد.

ه) تفتیش در محل باعث آسیب داده ها شود.

ماده ۷۷۰ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - توقیف سامانه های رایانه ای یا مخابراتی متناسب با نوع و اهمیت و نقش آنها در ارتکاب جرم با روش هایی از تغییر گذرواژه به منظور عدم دسترسی به سامانه، پلمپ سامانه در محل استقرار و ضبط سامانه صورت می گیرد.

ماده ۷۷۱ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - چنانچه در حین اجرای دستور تفتیش و توقیف، تفتیش داده های مرتبط با جرم ارتكابی در سایر سامانه های رایانه ای یا مخابراتی که تحت کنترل یا تصرف متهم قرار دارد ضروری باشد، ضابطان با دستور مقام قضائی دامنه تفتیش و توقیف را به سامانه های مذکور گسترش داده و داده های مورد نظر را تفتیش یا توقیف خواهند کرد.

ماده ۷۷۲ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - چنانچه توقیف داده ها یا سامانه های رایانه ای یا مخابراتی موجب ایراد لطمه جانی یا خسارت مالی شدید به اشخاص یا اخلال در ارائه خدمات عمومی شود ممنوع است.

ماده ۷۷۳ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - در مواردی که اصل داده ها توقیف می شود، ذی نفع حق دارد پس از پرداخت هزینه از آنها کپی دریافت کند، مشروط به این که ارائه داده های توقیف شده مجرمانه یا منافعی با محرمانه بودن تحقیقات نباشد و به روند تحقیقات لطمه ای وارد نشود.

ماده ۷۷۴ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - در مواردی که اصل داده ها یا سامانه های رایانه ای یا مخابراتی توقیف می شود، قاضی موظف است با لحاظ نوع و میزان داده ها و نوع و تعداد سخت افزار ها و نرم افزار های مورد نظر و نقش آنها در جرم ارتكابی، در مهلت متناسب و متعارف نسبت به آنها تعیین تکلیف کند.

ماده ۷۷۵ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - متضرر می تواند در مورد عملیات و اقدامهای مأموران در توقیف داده ها و سامانه های رایانه ای و مخابراتی، اعتراض کتبی خود را همراه با دلائل ظرف ده روز به مرجع قضائی دستوردهنده تسلیم نماید. به درخواست یادشده خارج از نوبت رسیدگی گردیده و تصمیم اتخاذ شده قابل اعتراض است.

مبحث پنجم - شنود محتوای ارتباطات رایانه ای

ماده ۷۷۶ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - شنود محتوای در حال انتقال ارتباطات غیرعمومی در سامانه های رایانه ای یا مخابراتی مطابق مقررات راجع به شنود مکالمات تلفنی خواهد بود.

تبصره - دسترسی به محتوای ارتباطات غیرعمومی ذخیره شده، نظیر پست الکترونیکی یا پیامک در حکم شنود و مستلزم رعایت مقررات مربوط است.

فصل سوم - استناد پذیری ادله الکترونیکی

ماده ۷۷۷ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - به منظور حفظ صحت و تمامیت، اعتبار و انکارناپذیری ادله الکترونیکی جمع آوری شده، لازم است مطابق آیین نامه مربوط از آنها نگهداری و مراقبت به عمل آید.

ماده ۷۷۸ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - چنانچه داده های رایانه ای توسط طرف دعوا یا شخص ثالثی که از دعوا آگاهی نداشته، ایجاد یا پردازش یا ذخیره یا منتقل شده باشد و سامانه رایانه ای یا مخابراتی مربوط به نحوی درست عمل کند که به صحت و تمامیت، اعتبار و انکارناپذیری داده ها خدشه وارد نشده باشد، قابل استناد خواهد بود.

ماده ۷۷۹ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - کلیه مقررات مندرج در فصل های دوم و سوم این بخش، علاوه بر جرائم رایانه ای شامل سایر جرائمی که ادله الکترونیکی در آنها مورد استناد قرار می گیرد نیز می شود.

بخش سوم - سایر مقررات

ماده ۷۸۰ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - در مواردی که سامانه رایانه ای یا مخابراتی به عنوان وسیله ارتكاب جرم به کار رفته و در این قانون برای عمل مزبور مجازاتی پیش بینی نشده است، مطابق قوانین جزائی مربوط عمل خواهد شد.

تبصره - در مواردی که در بخش دوم این قانون برای رسیدگی به جرائم رایانه ای مقررات خاصی از جهت آیین دادرسی پیش بینی نشده است طبق مقررات قانون آیین دادرسی کیفری اقدام خواهد شد.

ماده ۷۸۱ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - میزان جزا های نقدی این قانون بر اساس نرخ رسمی تورم حسب اعلام بانک مرکزی هر سه سال یک بار با پیشنهاد رئیس قوه قضائیه و تصویب هیأت وزیران قابل تغییر است.

ماده ۷۸۲ (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵) - آیین نامه های مربوط به جمع آوری و استنادپذیری ادله الکترونیکی ظرف مدت شش ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزارت دادگستری با همکاری وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد رسید.

ماده ۷۸۳ (اصلاحی ۱۳۷۷/۲/۲۷ و ۱۳۸۸/۳/۵) - کلیه قوانین مغایر با این قانون از جمله قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ و اصلاحات و الحاقات بعدی آن (۱) ملغی است. (۲) و (۳) و (۴)